

توفان
و
کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد
ضمیمه فصل نوزدهم
مندرج در دفتر دوم جلد اول

توفان و کنفدراسیون جهانی

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان
و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی
در درون کنفدراسیون جهانی

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵
حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل : toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- توفان و کنفدراسیون جهانی ----- ۱
- دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۱
- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۲
- سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی ----- ۲
- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۱۳
- گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی (ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲) ----- ۱۳
- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۱۸
- قطعه نامه پشتیبانی از جنبش ظفار ----- ۱۸
- سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۲۱
- بولتن خبری فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی ----- ۲۱
- سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۲۳
- قطعه نامه در مورد نقش شاه در خلیج ----- ۲۳
- سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۲۷
- ۹ ژوئن دهمین سالروز آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان را هر چه وسیع تر و با شکوه تر برگزار کنیم ----- ۲۷
- سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۳۵
- پیام به خلق عمان مصوبات هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی در سال ۱۹۷۸ ----- ۳۵
- سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۳۷
- جمع بندی سمینار مرکزی کنفدراسیون جهانی فرانکفورت ۱۹ - ۲۱ اکتبر ۷۵ ----- ۳۷
- سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۴۱
- طرح ها و مسائلی چند برای کنگره امسال ----- ۴۱
- سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۴۶
- بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان های سیاسی خارجی ----- ۴۶
- سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۴۸
- ۲۳ نوامبر ۱۹۷۵ سازمان گرونوبل ----- ۴۸
- سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۵۰
- سخنی چند در باره ی روش کنونی کنفدراسیون دانشجویان ----- ۵۰
- سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۵۳
- اطلاعیه کمیته اجراییه اتحادیه دانشجویان فلسطین ----- ۵۳

- سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۵۷
اطلاعیه هئیت نمایندگی کنفدراسیون در کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین ----- ۵۷
- سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۶۱
برلن ۷۵/۶/۲۵ بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان ----- ۶۱
- سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۶۹
دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان "برلن ۷۵/۷/۲" ----- ۶۹
- سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۷۵
مستخرجی از گزارش فعالیت ارگان مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان ----- ۷۵
- سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۷۷
اطلاعیه سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی ----- ۷۷
- سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۸۱
بخشنامه س-م-ل-ت ----- ۸۱
- سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۸۲
گزارش مختصر یکسال فعالیت شعبه دانشجویی ----- ۸۲
- سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۸۴
بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط ----- ۸۴
- سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۹۳
تظاهرات موفق با وجود ممنوعیت ----- ۹۳
- سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۹۶
نامه‌ای در باره تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون ----- ۹۶
- سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم ----- ۹۸
بازهم در پیرامون تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون ----- ۹۸

توفان و کنفدراسیون جهانی
دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا

عضو کنفدراسیون جهانی

تا مرگ دیکتاتورها مثل سرنگونی رژیم سلطنتی و تا پیروزی کامل زحمتکشان مبارزه ادامه دارد

اعضاء و هواداران کنفدراسیون جهانی در شمال کالیفرنیا -

بیگفتگو است که اکنون مدتی است که بحران سیاسی عمیق و همه جانبه ای صفوف جنبش دانشجویی خارج و سازمان رزمنده ای کنفدراسیون جهانی در بر گرفته و تمامی دانشجویان مسئول و ایرانیان میهن - پرست از آن آگاهند. بحران سیاسی فوق نامسا منیهایی فراوانی ببار آورده که از جمله میتوان چند پارگی تشکیلات کنفدراسیون جهانی، تضعیف توان مبارزه ضد رژیمی و سیاسی کنفدراسیون و تشقت عمیق حاکم بر آن را نام برد. امروز وظیفه بیرون کشیدن کنفدراسیون جهانی و صفوف نهضت دانشجویی خارج از بحران و نامسا منیهایی کنونی میباشد که در صدر ویلای وظایف کلیه دانشجویان مسئول و مبارز قرار گیرد و همهت همگان در این راه بکار افتد. آنان که تمامی فعالیت خویشی را به گرد تحکیم و حرکت صفوف جنبش دانشجویی خارج برپا رفته دستاوردهای انقلابی نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق قهرمان ایران و وظایف ارزشمند جنبش دانشجویان بکار و نیاز ندارند. چنانچه خالی نمودن از زیر بار مسئولیت خطیری که اکنون بر دوش ماست کاری انجام نداده اند.

دانشجویان متفکر در سازمان شمال کالیفرنیا آگاهند که پس از گذر ۲۳ سال از زمان آمریکا و بیوهه پس از شورش فوق العاده سازمان آمریکا بحران درونی سازمان شمال تشدید یافته و خروج عده ای از اعضا سازمان شمال از کنفرانس حوزه (اتسایمیر) دامن تشقت و جدائی و انشعاب به منتهای درجه خویش رسیده است. در عین حال برهمگان آشکار است که بحران درونی سازمان ماکه بدین انشعاب انجامیده است نه پدیده ای مجزا بلکه مرتبط به وضع کنفدراسیون جهانی و بحران سیاسی موجود در جنبش دانشجویی خارج. منتج از آن میباشد پس برای پی بردن به دلایل آنچه که در سازمان ما اتفاق افتاده است میباشد در درجه اول به بحران سیاسی کنفدراسیون جهانی پرداخت و از خلال آن مسائل درونی سازمان شمال کالیفرنیا را باز یافت.

کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی (اتحادیه ملی) بر مبنی یک ضرورت تاریخی در شرایطی که بنحی حکومت ترورو و خفقان محمدرضا شاهی حلقوم خلق را میفشرد از گرد هم آئی دانشجویان آزادخواه و استقلال طلب در خارج از کشور بوجود آمده و همروال با رشد جنبش خلق در داخل کشور و تکامل مبارزه درونی جنبش دانشجویان خارج کنفدراسیون از یک سازمان صرفاً ضد دیکتاتوری به سازمانی ضد امپریالیست و دمکراتیک بدل گشت و بهر اورد وظایف خطیر جنبش دانشجویی خارج همت گماشت. در این مختصر میان مفصل روند تکامل کنفدراسیون جهانی ممکن نبوده و ما تنها به ذکر آن مسائل عمده ای که بگرد آنان خط مشی این سازمان پرورده گشته و اساس مبارزه درونی میان جریانات مختلف بر سر آنان بوده است بسنده مینمائیم زیرا ما نیکه مبارزه ای همه جانبه و گسترده در جریان است پس از گذشت مدتی یک یا چند نکته اساسی مبارزه ظاهر میگردد که سرنوشت وجهت مبارزه بستگی به حل آنان خواهد داشت. در نهضت دانشجویی خارج این مسائل و نکات درعالمترین شکل خویش در چگونگی برخورد و مبارزه یا رژیم منقور محمدرضا شاهی و امپریالیسم و در چگونگی بسیج و آموزش توده دانشجویان این مبارزه متبلور گشته و بعد از مبارزه درونی را تعیین نموده است. بهترین تبلور این حقیقت را می توان از گذر ۱۲ کنفدراسیون جهانی دنبال نمود. در سال ۱۹۷۰ رژیم شاه در تشدید یورش خویش بر

نهضت دانشجویی طرح اقدام به "غیرقانونی" نمودن کنفدراسیون جهانی کرده و عضویت در آنرا مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ نمود. در شرایطی این چنین که یورش ددمنشانه حکومت پاسخی شایسته و قاطع میطلبد و توده دانشجویان استواری خویش را در مبارزه قاطع با رژیم در عمل با ثبات رسانیده بود، مجریات موجود در جنبش دانشجویی خارج دویاسخ متضاد به این یورش رژیم دادند. از این دویاسخ یکی پاسخ راست - روان موجود در کنفدراسیون بود. اینان تزلزل در مبارزه قاطع ضد رژیمی را با سرفروا و ردن عقب - نشینی در مقابل این یورش پاسخ گفته و منشوری به کنفدراسیون عرضه نمودند که در آن فعالیت و مبارزه کنفدراسیون در "چهار رچوب" قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر محدود" گفته بود. در توجیه عقب ماندگی و تزلزل خویش، در توجیه پائین کشیدن سطح کنفدراسیون تا سطح کار در چهار رچوب قانونی که رسمیت سلطنت محمدرضا شاهی را تأیید مینماید اینان "حقانیت مبارزه" خواست وسیع ترین توده - ها "عقب نشینی منظم و فعال" "عدم رشد کافی نیروهای مولده" و توجیهات بسیار دیگری را به جنبش دانشجویی ماعرضه نمودند. در این "عقب نشینی فعال" نیروها و جریانات گوناگونی شرکت داشتند که گرچه توجیهات گوناگونی را نیز محمل خویش ساخته بودند. اما در غالب نمودن مشی رفرمیستی و راست روانه برجانبش دانشجویی ما متحد القول بودند که در منشور کذا یی پیشنهادی به کنگره ۱۲ کنفدراسیون متبلور گشته بود. منشور فوق که بنام "منشور کمیسیون هیئت دبیران" مشهور است در غالب بقا مل با منشوری بود که طرفداران کمیته مرکزی حزب توده ایران از سازمان گراتس بدین کنگره آورده بودند و از این لحاظ برنامه تمامی جریانات فوق در پاسخ به یورش رژیم یگانه و همگون بودند.

پاسخ دیگر در مقابل این "عقب نشینی فعال" مبارزه قاطع بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بر مبنی خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران به پیش گذارده و مبارزه درونی - سرخوش این جنبش بگردان اساسی ترین، مسائل نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران بمدی توین یا شد. منشور کذا یی رفرمیستی آنچنان افشاشد که آورندگان مجبور به تضییع آن گشتند و منشور دیگر به تصویب رسید که بقول خودشان "روح" منشور نخستین را بدون الفاظ "کار در چهار رچوب قانون اساسی" حفظ نموده بود. بدنبال کنگره ۱۲ کنفدراسیون اساسی ترین صف بندی درون جنبش دانش - خویشی میان دو مشی ادامه یافت. آیندو پاسخ بیان دودیدگاه دو برنامه و دومی نسبت به وظایف نهضت دانشجویی خارج و مبارزه بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بود و هست و امروز پس از گذشت بیش از ۵ سال از آن تاریخ همچنان به قوت خویش بر جای مانده و عمارت کامل مبارزه درونی میان این دومی است که سرانجام به تکوین تشکیلات مجزا که در واقع عالی ترین سطح تجلی این دومی میباشد انجام داده است. پس برای آنکه به مضمون و محتوی تشکیلاتهای چندگانه ای که اینک در جنبش دانشجویی خارج ظاهر گشته اند پی برده شود برای آنکه علت چندپارگی کنفدراسیون روشن گردد، مینویست روند تکاملی مبارزه ایران که در عالیترین شکل خود به این جدایی تشکیلاتی انجام داده است مورد بررسی قرار داند.

سما نگونه که ذکر گردید در میان کسانی که عقیده اندگی و راست روی خویش را کرنش در مقابل حمله رژیم پاسخ گفته اند جریانات مختلفی موجود بودند. جمعی از اینان عملکرد خویش را این چنین تشریحه نمودند که از آنجا که شرایط انقلابی در جامعه ایران موجود نبوده و تکامل تضادهای طبقاتی

رشد کافی ننموده است در نتیجه در شرایط کنونی وظیفه اساسی جنبش مردم ایران مبارزه برای
آنجنان "قوانین دمکراتیکی" که در چهار رچوب آنان نیروهای مولده جامعه بتوانند بدرجه رشد
کافی برسند و در نتیجه میبایست که در چهار رچوب قانون اساسی ایران به فعالیت و مبارزه پرداخت
و در انتظار شرایط مناسب نشست. طرفداران و دنباله روان آن روزی این نظریه همان مایند که
امروز نیز تحت هدایت و رهبری نویسندگان و مآمنده و سازشکاران "سپهر" با تکیه به همان
تئوریها به انشعاب خویش از کنفدراسیون جهانی جامعه عمل پوشانیده و از آن خارج گردیدند.
جریانهای دیگر موجود در این صف بندی با تکیه به مشی راست روانه ای که جنبشهای توده ای را در سطح
خواستهای مطالبات و "قانونی" محدود مینماید بدینجا رسیدند که "حقانیت مبارزه" خواست
وسیع ترین توده ها "توده ای نمودن کنفدراسیون" در این شرایط بحرانی حکم مینماید که با
"یک عقب نشینی فعال" کنفدراسیون از گزند حملات رژیم به اصطلاح مصون بماند و توده های
دانشجو از اطراف آن پراکنده نگردند. حمله رژیم در واقع آن فرصت مناسبی بود که اینان واقعیت
مشی راست روانه خویش را بروز داده و در زمینه جنبش دانشجویی به عمل گذارند. دوازدهمین کنگره
کنفدراسیون از بسیاری جهات نقشی ویژه در تاریخ جنبش دانشجویی خاور میانه مینماید. شرایط
بحرانی همواره تمامی جریانهای و نظرات سیاسی را و میدارده که با مشی ویرانه ای مطابق با واقعیت
و سیاست واقعی خویش پای میزدان گذارند و کنگره ۱۲ کنفدراسیون از این لحاظ این چنین نقشی را
ایفا نمود. در جریان مسائل این کنگره بود که دومی دوبرنادر مقابل یکدیگر قدم علم نمودند و
آینده کنفدراسیون در گرو سرانجام مبارزه میان این دومی قرار گرفت. کنفدراسیون جهانی و
نهضت دانشجویی خاور میانه کدام راه را باید پیش گیرد؟ راهی که سرانجامش تبدیل کنفدراسیون به
یک سازمان صنفی و مطالباتی در عقب مانده ترین سطح آن و در چهار رچوبی رفتمیستی است و یا راهی که
در صدر آن اساسی ترین خواست نهضت انقلابی و استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران در راه سرنگونی
بساط این رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم قرار دارد؟ دو پاسخ متضاد داده شده در شرایط بحرانی
کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی در واقع و در نهایت ایندوره را در مقابل جنبش دانشجویی خاور میانه
قرار میداد.

بسیاری از راست روان کنونی بر آنند که بحث پیرامون خط مشی کنفدراسیون جهانی بحثی تحمیلی
بوده و هست و خاطره شان از اینگونه مباحث آزرده میباشند و حتی برای آنان که با تکیه به عقب -
افتاده ترین خواستهای موجود در میان دانشجویان خاور میانه گام برمیداشتند و میدانند اساسی ترین
وظیفه انقلابی ایران و تربیت توده دانشجویی بگردان میباید هم بحثی تحمیلی بشمار آید.
جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور بمثابه بخشی لا ینفک از نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک
خلق ایران وظیفه مند است که با درس آموزی از گذشته نهضت و با تکیه بر دستاوردهای ارزشمند آن در
آن راهی گام بردارد که خلق قهرمانان ایران آنرا برای رهایی از یوغ برده گی امپریالیسم و ارتجاع
یومی در راه رسیدن به جامعه ای مستقل و دمکراتیک ترسیم نموده است. جنبش دانشجویی ایران در
خارج از کشور وظیفه مند است تا سمت و محتوی و مضمون برنامه ها و مبارزات خویش را بگردان خواستی
ترسیم نماید که جنبش انقلابی ایران ترسیم نموده است. آنان که راهی جز این در مقابل جنبش
دانشجویی ایران در خارج از کشور قرار داده و میهند در واقع خواهان آنند که عقب مانده گی خویش
را برای جنبش تحمیل نمایند.

بهر رو درباره روند و چگونگی حرکت و تکامل بخشی از صف بندی راست روان کنگره ۱۲ که بدنبال
نویسندگان نشریه "سپهر" از کنفدراسیون انشعاب نمودند به تفصیل در مباحث پیرامون کنگره ۱۲
سازمان آمریکا سخن رانده شده و در این مختصر نیازی به تکرار آنان نمیباشد و فقط را به مطالعه
درم شماره ۱ و اظهاریه شیکاگو رجوع مینمایم.

بخش دیگر موجود در این صف بندی راست که تحمیل عقب ماندگی خویش را به جنبش دانشجویی در سر
پرواز داده است پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی مسیر حرکت قهرمانی و سیستم تیزه شدن را به
سرعت دنبال نموده در این مختصر باز فرصت شکافتن تمامی جوانب این تکامل قهرمانی موجود

نیست و ما به ذکر اساسی ترین تبلورات آن بسنده می نمایم. در طول این چند ساله از این راست روان اسناد جامعی در توضیح خط سیاسی شان برجای مانده است که برای نمونه میتوان به "رساله ما میورگ" "رساله گیس" "بحث آزاددا نشجوی" "رساله مونیخ" اشاره نمود. در درون این اسناد و در خلال مباحث پیرامون خط مشی جنبش دانشجویی است که خط مشی سیستم تیزه شده راست اینان تکامل یافته و ظاهر میگردد. تزمان و فرموله شده توسط اینان در این دوران به اختصار شرح زیر است: نخست آنکه جنبش های توده ای و سازمان های توده ای توان مبارزه در راه خواست های ریشه ای موجود در جامعه را نداشته و می باید خواست های خویش را بگرد مسائل مالدیاتی و صنفی محدود نمایند، با طرح خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ میریالیسم در کنفدراسیون و خلعش آن کنفدراسیون خلعت توده ای خویش را از دست داده به سازمان "آوانگارد" و "حزبی" تبدیل میگردد در نتیجه برای "حفظ و گسترش" کنفدراسیون میباید که این سازمان بمثابه سازمانی صنفی - میهنی که در برخی موارد فعالیت های سیاسی نیز انجام میدهد عمل نماید و در غیر این صورت و با طرح شما سرنگونی رژیم توده ها از طرف آن خواهند رسید.

دیدگاه فوق که جز محدود نمودن دامنه و محتوی مبارزه توده ای دانشجویان و دیگر اقلیات خلقی نتیجه ای ندارد، در شرایط کنونی جامعه ایران و انقلاب دمکراتیک و ملی طراز نوین آن نه بر دمکراتیسم انقلابی بلکه بر لیبرالیسم بورژوازی منطبق بوده و تئوریزه امیال و خواسته های اقلی خورده بورژوازی مرفه و راست خارجه میباشد. گذشت بیش از چهار سال از مبارزه درونی بکرد خط مشی کنفدراسیون در عمل نشان داده است که راست روی این بخش از کنفدراسیون نه ناشی از این یا آن اشتباه زودگذر کناری بلکه ناشی از یک سیستم فکری و دیدگاه سیستم تیزه شده راست و عقب مانده و محدود میباشد که تبلور عملی اش را در چگونگی پاسخگویی به اساسی ترین مسایل مقابل پای نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق ایران و جنبش دانشجویی خارجه باز یافته است. کسانی که در طول

این چند ساله در حرف و در عمل به مخالفت با انعکاس سیاست های انقلابی در درون کنفدراسیون برخاسته و در مقابل به صنفی گری مبتذل و سیاست زدایی و بسیج توده بگرد مسایل عقب افتاده کوشیده اند کسانی که در مقابل فعالیت های رزمنده دفاعی کنفدراسیون تبلیغ بگرد مسایل دانشگاهی دانشجویان خارجه را علم کرده اند، کسانی که با درک نادرست و انحرافیشان از خطا بر قدرت شوروی و عمل فاشی زبان آن کمیته مرکزی حزب توده "مبارزه" بر علیه اینان را در حرف و در عمل بر مبارزه ضد رژیم - اشان مقدم ساخته اند. کسانی که برای جنبش کارگری ایران اکنون میسم و برای جنبش دانشجویی خارجه راست روی و صنفی گری را ترویج نموده اند. این چنین کسانی نه حامین و مبلغین یک مشی انقلابی و قاطع بلکه حامین و مبلغین یک مشی اکنونیستی و راست روانه میباشند و در عمل نیز جز این نکرده اند پس از گذر ۱۲ کنگره کنفدراسیون جهانی تحت تأثیر رشد مبارزات درونی کنفدراسیون تغییراتی صفوف متحدین کنگره ۱۲ پدیدار گشت. از یکسو تا کنگره ۱۴ کنفدراسیون اینان دست در دست یکدیگر گام برمیداشتند و تئوریهایشان را نیز از انبان کهنه نویسندگان کنونی سپهر و اندیشه های "علمی" راست روان دیگر بدست میاوردند. اما این دوران بار شد مبارزه مسلحانه گروهها و سازمانهای انقلابی داخل کشور و تحت تأثیر این مبارزه بخشی از این صفوف بندی را دیکالیزه گشت و از آن جدا شد. راست روانی که در طول این دوران با این بخش از صف بندی کنگره ۱۲ همراه بوده و در عین حال در مقابل حملات ضد کمونیستی اینان کوشش مینمودند، پس از این جدایی از یکسو به تقویت سیاسی سردمداران کنونی سپهر پرداختند و از سوی دیگر "مشی چریکی" شهری بمثابه عمده ترین خطر مقابل نهضت انقلابی ایران ارزیابی نموده و برای نمونه "۱۱ فرمان" مشهور خویش را در سمینار جنوب کالیفرنیا عرضه نمودند. اکنون که دیگر میان متحدین کنگره ۱۲ شکر آب شده بود اینان به ناگاه به یاد دفاع از جمهوری توده ای چین، مبارزه با شوروی و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درونی

کنفدراسیون افتادند. اما آنچه میکوبیدند نه انحرافات "ملیون" بلکه حرکت رزمنده موجود در میان آنان بود. نمونه این مسئله به روشنی در مخالفت اینان با انکاس نقل قولهای مبارزین داخل کشور مبتنی برخواست آنان به سرنگونی رژیم وانکاس شمار "سرنگون با درژیم منفور پهلوی" در ارگانهای کنفدراسیون جهانی متبلور گردیده. پس از این گذر در طول سالهای گذر ۱۵ و ۱۶ کنفدراسیون جهانی خط راست کنونی حرکت قهقراپی و راست روانه خویش را ادامه و تعمیق بخشید و فقط بعضی از آنان کوشیدند تا راست روی خویش را از زاویه "چپ" توجیه نمایند. "دمکراسی نوین" "شوروی" و امثالهم نمونه توجیهاتی است که اینان در شرایط حادث مبارزه درونی واقعا هرچه بیشترشان در سبیل جنبش عمومی خلق برای حفظ خود در مقابل مشی انقلابی علم نمودند. اما مبارزه ماسکها را مدیریت و این ظاهر چپ نیز بویژه امروز دیگر قادر به پنهان نمودن ماهیت راست اینان نمیشد.

مبارزه درونی چندساله گذشته گرچه بگرد این مسئله اساسی جریان یوده است اما تزلزل بر سر این جریان در نتیجه موجبات انحرافات دیگری نیز گشته است. از جمله این مسائل که بویژه در شرایط کنونی با توجه به اوضاع جهانی اهمیت فراوانی کسب مینماید. یکی مسئله "کمیت مرکزی حزب توده" و "ابر قدرت شوروی و دیگری مسئله سازمانهای چون "اوملئیته روژ" و "اکتبرلیگ" میباشد. "کمیت مرکزی حزب توده" امروز بمثابه ستون پنجم ابر قدرت شوروی و بنگاه جاسوسی فارسی زبان آن در راه برآورده امیال سیطره جویانه ابر قدرت شوروی عمل مینماید. تکامل منطقی خط مشی رفرفیستی رهبری حزب توده در جریانات انشعاب جنبش بین المللی کمونیستی در سالهای ۱۹۶۰ بدانجا انجامید که اینان در این مبارزه نه در سمت انقلابی کشورهایی چون چین و آلبانی بلکه در صفوف مرتدان خروشچنی قرار گیرند و بر تزمای سازشکارانه خویش پشتیبانی بین المللی را نیز هموار سازند. ابر قدرت شوروی جهت نفوذ در ایران و کسب سیطره در این منطقه از طرق گوناگون اقداماتی - نظامی - سیاسی میکوشد و عملکرد کمیت مرکزی نیز چیزی نیست مگر تا بعضی از امیال ابر قدرت شوروی. این سیاست امروز عمده ترین روند خویش را در کوشش جهت نفوذیابی در نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ووجه المعامله قرار دادن آن در مقابل رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا میابد. در برخورد کمیت مرکزی به رژیم شاه و جنبش دانشجویی خارج پس از گرویدنش به کمپرتدان خروشچنی، دودوران یکسان اما ظاهرا میتوان نام برد که خود تا بعضی از چگونگی مناسبات دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است. تا آنجا که شوروی میکوشد با آمریکا از در سازش درآید و رژیم منفور محمد رضا شاهی رژیم مرفعی بود که از طریق مناسباتش با شوروی جاده انقلاب ایران را هموار میساخت و از آن زمان که تضادهای میان دوا بر قدرت آمریکا و شوروی تشدید گردید، حکومت محمد رضا شاهی حکومتی شد که سدر راه ترقی ایران است. در هر حالت چه دست بوسی آستان پهلوی وجه فحاشی بدان، هر دو برای دوا روسته کمیت مرکزی حزب توده مفهوم و سیاستی یکسان دارد که اهداف نفوذیابی در ایران و سازش با حکومت طغیان ارتجاعی و کسب سیطره ابر قدرت شوروی میباشد. عرا فچه که اینان در میان نهضت انجام میدهند هدفی جز آنچه که ذکر گردید ندارد.

تزمای کمیت مرکزی برای جنبش دانشجویی ما در دوران نخستین، کار در چهار رچوب قانون اساسی، کوشش جهت قانونی کردن کنفدراسیون در عرصه ایران، ارتباط نزدیک با ابر قدرت شوروی و امثالهم بود. از دیدگاه اینان کنفدراسیون بمثابه سازمانی توده ای یا یمنرفایه مسائل صنفی و قشری و مطالبات ملی را در دودوران حدفاصلیت نمایند. خلاصه گفته باشیم تزمای اینان در رابطه با قانونمندیهای جنبش دانشجویی در تضاد با واقعیت بوده است و زمین روست که اینان پس از گذر دوازده از کمیت مرکزی خواستند تا حسن نیت نشان داده و اکنون که "چپ رو" ها (یعنی طرفداران جای دادن سرنگونی در مشی کنفدراسیون) اینزوله گفته اند از در دوستی با کنفدراسیون درآیند. و تمجب آور نیست که در این دوران راست روان جنبش دانشجویی ما در مبارزه شان با کمیت مرکزی تنها وابستگی این دوا روسته را به شوروی و سیاستهای مقتضای این وابستگی را مورد حمله قرار میدادند و کلمهای در افشا خط مشی کمیت مرکزی برای جنبش دانشجویی از آنان یافت نمیکرد.

تزمای کمیت مرکزی برای جنبش دانشجویی ما و مبارزه یا رژیم در دوران دوم در واقع همان اهداف سابق را در پوشش "سرنگونی رژیم کنونی" دنبال نمود و در اینجا نیز راست روان جنبش دانشجویی ما نیز

به جای اقامت سیاستهای کمیتہ مرکزی آتش حمله خویش را بروی "پیرو" و "گذاشت و جملاتی از
 "میل" منشور شما در واقع همان خواست کمیتہ مرکزی است و "سرنوشتی شما همان سرنوشتی کمیتہ
 مرکزی است" و در زیر نشان گردید *

و اطمینان است که اینان بسبب مشی راست روانه و تزلزلشان در مبارزه قاطع علیه حکومت تازمانیکه
 برایین مشی باقی بمانند توان مبارزه قاطع و حقیقی را بر علیه داروستانه کمیتہ مرکزی نداشته و
 نمیتوانند داشته باشند. ستون اساسی برنامه کمیتہ مرکزی بسازش کشاندن جنبش ما با دشمنان طبقه
 تیشان میباشد و تنها با پیروی از یک مشی قاطع و انقلابی است که میتوان توطئه های کمیتہ مرکزی و
 ابر قدرت شوروی را عقیم گذاشت و نه صرفا با سر و صدای راه انقیاد ملی و خطر کودتای شوروی * راست -
 روان جنبش دانشجویی خا رجه با درک غلط از خطر ابر قدرت شوروی و خلاصه نمودن آن در امکان کودتای
 روسی در ایران که خود ناشی از درک غلط اینان از شرایط ایران و پایداری نفوذ ابر قدرت شوروی
 است به تبلیغات در جنبش دست زدند که نتیجه ای جز منحرف نمودن انان از مبارزه با تضادهای عمده
 جامعه محصولی بیارنیا ورده است * بهترین تبلیغات این انحراف به هنگام شهید شدن حکمت جویدست جلا د
 محمد رضا شاهی ظاهر گشت که خط راست بجای گذاشتن لبه تیز تیغ حمله بروی رژیم و اعتراض به این
 جلادی و شکنجه با بهره گیری از انحراف برخی دیگر آتش حمله خویش را بروی کسانی گشود که در مقابل
 رژیم قاشیستی شاه با اعتراض برخاسته بودند * از دیگر مسائل مهم مقابل پای کفدراسیون جهانی و
 جنبش دانشجویی خا رجه مسئله چگونگی برخورد به تزها و نظرات ارتجاعی سازمانهای از قبیل
 "اوما نیته روز" و "اکتبر لیک" میباشد * امروز در سطح جهانی ما شاهد تغییرات شگرفی میباشیم * از
 یکسو بحران عمومی سرمایه داری جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریا -
 لیستهای گوناگون و در درون آنها ابر قدرت به منتهی درجه تهدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب
 دوسر تا سرجهان گسترش یافته و صفوف خلقها و ملل ستمدیده جهان کشورها و انقلابی و ازبند رسته و کار
 گران و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری در مقابل امپریالیستهای و سگان زنجیری شان صف بندی کرده و
 دوسر تا سرجهان نیروی سهمگین در جریان است * در شرایطی این چنین سازمانهای چون "اکتبر لیک" و
 "اوما نیته روز" به تبلیغ سیاستهای اقدام ورزیده اند که سازش میان خلق و ضد خلق * محدود نمودن
 سقوط انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش میگذارند * اینان در حرف و در عمل به دفاع از
 حکومت جلا دمنش شاه و امپریالیسم برخاسته و جنبه مردم ایران را به سازش با این دشمنان ترغیب نموده
 * تا دما نورهای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریالیسم و کشتار خلق دلاور عیان از نظر اینان
 جلوگیری از نفوذ ابر قدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنوشتی این رژیم بدیده اینان ترسکیستی
 و چپ روانه میباشد و در ذیل آنکه مداحی رژیمهای چون شاه و قاجار را اینان بنام کشوری -
 جمهوری توده ای چین انجام میدهند * این کار راجع پاشی بروی پرچم سرخ جمهوری توده ای -
 چین و آرمانهای کبیرا انقلابی است * راست روان جنبش دانشجویی خا رجه در زمانیکه این سازمانها
 درازین و منافع خلقهای ایران و عمان را لگدمال کرده و مردم را به اتحاد با شاه و قاجار میخواندند
 در زمانیکه اینگونه سازمانها بجای برادرانداختن تظاهراتهای اعتراضی در مقابل شاه به مقابل
 با مبارزات دفاعی کفدراسیون بر میخواستند * بجای مبارزه قاطع با این نظرات و طرد آنان * در عمل این
 گونه سازمانها را بمثابه متحدین بوق المللی خویش تلقی کرده و بجزیرال ویرخویش حفاظت نمودند *
 تزلزل اینان در مقابل نظرات ارتجاعی اکتبر لیک و امثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضد
 رژیم و ضد امپریالیستی و دیدگاه محدود و عقب مانده شان بوده و میباشد * از نظر اینان پاسداری از
 منافع خلقهای قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی اکتبر لیک و امثالهم * کارگزاری
 استراتژی رویزیونیسم بین المللی * و "ندکمونستی" است * افرادی از این قماش با یدر درجه اول قیل
 از برچسب زنی * این چنین برخویشتن و نظرات خودنگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگران -
 کداین سلیمت ویرنا مانده *

خلاصه کنیم * راست روان جنبش دانشجویی ما پس از گذر ۱۲ و در جریان مبارزه درونی جنبش دانشجویی
 خا رجه با شتاب تری بیشتر حرکت قهرمانی و سیاست تیزه * همدن خط مشی راست روانه شان را پیچوده و

امروزه با این چنین خطی در جنبش دانشجویی خا رجه مبدل گردیده اند و ویژه گی این خط مشی در آنست که بتمام مسائل اساسی مقابل پای نهضت از راه دیدگاهی راست روانه پاسخ گفته و در تشریح سیاست و عمل راست روی خویش را سیستماتیزه کرده است.

کنگره ۱۶ کنفدراسیون جهانی در جریان بحران عمیق حاکم بر نهضت دانشجویی خا رجه تشکیل شد. این کنگره گرچه توانست از لحاظ مضوبات و قلمنا مه های در زمینه های مختلف از جمله تصویب منشور کنونی کنفدراسیون دست آورده ای گرانبهای برای جنبش دانشجویی خا رجه بیاورد. اما نتوانست بر چهره سیاسی حاکم بر کنفدراسیون پایا ن بخشید و از بسیاری جهات بیان تشدید این بحران بود. بدنبال کنگره ۱۶ کنفدراسیون بحران تصمیق یا فت و بخشی از کنفدراسیون بسرمداری نویسندگان سازشکار نشریه "سپهر" از کنفدراسیون جهانی انشباع نمودند، مضمون این انشباع، تزلزل در مقابل امپریالیسم آمریکا و ابر قدرت شوروی و رژیم شاه کوشش جهت یافتن متهمین در میان طبقات - ارتجاعی حاکمه و در هم سوئی با برنامه و امیال کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. عالیتترین تبلور این انشباع را در کنگره ۲۳ سازمان آمریکا شاهد بودیم لیکن پس از این انشباع بحران درونی کنفدراسیون پایا ن نپذیرفت و ادامه یافت. امتداد این بحران از آن جهت بود که پایه های مادی بحران سیاسی موجود در نهضت دانشجویی خا رجه - یعنی دیدگاه محدود و عقب مانده و راست همچنان بر جای مانده و در مقابل دستا وردهای انقلابی نهضت مقاومت میورزید.

بدنبال کنگره ۲۳ سازمان آمریکا وبا توجه به ضرورت پایا ن بخشیدن به نامسا منیهای موجود در کنفدراسیون شورای سازمان آمریکا در ۲۷ اکتبر نشست فوق العاده خود را تشکیل داد. تشکیل این شورا از دو جهت ضروری بود. نخست آنکه در جریانات پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا حرکت انشباع خط راست به سرمداری دبیر فرهنگی سازمان آمریکا بویژه در جنوب کالیفرنیا تصمیق یافته و این سازمان را به جدایی و تفرقه کشانیده بود و از سوی دیگر با توجه به اینکه کنفدراسیون ارگان رهبری کننده نمیداشت لازم میبود تا پیشنهاد جامع جهت تشکیل شورای عالی کنفدراسیون و سپس کنگره ۱۷ کنفدراسیون تدوین گردد.

این شورا در میان موجی از مقاومت و اعتراضهای بی پایا ن و راست روان تشکیل گردید و پس از یک روز بحث با تاکید به روی ضرورت اتحاد همگان در کنفدراسیون بگرد مشی رزمنده و دستا وردهای آن نکات زیر بمثابه مضمون محتوی فعالیتها ی کنفدراسیون بتصویب رسانید:

۱ - اکنون جنبش آگاهانده و انقلابی ایران بروشنی اعلام داشته است که ایجاد جامعه ای مستقل و دمکراتیک برویرانه های جامعه کنونی ایران بجز از طریق سرنگونی شهری رژیم خودکامه و مطلقه شاه بمثابه دولت طبقات حاکمه و تاراندن امپریالیسم به هر رنگ و لباس از میهن ما به دست پرتوان توده های رنجبران ایران ممکن نیست. از این جهت خواست آگاهان جنبش دانشجویی ایران و کنفدراسیون بمثابه تشکیلات رهبری کننده بخش خا رجه از کشور آن مبنی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما که در منشور کنگره ۱۶ نیز درج گردیده است معین کننده مضمون و محتوی کلیه فعالیتها ی کنفدراسیون جهانی است.

۲ - رژیم خودکامه و ارتجاعی شاه نماینده و مجری منافع مجموعه طبقات حاکمه و وابستگی کامل و قلمی به سرمایه داری جهانی و خواسته امپریالیسم آمریکا ارباب مستقیم جهت دهنده رژیم شاه بوده و به همین علت نیروی عمده امپریالیستی حاکم بر میهن ما محسوب میگردد. از این رو بیکان مبارزه مردم ایران در راه جامعه ای مستقل و دمکراتیک بدلور عمده متوجه رژیم محمدرضا شاه و ارباب مستقیم امپریالیسم آمریکا ست. کنفدراسیون جهانی نیز در زمینه مبارزه بر علیه مجموعه ارتجاع و امپریالیسم بیکان عمده مبارزه خود را متوجه این دشمنان عمده مردم ایران مینماید.

۳ - مبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از مبارزه «مرز بندی قلمی و بیکار بر» علیه سایر دشمنان خلق و خاصه ابر قدرت دیگر دولت ضحلقی و ضد انقلابی اتحاد شوروی و نوکسر

ان فارسی زبان آن‌ها روسته کمیته مرکزی جدا نمیباشد. اتحاد شوروی در رقابت با عمومی خویش با امپریالیسم آمریکا برای کسب سیادت جهانی و بطور ویژه استیلای بر خاور میانه می‌کوشد تا از طریق عمال خویش در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران نفوذ کرده و این جنبش را تابع رقابت خویش با امپریالیسم آمریکا و اهداف استعماری رگرا نه خویش نموده و بدین وسیله با حفظ مناسبات طبقاتی موجود در جامعه و طبقات حاکمه در قدرت تنها قرا رگه رژیم را به نفع خویش تغییر ندهد. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه تلاشهای و اهداف ضد انقلابی و ارتجاعی اتحاد شوروی بمثابه یکی از دوا بر قدرت جهانی و کمیته مرکزی بمثابه عامل فارسی زبان این ابر قدرت پیکار کرده و مرز بندی خویش را بر علیه آن قاطع تر می‌نماید.

۴- نیروی اصلی بر اندازی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها را از میهن ما توده های زحمتکشان ایران تشکیل می‌دهند. از این رومبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم درمسمومی و وحدت منافع قطعی با توده های زحمتکش قرا ردا رده. جهت مبارزه جنبش دانشجویی، اتحاد دانشجویان، نهایی آن با جنبش طبقات زحمتکش جامعه بوده و بدون چنین امری جنبش دانشجویی موفق به انجام پیگیرانه و ظریف خویش نبوده، مسیر انقلابی نخواهد یافت.

۵- اکنون سراسر جهان جنبشهای انقلابی و کارگری در اتحاد با خلقهای آزاد شده از یوغ امپریالیسم و ارتجاع مبارزه بی امان را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خاصه دنیوی اصلی این اردوگاه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی سازمان می‌دهد. این مبارزات انقلابی یگانه نیروی محرکه عصر حاضر و تعیین کننده مسیر آتی عصر ماست. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم بر حسب وظایف ملی و بین المللی خویش درمسمومی و وحدت منافع کامل با این مبارزات انقلابی قرا ردا رفته و نیروی متحد خویش را تنها و تنها جنبشهای انقلابی و آزادیبخش خلقهای جهان، نهضت انقلابی طبقه کارگر جهان و سازمانهای پیشقراول آن کشورها و انقلابی از بند رسته و آزاد جهان دانسته، از مبارزات مردم جهان بر علیه اردوگاه ازمم گسته امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه و بدون قید و شرط دفاع می‌نماید. یکی از تجلیات فوری این اتحاد در کنفدراسیون اکنون در مبارزه قاطع خویش برای درهم شکستن و بیرون راندن ارتش تاج و زر شاه و دفاع از خلق قهرمان عمان بر مبنای جنبه توده ای برای رایی عمان " در راه استقلال و دمکراسی عمان و سرنگونی قابوس و همه مرتجعین و تاج و زرگران نشان می‌دهد.

۶- کنفدراسیون در مبارزه خویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، بر علیه کلیه تمایلات ارتجاعی که بجای دل بستن بقدرت توده ای مردم و مبارزه قاطعی در راه سرنگونی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما، در جهت تابع نمودن مبارزه مردم با رقابتها و درون امپریالیستی و ارتجاعی و خاصه رقابت دوا بر قدرت تلاش می‌نماید و از اینرو با اتحاد با طبقات زحمتکش جامعه در میان محافل و گروههای ارتجاعی و دولتها و امپریالیستی متحد خویش را میجوید و از این طریق راه جدایی قطعی جنبش دانشجویی و دمکراتیک را برگزیده اند، قاطعانه مبارزه می‌کند.

علاوه بر این کنفدراسیون با هرگونه تظاهرات ارتجاعی از قبیل تظاهرات گروهای بی چون و چوما نیه "روز" و "اکتبرلیک" که بخشی از ارتجاع ایران خاصه محمد رضا شاه را متحد جنبش ما و در موضع مترقی جلوه می‌دهد قویا مبارزه کرده و از رخنه چنین تظاهراتی بدرون جنبش دانشجویی خارج جلوه گیری نموده و این امر را از مجموعه مبارزه خود بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم جدا نمی‌دانند.

در مقابل مسایل و پیشنهادهای اینچنین که در واقع بیان فشرده دستاورد های جنبش دانشجویی خارج می‌باشند، راست روان چه کردند؟ از یکسو با توسل به بهانه های بی پایه تشکیلاتی از حرکت در شورا خوداری کرده از سوی دیگر به سرعت بتدارك انشعاب پرداختند. انشعابی که با خروج ایوان از کنفرا نس ۶ ساله مرزین حوزه وعدم شرکتشان در برنامه های مرکزی سازمان آمریکا و نشی مکرر رهنمودها مرکزیت سازمان آمریکا و برگزاری جلسات جدا گانه از سازمان شمال کالیفرنیا بالآخره صورت تحقق به خویش گرفت. آنچه که ایوان کردند در واقع اعلام جدایی از آن مضمون و

محتوی است که نکات بالا ذکرگشته است. امروز شاید بتوان در میان سروصداهای فراوان و بیابیه و با توسل به جریبه‌های نادرست تشکیلاتی مضمون اساسی انشعاب کنونی را بصورت "عدم احترام به حقوق دمکراتیک" و "مژمونئی طلایی چپ‌روها" تعریف کرد و برای مدتی نیز به زندگی سیاسی خویش بر این مبنی ادامه داد و جمعیتی نیز بر این پایه‌ها با استفاده از محیط گروه گرایانه خارج از کشور بدنبال خویش کشانید. امروز شاید بتوان به توده گفت که این انشعاب بدان خاطر صورت پذیرفت که در فلان کنفرانس بر سر آنکه کدامین دبیر ریاست سمینا را برعهده گیرد اختلاف موجود بود و در نتیجه به انشعاب کشانیده شد. آری شاید امروز بتوان با این چنین مسائلی چندپارگی این یگانگی تشکیلات جنبش دانشجویی خارج از کشور این سنگری را که جنبش انقلابی داخل کشور به داشتنش میباید و میباید در توجیه نمود شاید امروز بتوان بر همه چیز مهر "کمیته مرکزی حزب توده" را کوبید و با اصلاح دستاویز سیاسی نیز فراهم کرد اما نهضت انقلابی مردم با اینگونه توجیهات سروکار نیست، کیست که نداند که انشعاب راستروان نتیجه متناقض و ادا به سیاستی است که اینان در چند سال گذشته دنبال نموده و تمهید داده اند، کیست که نداند که این انشعاب بدان خاطر صورت پذیرفت که راستروان خواهان مبارزه به گردن ستان و نهضت دانشجویی خارج و جنبش انقلابی مردم ایران نبوده و راه جدایی کامل از مضمون انقلابی نهضت را آغاز نموده اند. آنچه که اینان کردند پشت پا زدن به تمامی دستاوردها و اصول جنبش دانشجویی خارج و کنفدراسیون جهانی بود نه هیچ چیز دیگر.

مبارزه‌ای که پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی برگرداخت می‌ورنایم مبارزاتی کنفدراسیون آغاز گردیده بود اکنون عالیترین تبلور خویش را بصورت تشکیلاتی چندگانه در نهضت دانشجویی خارج از کشور ظاهر نموده است. هر یک از این تشکیلاتها در واقع همان مضمون و محتوی سیاسی را دنبال میکنند که در کنگره ۱۲ کنفدراسیون به پیش گذاشته بودند، دوسایست دومی در عالیترین حد تکامل خویش به دو تشکیلات انجامیده است.

خواست ما در این مختصر آن نبوده که به ذکر و تاریخ این یا آن جلسه. این موضع و یا آن برجسب پرداختیم. زیرا معتقدیم که اینگونه مسائل تنها تبلوراتی از آن مبارزه است که در درون نهضت دانشجویی در جریان بوده است. اما چنانچه که لازم آید ترسیم شده این کار نیز اقدام خواهیم ورزید و از طرف دیگر خواهیم کوشید تا در اسرع وقت تاریخ تکاملی مبارزه درونی کنفدراسیون و بویژه خط راست را در رساله‌ای حاوی در اختیار همگان قرار دهیم.

رفقی

امروز در شرایطی که بحران همه جانبه و فزاینده‌ای اقتصادی حاکم بر جامعه فلاکت زده ما از یک سو حکومت ترور و خفقان محمد رضاها می‌از سوی دیگر برگرد خلع ستمدیده ایران شلاق میکشند. در شرایطی که رژیم ژاندارم منشی پهلوی بحکم اربابان آمریکایی بکشتار خلق قهرمان عمان پرداخته است. در شرایطی که رژیم دلاورانه خلق قهرمان ایران از کارگران و دهقانان تا دانشجویان و روحانیت مبارز و با لایحه سازمانها و گروههای انقلابی و مسلح اوجی نوین یافته است. در شرایطی که حکومت پهلوی سیل برنامهای تبلیغاتی رنگارنگ و ناشیسم رستاخیز را در خارج از کشور نیز جریان داده است و وظایف خلیجی بردوش ما سنگینی میکنند، وظایفی که از همه سو و با تمام نیرو باید به برآورد آنان همت گماریم.

باید که برگرد دستاوردهای نهضت دانشجویی خارج و جنبش انقلابی خلق متحد شده و بیثبات گردانی مبارزان جنبش انقلابی خلق ایران وسیعترین مبارزات را در تمامی زمینه‌ها بر علیه حکومت منشور پهلوی و اربابان امپریالیست برپا سازیم، از دیگر سو از آنجا که کماکان زمینه عینی اتحاد بگرد یک سیاست و برنامه قاطع ضد رژیم از میان نرفته است باید برای اتحاد مجدد مجموعه جنبش دانشجویی خارج از کشور برگرد این چنین سیاستی و برنامه‌ای کوشا باشیم.

رژیم محمد رضاها از بحران و نا ارامیهای کنونی نهضت دانشجویی خارج شادمان است.

اما مبارزه قاطع و گسترده در راه آرمانهای والای خلق دلاور ایران و کوشش جهت اتحاد مجدد
مجموعه جنبش دانشجویی خارج بگرد اینچنین آرمانهایی شادمانی ویرا به عزایش مبدل خواهد
ساخت. در این راه بکوشیم.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق قهرمان
ایران
سرنگون باد رژیم منفور پهلوی. کوتاه باد دست امپریالیستها
از ایران
مرگ بر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی
جاودان باد خاطره شهدای خلق
اتحاد - مبارزه - پیروزی
سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا

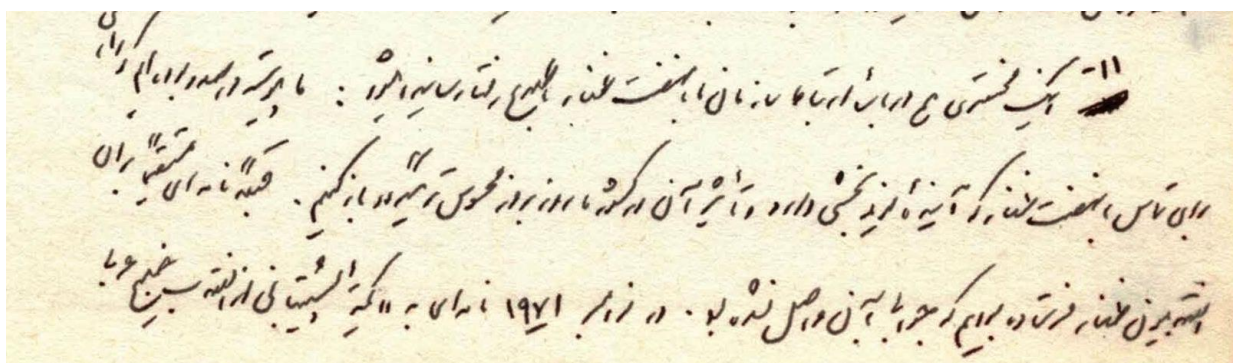
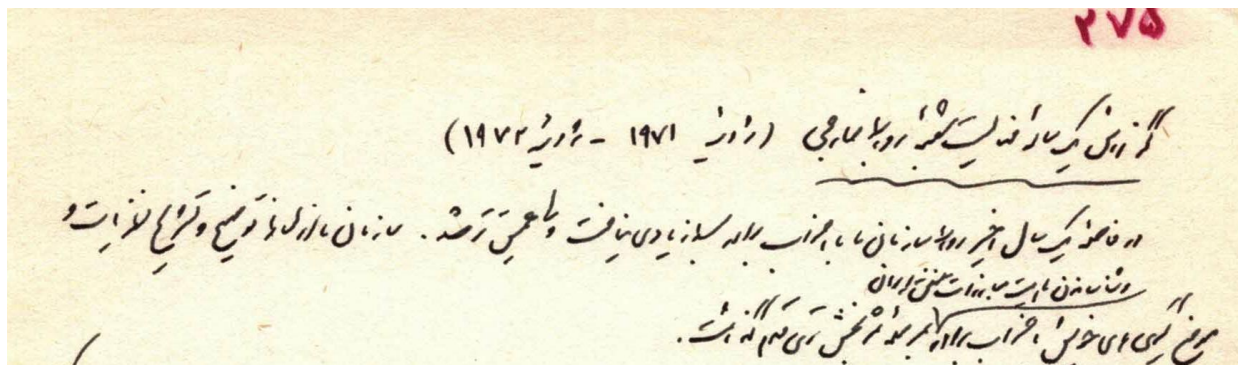
سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

"... از دیگر مسائل مهم مقابل پای کنفدراسیون جهانی و نهضت دانشجویی خارجه مسئله چگونگی برخورد به تزاها و نظرات ارتجاعی سازمان‌هایی از قبیل "اومانیته روژ" و "اکتبر لیک" می‌باشد. امروز در سطح جهانی ما شاهد تغییرات شگرفی می‌باشیم. از یکسو بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریالیست‌های گوناگون و در صدر آنها دو ابر قدرت به منتهی درجه تشدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب در سر تا سر جهان گسترش یافته و صفوف خلق‌ها و ملل ستمدیده جهان کشورهای انقلابی و از بند رسته و کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری در مقابل امپریالیست‌ها و سگان زنجیری‌شان صف‌بندی کرده و در سر تا سر جهان نبردی سهمگین در جریان است. در شرایطی این چنین سازمان‌هایی چون "اکتبر لیک" و "اومانیته روژ" به تبلیغ سیاست‌هایی اقدام ورزیده‌اند که سازش میان خلق و ضدخلق، مخدوش نمودن صفوف انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش می‌گذارند، اینان در حرف و در عمل به دفاع از حکومت جلادمنش شاه و امپریالیسم برخاسته و جنبش مردم ایران را به سازش با این دشمنان ترغیب نموده‌اند. مانورهای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریالیسم و کشتار خلق دلاور عمان از نظر اینان جلوگیری از نفوذ ابر قدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنگونی این رژیم به دیده اینان ترسکیستی و چپ‌روانه می‌باشد و ردیالانه‌تر آنکه مداحی رژیم‌هایی چون شاه و قابوس را اینان بنام کشوری چون جمهوری توده‌ای چین انجام می‌دهند. این کار لجن‌پاشی به روی پرچم سرخ توده‌ای چین و آرم‌های کبیر انقلابی آنست. راست‌روان جنبش دانشجویی خارجه در زمانی که این سازمان‌ها موازین و منافع خلق‌های ایران و عمان را لگدمال کرده و مردم را به اتحاد با شاه و قابوس می‌خواندند، در زمانی که این‌گونه سازمان‌ها به جای به راه انداختن تظاهرات‌های اعتراضی در مقابل شاه به مقابله با مبارزات دفاعی کنفدراسیون برمی‌خاستند، به جای مبارزه قاطع با این نظریات و طرد آنان، در عمل این‌گونه سازمان‌ها را به مثابه متحدین بین‌المللی خویش تلقی کرده و به زیر بال و پر خویش حفاظت نمودند.^۱ تزلزل اینان در مقابل نظرات ارتجاعی "اکتبر لیک" و امثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضد رژیمی و ضد امپریالیستی و دیدگاه محدود و عقب‌مانده‌شان بوده و می‌باشد. از نظر اینان پاسداری از منافع خلق‌های قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی "اکتبرلیک" و امثالهم "کارگزاری استراتژی رویونیسم بین‌المللی" و "ضد کمونیستی" است. افرادی از این قماش باید در درجه اول قبل از برجسب زنی‌هایی این چنین بر خویشان و نظرات خود نگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگزاران کدامین سیاست و برنامه‌اند."

^۱ - لازم به یادآوری است که گروه "کادر"ها که متحد خط میانه بود، هوادار تئوری "سه دنیا" بوده و تمام نظریات "هومانیتیه روژ" را پذیرفت و به یکباره در عرض مدت کوتاهی رنگ عوض کرد. خط میانه نیز علیرغم هیاووی فرصت‌طلبانه در بیرون از سازمان‌اش، در درون تشکیلات خویش تئوری "سه دنیا" را که منبع الهام سازمان‌های "اکتبر لیگ" و "هومانیتیه روژ" بودند، قبول داشت، ولی بر اساس همان ماهیت آویزان و آونگ بودن دو دوزه بازی کرده و نمی‌توانست بر این دوگانگی خود که سرانجام بعد از انقلاب به انشعاب درون آنها منجر شد غلبه کند.

گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی (ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲)



سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)
گزارش یک‌ساله فعالیت شعبه روابط خارجی (ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲)

"گزارش یک‌ساله فعالیت شعبه روابط خارجی (ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲)"

در فاصله یک سال اخیر روابط سازمان ما با احزاب برادر بسط، زیادی نیافت ولی عمیق‌تر شد. سازمان ما از لحاظ توضیح و تشریح نظریات و موضع‌گیری‌های خویش با احزاب برادر و شناساندن ماهیت مبارزات خلق‌های ایران به مرحله‌ی ثمربخش‌تری گام گذاشت.

...

۱۱ - اینک مختصری هم در باره ارتباط سازمان ما با نهضت ظفار به اطلاع رفقا رسانیده می‌شود:

ما پیوسته و در صدد بوده‌ایم که راهی، برای تماس با نهضت ظفار که آینده نویدبخشی دارد و تأثیر آن در کشور ما روز به روز محسوس‌تر می‌گردد باز کنیم. قبلاً نامه‌ای مستقیماً برای انقلابیون ظفار فرستاده بودیم که جوابی به آن واصل نشده بود. در نوامبر ۱۹۷۱ نامه‌ای به "کمیته پشتیبانی از انقلاب خلیج عربی اشغال‌شده" نگاشتیم تا اگر بتواند ما را در چگونگی اخذ تماس با نهضت ظفار یاری دهد. کمیته پاسخ داد که کنسولگری یمن جنوبی حاضر است همیشه نامه‌های خطاب به نهضت ظفار را از راه دیپلماتیک به مقصد برساند و آدرس کنسولگری را داد. در آوریل ۱۹۷۴ نمایندگان ما عازم پاریس شدند تا با کمیته پشتیبانی از انقلاب خلیج عربی اشغال‌شده و با کنسولگری یمن تماس بگیرند. ولی متأسفانه مسافرت آنها به دلائلی که در گزارش به موقع خود ذکر شده و رفقا از آن مستحضراند به نتیجه نرسید. بعداً رفیق سنجر در مسافرت بعدی توانستند با کنسولگری یمن جنوبی تماس بگیرند و قرار شد بعداً یک هیئت نمایندگی از جانب ما برای تماس عزیمت کند. ولی در خلال این احوال از مجاری مختلف اطلاع حاصل شد که متأسفانه نفوذ رویزونیست‌های شوروی در ارتش یمن جنوبی و نفوذ رویزونیست‌های آلمان دموکراتیک در امنیت آن کشور خیلی قوی است و در چنین حالتی احتمال اینکه در صورت اعزام رفقای ما به یمن و یا در صورت طرح تقاضاهایی از جانب ما در نزد جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن جنوبی، آنها در جریان نقشه‌های فعالیت ما قرار گیرند زیاد است و بنا بر تصمیم هیئت مرکزی عجلانه از اخذ تماس مجدد با کنسولگری یمن جنوبی و تقاضای استقرار ارتباط با نهضت ظفار از طریق آنها خودداری شد. اینک باید در جستجوی راه‌های تماس مستقیم با نهضت ظفار بود.

در حاشیه این مطلب باید رفقا در جریان قسمتی از فعالیت "کمیته پشتیبانی از انقلاب خلیج عربی اشغال‌شده" که به صدارت شخصی بنام ژان پیروینو است قرار گیرند. این کمیته که بر کلیه ادعاهای شونیستی اعراب صحه می‌گذارد و معتقد به اصطلاح "خلیج عربی" بجای خلیج فارس و "عربستان" به جای خوزستان است در جزوهای که اخیراً تحت عنوان "در باره" عربی بودن "خلیج و مسئله ملی عرب در عربستان" (یعنی در خوزستان) منتشر ساخته است برخورد فتنه‌انگیزانه‌ای دارد. ژان پیروینو در این جزوه مفصلاً توضیح می‌دهد که چگونه جبهه ملی در فرانسه و نمایندگان کنفدراسیون در آن کشور به مناسبت اینکه او دارای چنین معتقداتی است می‌خواسته‌اند او را کتک بزنند و حتی بکشند. او جبهه ملی و کنفدراسیون را ناسیونالیست می‌نامید و تعقیب کنندگان خود را در کنار ماموران ساواک قرار می‌دهد و می‌نویسد: "لااقل ده در صد از دانشجویان ایرانی با پلیس مخفی همکاری می‌کنند". وی می‌گوید: در داخل کنفدراسیون در مسئله ملیت‌های ایرانی و انقلاب خلیج عربی دو گرایش موجود است: "یکی گرایش مائوئیستی (توفان) که انترناسیونالیست پی‌گیر است و به نظر می‌رسد که در رهبری کنفدراسیون قرار دارد و موضع پشتیبانی از انقلاب ظفار را پذیرفته است، و دیگر گرایش جبهه ملی که اولتراشونیست ناسیونالیست بورژوا است". وی در جای دیگر می‌نویسد: "پس جای تعجب نیست که ما در مبارزه با شونیسم به اصطلاح ترقی‌خواهان ایرانی و افشاء آنها متحد عینی مائوئیست‌های توفان باشیم. اگر ما بتوانیم در انفجار تضادهای درونی کنفدراسیون شرکت جوئیم چه بهتر!". ژان پیروینو در همین جزوه پشت جلد شماره ۵۰ روزنامه توفان بزبان فرانسه را که متضمن فهرست مقالات و از آن جمله "سرزمین آزاد شده ظفار" است و همچنین نامه سازمان ما را خطاب به "کمیته پشتیبانی از انقلاب خلیج عربی اشغال‌شده"، که حاکی از پشتیبانی ما از نهضت ظفار می‌باشد به چاپ رسانیده است.

موضع‌گیری‌های این شخص او را شارلاتان و مشکوک معرفی می‌کند. بدیهی است که سازمان ما مراقب خواهد بود که از موضع صحیح اصولی او استفاده ناصحیح به عمل نیاید.

امیدواریم سازمان ما در آینده بتواند با تحکیم و تعمیق ارتباطات خویش با احزاب برادر و احزاب و سازمان‌های انقلابی دیگر به تقویت فعالیت انقلابی خویش و مبارزات خلق ایران کمک بیش‌تری برساند و وظیفه انترناسیونالیستی خویش را بیش‌تر ادا کند.

کورس^۱ (نام مستعار رفیق احمد قاسمی - توفان)^۲

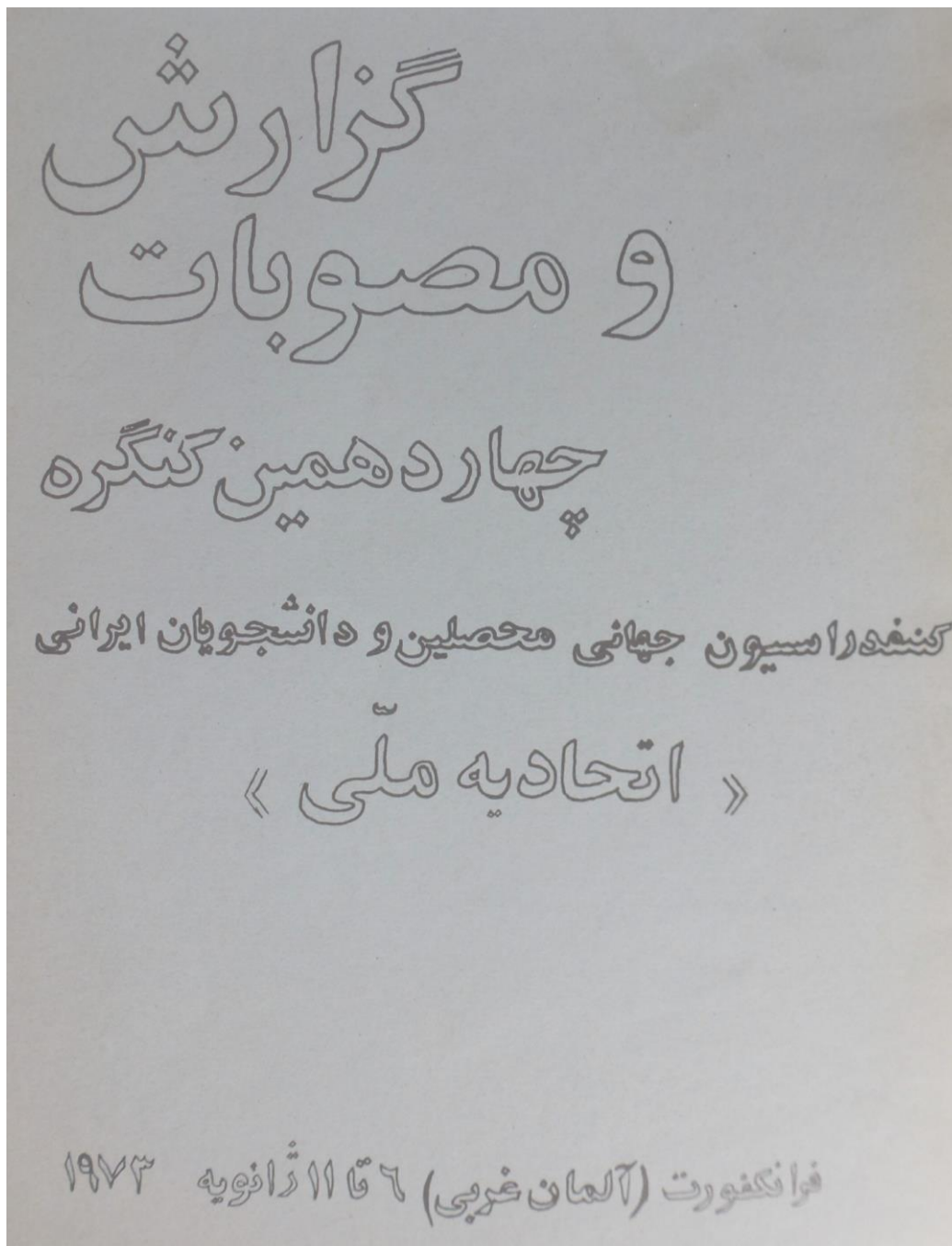
^۱ سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در این عرصه فعال ماند تا بتواند با دور زدن رویزیونیست‌ها و دولت یمن جنوبی که تحت نظر شوروی و آلمان شرقی بود با جنبش ظفار تماس بگیرد. همکاری چریک‌های فدائی خلق و جبهه ملی ایران در رادیو میهن‌پرستان در یمن جنوبی با صلاح‌دید شوروی‌ها و نظارت و کنترل آنها پدید آمده بود و باید منافع ابرقدرت شوروی و اقامارش را مد نظر قرار می‌داد که آن را در داخل کنفدراسیون جهانی در خارج از کشور مورد نظر قرار دادند. سازمان توفان سرانجام توانست از طریق یک رفیق کمونیست عراقی ایرانی‌تبار و عضو توفان ارتباط مخفی و خصوصی را با نماینده جنبش ظفار در خارج از کشور برقرار کند. نماینده جنبش ظفار که توفان را به خوبی می‌شناخت برای حفظ جانش از ما تقاضا نمود که این تماس کاملاً پنهان بماند زیرا در غیر این صورت با اعمال شوروی در یمن جنوبی مشکل پیدا خواهد کرد. وی تمام نظریات ما در مورد نفوذ رویزیونیست‌ها و مشی آنها در منطقه را تأیید کرد و ما را از نامه‌نگاری با رفقای ظفار برحذر داشت زیرا تمام این نامه‌ها از طرف سازمان امنیت یمن جنوبی (بخوانید آلمان شرقی و ابرقدرت شوروی) ممیزی می‌شدند و برای رفقای ظفار تولید خطر می‌کردند. برای ادامه ارتباطات در مورد مسایل مهم برای دو سازمان که باید از دید سازمان‌های امنیتی پنهان می‌ماند راه‌هایی از طریق تماس حضوری و پنهانی مورد بررسی و تصویب قرار گرفتند. مهم این بود که رهبری جنبش ظفار به خوبی از نقش عوامل شوروی و جبهه ملی ایران و فدائیان خلق در یمن آگاه بود. رفقای ظفار اطلاعیه‌های توفان را که به عربی و فرانسه ترجمه شده در اختیار آنها قرار می‌گرفت مطالعه کرده و با آن موافق بودند و پاره‌ای از آنها را که به زبان فارسی موجود بودند تکثیر کرده و در میان سربازان ایرانی توزیع می‌کردند. به طوری‌که روزنامه لوموند در گزارشی که در این زمینه منتشر کرده بود به وجود این اعلامیه‌ها در میان نیروی هوایی ایران اشاره داشت.

مراجعه کنید به مصوبات کنگره چهاردهم در تارنمای کنفدراسیون www.cisnu.org

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

قطعه‌نامه پشتیبانی از جنبش ظفار



* قطعنامه پشتیبانی از جنبش ظفار *

در سال گذشته ما شاهد روزافزون مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلقهای منطقه خلیج فارس . ظفار و یمن جنوبی بودیم .

تحت رهبری "جبهه" توده ای برای رهایی عمان و خلیج عربی اشغال شده * و جمهوری دموکراتیک توده ای یمن . خلقهای این منطقه علی رغم توطئه ها و دسایس امپریالیست های امریکائی و انگلیسی و نوکران محلی آنان توانسته اند در مبارزات خود به دستاوردهای با ارزشی برسند .

در سالهای اخیر ، اتحاد شوروی با اتخاذ سیاست توسعه طلبانه . با ورود به رقابت و همکاری با امپریالیسم بصورت عامل جدیدی در برهم زدن توازن قوای سنتی در منطقه در آمده است . بین دولت شوروی و کشورهای امپریالیستی امریکا و انگلیس از طرفی در سرکوب جنبشهای شرقی و انقلابی این منطقه اشتراك ضافع و همسویی و از طرف دیگر برای تثبیت موقعیت و توسعه نفوذشان رقابت برقرار می باشد .

امپریالیسم امریکا در شرایط کنونی جهان وظیفه تثبیت و حفظ منافع خویش را هر چه بیشتر بر عهده ارتجاع بومی کشورهای این منطقه واگذار می کند . در ارتباط با این امر بویژه نقش که بعهده عناصر خیانته کار و دست نشانده ای از قبیل شاه و ملک فیصل واگذار شده است اهمیت ویژه ای کسب می کند . رژیمهای ارتجاعی ایران و عربستان سعودی بمنظور حفظ منافع امپریالیستها سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه را سرلوحه کار خود قرار داده و به تدارکات نظامی علیه این جنبشها دست زده اند . در این میان رژیم شاه به صورت محورا اصلی قتنه انگیزی علیه نیروهای شرقی در آمده است .

بین خلقهای ایران و عرب و با

کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی با الهام از همبستگی عمیق و تاریخی - بین خلقهای ایران و عرب و با اعتقاد به ضرورت ایجاد جبهه مستحکمی از کلیه نیروها ضد امپریالیستی منطقه . پشتیبانی خود را از مبارزات خلقهای این منطقه اعم داشته و اقدامات خیانت آمیز رژیم شاه را در سرکوبی این مبارزات شدیداً افشا و با تمام نیروی خود علیه آن مبارزه می کند .

* عمان - ورکه متن قطعنامه نشان میدهد ذکر نام "جبهه" توده ای برای رهایی عمان و خلیج عربی اشغال شده " بهیچوجه به معنای موافقت با تغییر نام خلیج فارس به خلیج "عربی" نمی باشد . کفدراسیون جهانی ضمن یافتن تاری مستند و تاریخی خود بر روی نام خلیج فارس از همبستگی خلقهای ایران و عرب و از کلیه جنبشهای انقلابی در این منطقه بطور عمده پشتیبانی می نماید .

مراجعه کنید به مصوبات کنگره چهاردهم در تارنمای کنفدراسیون www.cisnu.org

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

قطعه‌نامه پشتیبانی از جنبش ظفار

"قطعه‌نامه پشتیبانی از جنبش ظفار"

در سال گذشته ما شاهد روزافزون مبارزات ضدامپریالیستی و دموکراتیک خلق‌های منطقه‌ی خلیج فارس، ظفار و یمن جنوبی بوده‌ایم.

تحت رهبری "جبهه‌توده‌ای برای رهایی عمان و خلیج عربی اشغال‌شده" (*) و جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن خلق‌های این منطقه علی‌رغم توطئه‌ها و دسایس امپریالیست‌های آمریکائی و انگلیسی و نوکران محلی آنان توانسته‌اند در مبارزات خود به دستاوردهای با ارزشی برسند.

در سال‌های اخیر اتحاد شوروی با اتخاذ سیاست توسعه‌طلبانه با ورود به رقابت و همکاری با امپریالیسم به صورت عامل جدیدی در برهم زدن توازن قوای سنتی در منطقه در آمده است. بین دولت شوروی و کشورهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس از طرفی در سرکوب جنبش‌های مترقی و انقلابی این منطقه اشتراک منافع و هم‌سوئی و از طرف دیگر برای تثبیت موقعیت و توسعه نفوذشان رقابت برقرار می‌باشد.

امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی جهان وظیفه تثبیت و حفظ منافع خویش را هر چه بیش‌تر برعهده ارتجاع بومی کشورهای این منطقه واگذار می‌کند. در ارتباط با این امر به ویژه نقشی که به عهده عناصر خیانت‌کار و دست‌نشانده‌ای از قبیل شاه و ملک فیصل واگذار شده است اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند. رژیم‌های ارتجاعی ایران و عربستان سعودی به منظور حفظ منافع امپریالیست‌ها سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و به تدارکات نظامی علیه این جنبش‌ها دست زده‌اند. در این میان رژیم شاه به صورت محور اصلی فتنه‌انگیزی علیه نیروهای مترقی در آمده است.

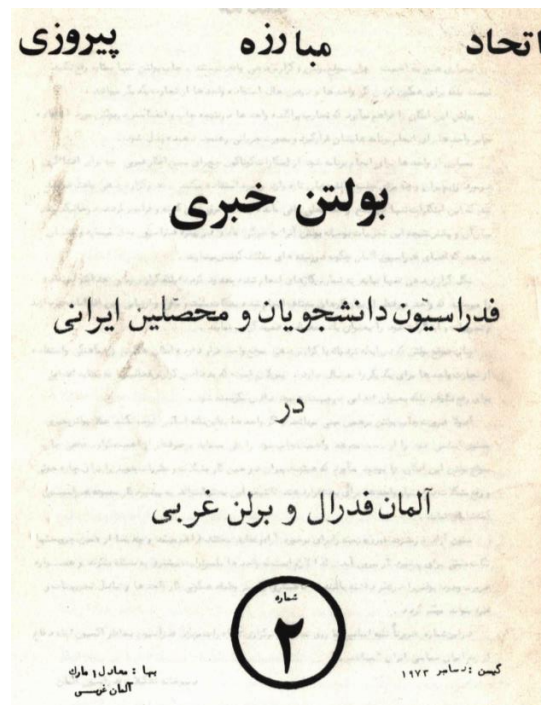
کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی با الهام از همبستگی عمیق و تاریخی بین خلق‌های ایران و عرب و با اعتقاد به ضرورت ایجاد جبهه مستحکمی از کلیه نیروهای ضدامپریالیستی منطقه، پشتیبانی خود را از مبارزات خلق‌های این منطقه اعلام داشته و اقدامات خیانت‌آمیز رژیم شاه را در سرکوبی این مبارزات شدیداً افشاء و با تمام نیروی خود علیه آن مبارزه می‌کند.

*- همان‌طور که متن قطعه‌نامه نشان می‌دهد ذکر نام جبهه توده‌ای برای رهایی عمان و خلیج عربی اشغال شده به هیچوجه به معنای موافقت با تغییر نام خلیج فارس به خلیج "عربی" نمی‌باشد. کنفدراسیون جهانی ضمن پافشاری منطقی، مستند و تاریخی خود بر روی نام خلیج فارس، از همبستگی خلق‌های ایران و عرب و از کلیه جنبش‌های انقلابی در این منطقه به طور فعال پشتیبانی می‌نماید.

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

بولتن خبری فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی



"

در میتینگ که برای مبارزات مردم ظفار و عمان با همکاری سازمان ما و لیگا برگزار گردید و در آن نماینده جبهه آزاد بیخس ظفار شرکت داشت، آزاد دعوت نمودیم تا در جشن مهرگان ما شرکت نماید.

نماینده جبهه آزاد بیخس ظفار در جشن ما شرکت کرده و در اول جشن پیامی حاوی همبستگی خلق ظفار با خلق ایران، پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران و مبارزات کنفدراسیون و نقش شاه در خلیج ایراد نمود که مورد استقبال شدید میهمان قرار گرفت.

اکسیون "ماه زندانیان سیاسی" بهمان نشان داد، که وقتی برنامه مشخص در مورد مسائل سیاسی میهن ما وجود داشته باشد، میتوان ایرانیان را بسیج نموده و پشتیبانی وسیعی در بین افکار عمومی بوجود آورد.

در مورد پشتیبانی از مبارزات مردم شیلی و یونان سازمان ما فعالیت کرده و در تظاهرات مختلفی که تشکیل شدند، شرکت نمود.

"

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)
بولتن خبری فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

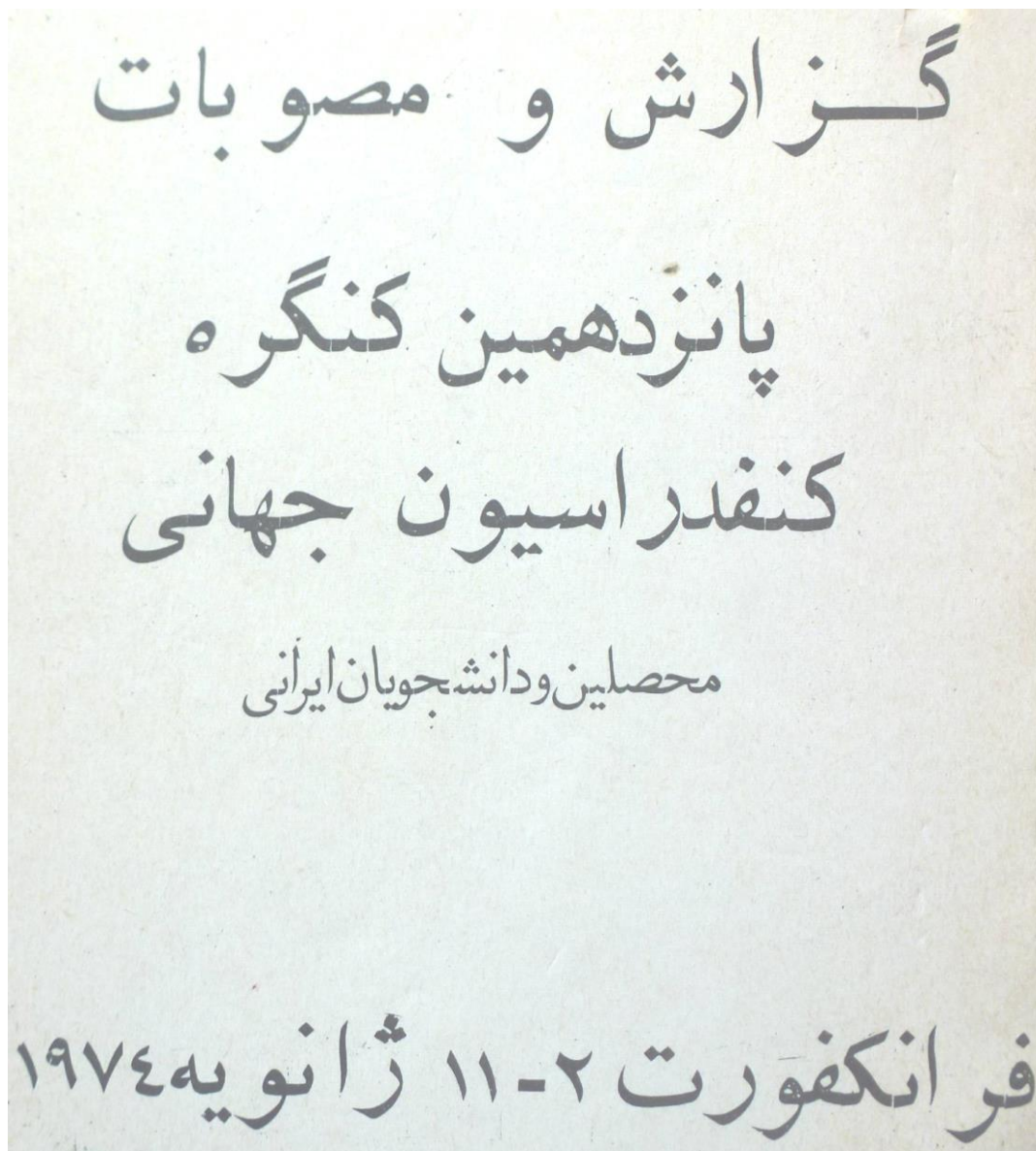
"درمیتینگی که برای مبارزات مردم ظفار و عمان با همکاری سازمان ما و لیگا برگزار گردید و در آن نماینده جبهه آزادی‌بخش ظفار شرکت داشت، از او دعوت نمودیم تا در جشن مهرگان ما شرکت نماید.
نماینده جبهه آزادی‌بخش ظفار در جشن ما شرکت کرده و در اول جشن پیامی حامی همبستگی خلق ظفار با خلق ایران، پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران و مبارزات کنفدراسیون و نقش شاه در خلیج ایراد نمود که مورد استقبال شدید میهمان قرار گرفت.
اُکسیون "ماه زندانیان سیاسی" به ما نشان داد، که وقتی برنامه مشخص در مورد مسائل سیاسی میهن ما وجود داشته باشد، می‌توان ایرانیان را بسیج نموده و پشتیبانی وسیعی در بین افکار عمومی بوجود آورد
در مورد پشتیبانی از مبارزات مردم شیلی و یونان سازمان ما فعالیت کرده و در تظاهرات مختلفی که تشکیل شدند، شرکت نمود."

مراجعه کنید به مصوبات کنگره پانزدهم در تارنمای کنفدراسیون www.cisnu.org

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

قطعه‌نامه در مورد نقش شاه در خلیج



مراجعه کنید به مصوبات کنگره پانزدهم در تارنمای کنفدراسیون www.cisnu.org

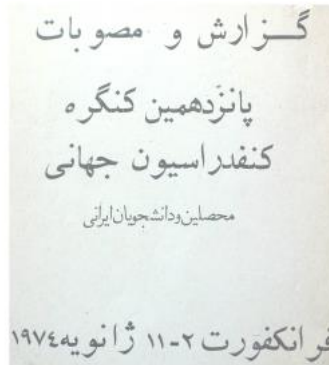
سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

قطعه‌نامه در مورد نقش شاه در خلیج

 * قطعنامه در مورد نقش شاه در خلیج *

امپریالیسم امریکا برای حفظ منافع خود در منطقه نقش تجاوزکارانه و ارتجاعی را به رژیم دست نشانده ایران محول ساخته است . سیاست تسلیحاتی رژیم شاه و تجاوز نظامی به عمان در خدمت حفظ منافع امپریالیستها در منطقه و برای مقابله با نفوذ دولت ضد خلق شوروی است . برای اجرای این نقش میلیونها دلار از ثروت ملی میهن ما صرف خرید اسلحه و لوازم جنگی میشود و در سطح سیاسی اتحاد نامقدس ارتجاعی با اسرائیل ، اردن ، عربستان سعودی و سایر ارتجاعی منطقه صورت میگیرد . مبارزات خلقهای خلیج و بالاخص بیشروی جنبش آزاد بیخش عمان و خلیج علیرغم دسیسه های امپریالیسم امریکا ادامه داشته و با توطئه های تجاوزکارانه شاه در منطقه مقابله میکند . برنامه امپریالیستها اینست که با قدرت نظامی رژیم شاه و سرکوب جنبشهای آزاد بیخش به کنترل آبهای خلیج تا اقیانوس هند پرداخته و از این طریق امکان هژمونی امپریالیسم امریکا را در منطقه و حفظ پایگاههای نظامی ارتجاع را ممکن سازد . بعبارت دیگر رژیم شاه نقش حافظ منافع اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیستها در منطقه را از طریق قدرت نظامی و تجاوز به کشورهای دیگر اعمال کند . کنفدراسیون جهانی با دفاع از جنبشهای مرفی منطقه و بخصوص با دفاع و پشتیبانی از جنبش آزاد بیخش عمان و خلیج معتقد است که سیاست تسلیحاتی و تهاجمی رژیم شاه در خلیج فارس مستقیما و همه جانبه در خدمت امپریالیستها بالاخص امپریالیسم امریکا است . ما این سیاست ارتجاعی و تجاوزکارانه را که در جهت تبدیل ایران به پایگاهی نظامی و سیاسی برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم امریکا و سرکوب جنبشهای منطقه بوده شدیداً محکوم میکنیم .



"قطعه‌نامه در مورد نقش شاه در خلیج"

امپریالیسم امریکا برای حفظ منافع خود در منطقه نقش تجاوزکارانه و ارتجاعی را به‌رژیم دست‌نشانده ایران محول ساخته است. سیاست تسلیحاتی رژیم شاه و تجاوز نظامی به‌عمان در خدمت حفظ منافع امپریالیستها در منطقه و برای مقابله با نفوذ دولت ضدخلقی شوروی است. برای اجرای این نقش میلیون‌ها دلار از ثروت ملی میهن ما صرف خرید اسلحه و لوازم جنگی می‌شود و در سطح سیاسی اتحاد نامقدس ارتجاعی با اسرائیل، اردن، عربستان سعودی و سایر ارتجاعیون منطقه صورت می‌گیرد. مبارزات خلقهای خلیج و بالاخص پیشروی جنبش آزادی‌بخش عمان و خلیج علیرغم دسیسه‌های امپریالیسم امریکا ادامه داشته و با توطئه‌های تجاوزکارانه شاه در منطقه مقابله می‌کند. برنامه امپریالیستها اینست که با قدرت نظامی رژیم شاه و سرکوب جنبشهای آزادی‌بخش به‌کنترل آبهای خلیج تا اقیانوس هند پرداخته و از این طریق امکان هژمونی امپریالیسم امریکا را در منطقه و حفظ پایگاههای نظامی ارتجاع را ممکن سازد. به‌عبارت دیگر رژیم شاه نقش حافظ منافع اقتصادی سیاسی و نظامی امپریالیستها در منطقه را از طریق قدرت نظامی و تجاوز به‌کشورهای دیگر اعمال کند. کنفدراسیون جهانی با دفاع از جنبشهای مترقی منطقه و به‌خصوص با دفاع و پشتیبانی از جنبش آزادی‌بخش عمان و خلیج معتقد است که سیاست تسلیحاتی و تهاجمی رژیم شاه در خلیج فارس مستقیماً و همه‌جانبه در خدمت امپریالیستها بالاخص امپریالیسم امریکاست. ما این سیاست ارتجاعی و تجاوزکارانه را که در جهت تبدیل ایران به‌پایگاه نظامی و سیاسی برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم امریکا و سرکوب جنبشهای منطقه بوده شدیداً محکوم می‌کنیم."

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

۹ ژوئن دهمین سالروز آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان را هر چه وسیع‌تر و باشکوه‌تر برگزار کنیم

۹ ژوئن دهمین سالروز آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان را هر چه وسیع‌تر و باشکوه‌تر برگزار کنیم!

در سرزمین عمان دو پرچم رود روی یکدیگر قرار گرفته اند: پرچم انقلاب و پرچم ضد انقلاب، یکی نشانه قهرمانان و دلاوریهای مردمی است که در برابر مهاجمین استعمارگر حاضر به تسلیم نیستند و دیگری بیانگر جنایات و وحشیگریهای نیروهای است که برای غارت بیشتر و استثمار شدیدتر به قصابی توده‌ها پرداخته‌اند. باید هر دو را / هم انقلاب و هم ضد انقلاب را شناخت. باید دانست که مسیر عمومی پیشرفت تاریخ بگدام سمت است. باید دانست که چرا خلق پیروز می‌گردد و اگر چه در ابتدای کار زار و بقای و ملی ضعیف هم باشد / ولی بالاخره پیچم ضد-انقلاب را بریزر می‌فکند و آنرا به آتش میکشاند. اگر چه در آغاز پیچم انقلاب را به گلوله می‌بندند و بخون فرزندان خلق آغشته می‌گردانند / ولی پیروزی نهائی از آن خلق می‌باشد.

عمان را بشناسیم - سرزمینی که مردمان آن از همان روزیکه کشتی‌های بیگانگان استعمارگر در سواحل آن ندایان شد / پرچم‌های اعتراض و مقاومت را برافراشته ساختند. سیزمین / جامعه و تاریخ مبارزات مردمی را بشناسیم که اگر چه خلقی کوچک را تشکیل می‌دهند / لیکن در پیکار بر ضد استعمارگران و نیروهای مهاجم خارجی از سالها پیش تاکنون دلاوریها و بزرگیهای پیشماری از خود نشان داده اند. خلقی که اینک علاوه بر استعمارگران انگلیسی و ارتجاع داخلی با نیروهای مهاجم و تجاوزکار ارتش ضد خلقی رژیم دست‌نشانده شاه و ارتجاع عرب‌نبرد می‌کنند. تاریخ خلق عمان را باید شناخت تا این آورد که رژیم دست‌نشانده و ضد ملی شاه و لشکر کشتی‌تکارانه اش به این سرزمین جز شکست و اضمحلال / سر نوشت دیگری نخواهد داشت. جنگ خلق پیروز است. این حقیقت در عمان و ظفار نیز هر روز بیشتر ثابت می‌گردد. ۹ ژوئن دهمین سالگ را آغاز مبارزات مسلحانه توده‌های در عمان است. آغاز نوینی است از پیکاری دیرینه. سنتهای انقلابی خلق زنده و جاودان باقی مانده است. آنها از هر آنچه که طبیعت در اختیار نهاده است بهره می‌گیرند تا کشور خود را گورستان استعمارگران و مهاجمین جنایتکار نمایند.

استعمار انگلیس از همان روزیکه با کشتی‌های توپدار خود به ساحلهای عمان نزدیک شد و قایقهای ماهیگیران و کشتی‌های بادبان دار کوچک تجارتی را در هم کوبید تا راه تسلط ظالمانه خود را هموار سازد / ماهیگیران فقیر و ستمدیده پیچم طغیان انقلابی را برافراشته ساختند. کشتی‌های جنگی استعمارگران / قایقها و کشتیهای ماهیگیران و مردم - تسلیم ناپذیر را تحت تعقیب قرار دادند / آنها را به توپ بستند / صدها و هزاران رزمنده انقلابی را طعمه آبهای - خروشان خلیج ساختند تا در خلیج "آرامش و امنیت" برقرار سازند و آسوده خاطر غارت کنند و مردم را به بردگی گیرند از آن زمان داستان "دزدان دریائی" را بوجود آوردند. مردم آن ستمدیده عصیانگر را که علیه استعماری - جنگیدند / "دزدان دریائی" خواندند و در اطراف آن تبلیغ کردند تا غارتگرها و دزدیهای بیشرمانه خود شان را در پیونده اختفا نگه دارند.

دیروز استعمارگران انگلیسی و جیره‌خواران محلی اش برای تسهیل راه غارتگری و چپاول از "ثبات و امنیت" آبهای خلیج سخن می‌گفتند و به سرکوب شورشیهای مردم می‌پرداختند. امروز نیز رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه خائن بفرمان اربابانش / همان ستمدیده‌های شیوع کهن را با کمک بلند گوه‌های مدرن امپریالیستها ساز کرده است. دیروز پیکار - جویان و ماهیگیران انقلابی را "دزدان دریائی" می‌خواندند تا کشتار آنان را "موجبه" جلوه دهند و آنها را به سود - پیشرفت تمدن "چا بزنند. امروز نیز امپریالیستها ی آمریکائی و انگلیسی / مترجمین عرب و رژیم دست‌نشانده شاه از انقلاب بیون ظفار بنام "دزدان وحشی" و "شورشیان غیر تمدن" نام می‌برند. آنچه که دیروز هدف استعمارگران بود / غارت و چپاول مردم و آنچه که مردم می‌خواستند / آزادی و رهایی از یوغ بردگی و بندگی بود. آنچه که امروز جریان دارد / ادامه دیروز است. با ابعاد وسیع‌تر و در متن کنونی دوران ما.

منطقه خلیج فارس هم بخاطر موقعیت جغرافیائی استراتژیکی اش و هم بخاطر منابع نفتی و ذخائر گرانقیمت دیگری که در اعماق آن وجود دارد / دارای اهمیت فوق العاده‌ای بوده است. نفت و وجود پیش از آن ذخائر کشف شده نفتی "غنیمتی" نیست که امپریالیستها به سادگی از آن بگذرند و یا "سهم" کثری از آن را به خود اختصاص دهند.

- ۲ -

چینگ دوم جهانی / امپریالیسم انگلیس را ضعیف کرد / اما امپریالیسم آمریکا را نیرومند تر گردانید . امپریالیسم آمریکا بتدریج با جای پای انگلیس نهاد و موقعیت برتر را در خلیج بدست آورد . حالا دیگر این غارتگران آمریکائی بودند که دلشان برای " ثبات وامنیت " خلیج بیشتر میسوخت آمریکا - انگلیس و مرتجعین ایران و عرب آواز گروهی گوشخراش " ثبات وامنیت " را سر دادند و وحشیانه تر به سرکوب و قلع و قمع توده ها و مبارزات عادلانه شان پرداختند . لیکن به حکم اینکه ستم / ایجاد مقاومت و طغیان میکند و بحکم آنکه تاریخ به سود رهائی بشریت در حرکت است دامنه مبارزات مردم گسترش یافت . در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که آغاز جنبش مسلحانه آزادی بخش توده های در استان ظفار است / این مطلب بار دیگر با قاطعیت بی نظیری اعلام گردید که توده ها ممکن است شکست بخورند ممکن است قربانیهای فراوان بدهند / اما ممکن نیست تسلیم گردند و ممکن نیست تابع اراده استعمارگران و مرتجعین شوند و زنجیر پوسیده بردگی را بر دست و پای خود تحمل نمایند .

با اوجگیری جنبش آزادی بخش مسلحانه توده های خلق ظفار / توطئه گریها و حملات وحشیانه استعمار و ارتجاع شدت یافت . توطئه سکوت ناجوانمردانه و بیشمارانه علیه انقلاب بکار گرفته شد و از پخش اخبار مبارزات جلوگیری کرد . چند سالی نه تنها مردم جهان بلکه حتی مردم منطقه خاور میانه و خلیج نیز از جنبش ظفار اطلاع چندانی نداشتند و بدین جهت بعضی ها مطبوعات انقلاب بعمان را " انقلاب بپتیم " نام نهادند . و در آن زمان " پیک ایران " این بوق تبلیغاتی دولت ضد خلقی شوروی و سایر نشریات دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی نیز همانند مطبوعات رژیم دست نشانده شاه و سایر مرتجعین در این توطئه شریک بودند .

در آن زمان منافع شوروی و تبانی اش با امپریالیسم آمریکا و استعمار انگلیس افتضاح میکرد تا بلندگوهای تبلیغاتی آن بروی کشتار خلق بعمان پورده بیندازند . ولی نه توطئه سکوت و نه تهاجمات خونبار / نه برداشتن سلطان جور و نه نشان دادن قابوس مزدور / نه فرمهای " انقلاب سفید " و نه آوازه گریهای بلند گویای این رژیم سر سپرده / هیچ کدام نتوانستند از گسترش شعله های جنگ توده ای در عمان جلوگیرند .

جنبش اوج یافت و توده های وسیعتری را بمباران کشانید . مناطق وسیعی آزاد شدند و به پایگاههای انقلاب تبدیل گشتند . امپریالیسم انگلیس حملات بهاره بزرگ را تدارک دید . اما شکست خورد و بر توطئه گری خود افزود . افسران مزدور رژیم سر سپرده ملک حسین ۱۹۷۱ پس از کشتار خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۱ برای سرکوب انقلاب به عمان وارد شدند . اما آنان نیز در نقشه های جنایتکارانه شان شکست خوردند . شکست مرتجعین محلی و رژیم سلطان قابوس مزدور در مقابل با انقلاب ظفار و انتخاب شاه بعنوان ژاندارم امپریالیسم در خلیج فارس در چهار - چوب استراتژی امپریالیسم آمریکا / وظیفه تنگین سرکوب جنبش ظفار را بر عهده رژیم ضد خلقی ضد ملی شاه نهاد با ورود نخستین دسته های نیروهای ارتش شاه / خلق عمان خیر این تجاوز پیشروانه را به جهانیان اعلام داشت . هر دو رژیم دست نشانده محید رضا شاه و قابوس سوگند یاد کردند که از " نیروهای ایرانی در عمان و ظفار خبری نیست " . لیکن دیگر جنبش آنقدر قدرت یافته بود که مرتجعین و امپریالیستها نتوانند آنرا با توطئه سکوت مواجه سازند . شکستهای پی در پی نیروهای شاه و قدرت یابی روز افزون انقلاب و فشار افکار عمومی مترقی جهان / امپریالیسم و نوکرانش را مجبور به اعتراف نمود . بزودی خلقهای ایران و عرب و سراسر جهان از این تجاوز بیشمارانه آگاهی یافت و علیه آن موضعگیری کرد . رژیم ضد خلقی شاه و قابوس سرانجام مجبور شدند / اعتراف کنند که پیش از این دروغ گفته اند و نیروهای مسلح ضد انقلابی شاه نیز درگیر بیکار با رزمندگان " جبهه خلق برای آزادی عمان " است . شاه خائن که به اربابان آمریکائی اش قول داده بود که طی " دوهفته شورش را بخواباند " / با گذشت زمان دریافت که با خلقی کوچک و ستدیده ولی دلاور و مصمم رو بروست که حاضر به تسلیم نیست . لیکن از آنجا که ارتجاعی و ضد خلقی است / شکست های اولیه خود را در عمان نه ناشی از ماهی پتظالماته و جنایتکارانه عملش و نه ناشی از عادلانه بودن امر انقلاب بلکه بر اثر آن دانست که نیروهای نظامی کافی بکار نبرده است . بر پایه چنین منطق ارتجاعی بود که بر تعداد نیروهای خود افزود تا آنجا که بیش از ده هزار سرباز به عمان پیاده کرد و هر روز اسلحه های مدرن تر و بمب افکن های عظیم تری را وارد صحنه جنگ نمود . اخبار شکست های پی در پی نیروهای نظامی شاه رسوائی سیاسی این رژیم مزدور را بیشتر کرد . شاه برای سرپوش نهادن بر روی شکست هایش کارزار تبلیغاتی -

- ۳ -

گسترده ای را آغاز کرد و همانطور که در مورد انقلاب بیون و سازمانهای انقلابی داخلی تاکنون بارها ایداع کرده / این بار نیز همان شیوه های تبلیغاتی را علیه انقلاب ظفار پیکار برد و میاهو پراه انداخت که " پایگاههای شورشیان در تصرف نیروهای شاهنشاهی برآمده است. تشدید پیکار و شکست های افشاح آمیزتر / شاه را وادار کرد تا دوباره راه سکوت در پیش گیرد. در شرایطی که رژیم شاه بخاطر خوش آمدن اربابان امپریالیست کوچکترین پیروزی ظاهری خود را با استفاده از کلیه وسائل جاسوس میگیرد / این سکوت باز هم نشان عدم موفقیت کامل و اوضاع نامساعد نیروهای ارتجاع در برابر انقلاب است.

منطقه خلیج فارس اکنون به یکی از مراکز اصلی رقابت و تنهایی دو ابر قدرت جنگ افروز یعنی آمریکا و شوروی تبدیل شده است. امپریالیسم آمریکا برای حفظ موقعیت برتر و مسلط خویش به تسلیح و تقویت جنون آمیز رژیمهای دست نشانده اش در خلیج و منطقه خاور میانه پرداخته است. رژیم شاه که سابقه ای دیرینه در خوشحالی متنی و توکری به امپریالیسم آمریکا دارد / یکی از پایگاههای اساسی امپریالیسم آمریکا است و نقش مهمی در استراتژی تجاوزکارانه آمریکا دارد. امپریالیسم آمریکا بدین طریق نه تنها از سرایان ایرانی بعنوان گوشت دم توپ استفاده میکند / بلکه مخارج دستگاه عظیم کنترل و سرکوب را از کیسه مردم ایران و منطقه تامین میکند. آخرین خیانت رژیم ایران در این جهت خرید یک مرکز کامل الکترونی خبرگیری است. این مرکز عظیم که قادر است کلیه فرستنده های نظامی و غیر نظامی در سراسر منطقه را زیر کنترل گیرد / بتازگی از طرف ایران بمبلغ ۵۰۰ میلیون دلار خریداری شده است. کلیه کارکنان این مرکز الکترونی خبرگیری متخصصین آمریکائی خواهند بود که حقوقهای گزاف آنها از طرف رژیم ایران پرداخت خواهد شد. نقش ابر قدرت نوخاسته شوروی در این میان ریاکارانه تر و در پوششی عوامفریبانه تر است. این ابر قدرت نوخاسته که بخاطر تسلط بر جهان و بیرون راندن رقیب سخت به تکیه بر افتاده است.

با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان و تقسیم مجدد غنیمت ها در خاور میانه و خلیج شدیدا به رقابت خود میفزاید. دولت ضد خلقی شوروی سالوسانه و با شایدهای بسیار به قیای " طرفدار جنبش سوسیالیستی در نفوذ و اغلال در جنبشهای آزادی بخش و نیروهای انقلابی منطقه و خلیج فارس دارد. ولی خلقهای ایران و عرب که دارای سوابق و سنت های تابناک و در پیکار علیه دزدان دریائی استعمارگر هستند / هر روز به اهمیت تجاوزگر و استثمارگر دولت ضد خلقی شوروی بیشتر پی برده و هرگز اجازه نخواهند داد که دولت استعمارگر دیگری با فریب خلق از سیاست اعزام کشتی های جنگی جای استعمارگر قبلی را بگیرد. خلقهای منطقه با تکیه به نیروی خود نه تنها امپریالیسم آمریکا و انگلیس و رژیمهای وابسته به آنها را نابود خواهند ساخت بلکه با آگاهی و هشیاری از نفوذ هر ابر قدرت و امپریالیست کوچک یا بزرگ دیگر جلوگیری خواهند کرد.

تجاوز مزورانه رژیم فاشیستی شاه به عمان و جنایات وحشیانه اش در استان ظفار برای خلق ما و جنبشها قابل تحمل نیست. مقاومت و مبارزات مردم علیه این جنایات شرم آور که رژیم خائن شاه بنا بدستور امپریالیسم آمریکا انجام میدهد / هر روز بیشتر شکل میگیرد. کارگران و دانشجویان روشنفکران انقلابی و سازمانهای آنها و روحانیون مرفعی و ملی هر یک بنوعی و بسهم خود در این مبارزات اعتراضی شرکت میکنند. محمد رضا شاه بی شرمانه میکوشد تا اعمال زندگین ارتش تجاوزگر خود را بنام حفظ منافع ملی ایران جلوه گر سازد / در حالیکه مردم ایران بخوبی میدانند که شکست این ارتش و خروج آن از عمان نه تنها موفقیتی عظیم برای خلق عمان بشمار میآید / بلکه پیروزی بزرگی برای جنبشها نیز محسوب میشود. بدینسان همبستگی انقلاب در عمان و ایران از حسد همبستگی عمومی خلقها در مبارزه علیه امپریالیسم فراتر میرود. هر ضربه ای که به ارتش تجاوزگر شاه از جانب انقلاب بیون عمان وارد گردد / مستقیماً مستقیم انقلاب در ایران یاری خواهد رساند و هر گام او رشد و گسترش جنبش در ایران به تضعیف بلا واسطه ضد انقلاب در جبهه جنگ عمان منجر خواهد شد. دفاع از جنبش آزادی بخش خلق عمان ماهیتا بخشی از مبارزه ای است که مردم ایران در جهت نابودی حکومت طبقات حاکمه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم و منقرض پهلوی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم به پیش میبرند. یعنی بخشی از انقلاب آزادی بخش و دمکراتیک میهن ما نیز بحساب میآید. تنها با چنین دفاع همه جانبه و قاطعی است که نه تنها در جهت رشد انقلاب در میهن ما است بلکه در جهت رهائی کامل خلق عمان از قید هر گونه نفوذ امپریالیستی نیز هست. این دفاع ماهیتا با " دفاعی " که دارنده کمیته مرکزی حزب توده در خدمت منافع آزمندانده دولت ضد خلقی شوروی در منطقه انجام میدهد / متفاوت است.

- ۴ -

آنها یک تَبلیغ میکنند که لازم است تا همه با اصطلاح "بروما" بدون پنهانگی برای دفاع از جنبش ظفار متحد شوند / سرشت و ماهیت سخنان جز این نیست که میخواهند خلق را با ضد خلق آشتی دهند و یقیناً در نهایت اصرار خلق را بزیور پیچ ضد خلق درآورند . "کمیته مرکزی" که دیروز بمناسبت تیانی آمریکا و شوروی در برابر این انقلاب به توطئه سکوت دست زده بود / امروز در رابطه با رقابت این دو ابر قدرت و منافع غارتگرانه شوروی بناگهان بیاد این جنبش و دفاع از آن افتاده است. ماهیت این "دفاع" دارودسته خدائن کمیته مرکزی جدا از توطئه سکوتشان نیست

جنگ خلق در ظفار بر مبنی "جبهه خلق برای آزادی عمان" بدون شک پیروز خواهد شد . انقلابیون ظفار گور - کین ارتش تجا و زگر امپریالیستی و سگ های زنجیری آنها هستند . خلق دلاور ما نیز در کنار خلق قهرمان عمان قرار دارد . امر انقلاب بشرا امر انقلاب خود میداند و مسموم و پیگیر در راه شکست ارتش ضد خلقی شاه و خروج از سر - زمین عمان پیکار خواهد کرد .

زنده باد ۹ ژوئن سالروز انقلاب توده ای در عمان !

زنده باد جنگ پیروز مردم خلق عمان !

زنده باد "جبهه خلق برای آزادی عمان" !

زنده باد وحدت و همبستگی مبارزه جویانه خلقهای ایران و عمان بر علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی وابسته به آن !

سرگ بر امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دولت ضد خلقی شوروی !

سرگ بر رژیم فاشیستی محمد رضا شاه !

صفوف خود را متشکل و متحد گردانیم و قاطعانه از پیکار مسلحانه خلق عمان حمایت کنیم !

مبارزه بخاطر شکست و خروج ارتش مزدور شاه از عمان و وظیفه انقلابی / ضد امپریالیستی و همبستگی بین - المللی ما است !

نویسندگان در اسپانیا

۱۹۷۵/۶/۴

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)
ژوئن دهمین سالروز آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان را هر چه وسیع‌تر و با شکوه‌تر برگزار کنیم

۹ ژوئن دهمین سالروز آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان را هر چه وسیع‌تر و با شکوه‌تر برگزار کنیم

"در سرزمین عمان دو پرچم رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند: پرچم انقلاب و پرچم ضدانقلاب. یکی نشانه قهرمانی‌ها و دلاوری‌های مردمی است که در برابر مهاجمین استعمارگر حاضر به تسلیم نیستند و دیگری بیانگر جنایات و وحشی‌گری‌های نیروهای است که برای غارت بیش‌تر و استثمار شدیدتر به قصابی توده‌ها پرداخته‌اند. باید هر دو را، هم انقلاب و هم ضدانقلاب را شناخت. باید دانست که مسیر عمومی پیشرفت تاریخ به کدام سمت است. باید دانست که چرا خلق پیروز می‌گردد و اگر چه در ابتدای کارزار طبقاتی و ملی ضعیف هم باشد، ولی بالاخره پرچم ضدانقلاب را به زیر می‌فکند و آنرا به آتش می‌کشانند. اگر چه در آغاز پرچم انقلاب را به گلوله می‌بندند و به خون فرزندان خلق آغشته می‌گردانند، ولی پیروزی نهائی از آن خلق می‌باشد.

عمان را بشناسیم - سرزمینی که مردمان آن از همان روزی که کشتی‌های بیگانگان استعمارگر در سواحل آن نمایان شد، پرچم‌های اعتراض و مقاومت را برافراشته ساختند. سرزمین، جامعه و تاریخ مبارزات مردمی را بشناسیم که اگر چه خلقی کوچک را تشکیل می‌دهند، لیکن در پیکار بر ضد استعمارگران و نیروهای مهاجم خارجی از سال‌ها پیش تاکنون دلاوری‌ها و بزرگی‌های بی‌شماری از خود نشان دادند. خلقی که اینک علاوه بر استعمارگران انگلیسی و ارتجاع داخلی با نیروهای مهاجم و تجاوز کار ارتش ضدخلق رژیم دست نشانده شاه و ارتجاع عرب نبرد می‌کند. تاریخ خلق عمان را باید شناخت تا یقین آورد که رژیم دست نشانده و ضدملی شاه و لشکرکشی جنایت‌کارانه‌اش به این سرزمین جز شکست و اضمحلال، سرنوشت دیگری نخواهد داشت. جنگ خلق پیروز است. این حقیقت در عمان و ظفار نیز هر روز بیش‌تر ثابت می‌گردد. ۹ ژوئن دهمین سالگرد آغاز مبارزات مسلحانه توده‌ای در عمان است. آغاز نوینی است از پیکاری دیرینه. سنت‌های انقلابی زنده و جاودان باقی مانده است. آنها از هر آنچه که طبیعت در اختیار نهاده است بهره می‌گیرند تا کشور خود را گورستان استعمارگران و مهاجمین جنایتکار نمایند.

استعمار انگلیس از همان‌روز که با کشتی‌های توپ‌دار خود به ساحل‌های عمان نزدیک شد و قایق‌های ماهی‌گیران و کشتی‌های بادبان‌دار کوچک تجارتی را درهم کوبید تا راه تسلط ظالمانه خود را هموار سازد، ماهی‌گیران فقیر و ستم‌دیده پرچم طغیان انقلابی را بر افراشته ساختند. کشتی‌های جنگی استعمارگران، قایق‌ها و کشتی‌های ماهی‌گیران و مردم تسلیم ناپذیر را تحت تعقیب قرار دادند، آنها را به توپ بستند، صدها و هزاران رزمنده انقلابی را طعمه آب‌های خروشان خلیج ساختند تا در خلیج "آرامش و امنیت" برقرار سازند و آسوده خاطر غارت کنند و مردم را به بردگی گیرند. از آن زمان داستان "دزدان دریائی" را بوجود آوردند. مردمان ستم‌دیده عصبان‌گر را که علیه استعمار می‌جنگیدند، "دزدان دریائی" خواندند و در اطراف آن تبلیغ کردند تا غارت‌گری‌ها و دزدی‌های بیشرمانه خودشان را در پرده اختفا نگاه‌دارند.

دیروز استعمارگران انگلیسی و جیره‌خواران محلی‌اش برای تسهیل راه غارت‌گری و چپاول از "ثبات و امنیت" آب‌های خلیج سخن می‌گفتند و به سرکوب شورش‌های مردم می‌پرداختند. امروز نیز رژیم ضدخلق محمد رضا شاه خائن به فرمان اربابانش، همان تمهیدهای شوم کهن را با کمک بلندگوهای مدرن امپریالیست‌ها ساز کرده است. دیروز پیکارجویان و ماهی‌گیران انقلابی را "دزدان دریائی" می‌خواندند تا کشتار آنان را "موجه" جلوه دهند و آنرا "به سود پیشرفت تمدن" جابزنند. امروز نیز امپریالیست‌های آمریکائی و انگلیسی، مرتجعین عرب و رژیم دست نشانده شاه از انقلابیون ظفار بنام "دزدان وحشی" و "شورشیان غیرمتمدن" نام می‌برند. آنچه که دیروز هدف استعمارگران بود، غارت و چپاول مردم و آنچه که مردم می‌خواستند، آزادی و رهائی از یوغ بردگی و بندگی بود. آنچه که امروز جریان دارد، ادامه دیروز است. با ابعاد وسیع‌تر و در متن کنونی دروان ما.

منطقه خلیج فارس هم به خاطر موقعیت جغرافیائی استراتژیکی‌اش و هم به خاطر منابع نفتی و ذخائر گران‌قیمت دیگری که در اعماق آن وجود دارد، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده است. نفت و وجود بیش از ۲ ذخائر کشف شده نفتی "غنیمتی" نیست که امپریالیست‌ها به سادگی از آن بگذرند و یا "سهم" کم‌تری از آن را به خود اختصاص دهند.

جنگ دوم جهانی، امپریالیسم انگلیس را ضعیف کرد، اما امپریالیسم آمریکا را نیرومندتر گردانید. امپریالیسم آمریکا به تدریج پا جای پای انگلیس نهاد و موقعیت برتر را در خلیج به دست آورد. حالا دیگر این غارت‌گران آمریکائی بودند که دلشان برای

"ثبات و امنیت" خلیج بیش تر می سوخت. آمریکا- انگلیس و مرتجعین ایران و عرب آواز گروهی گوش خراش "ثبات و امنیت" را سردادند و وحشیانه تر به سرکوب و قلع و قمع توده ها و مبارزات عادلانه شان پرداختند. لیکن به حکم اینکه ستم، ایجاد مقاومت و طغیان می کند و به حکم آنکه تاریخ به سود رهایی بشریت در حرکت است دامنه مبارزات مردم گسترش یافت. در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که آغاز جنبش مسلحانه آزادی بخش توده های در استان ظفار است، این مطلب بار دیگر و با قاطعیت بی نظیری اعلام گردید که توده ها ممکن است شکست بخورند، ممکن است قربانی های فراوان بدهند، اما ممکن نیست تسلیم گردند و ممکن نیست تابع اراده استعمارگران و مرتجعین شوند و زنجیر پوسیده بردگی را بردست وپای خود تحمل نمایند.

با اوج گیری جنبش آزادی بخش مسلحانه توده های خلق ظفار، توطئه گری ها و حملات وحشیانه استعمار و ارتجاع شدت یافت. توطئه سکوت ناجوان مردانه و بی شرمانه علیه انقلاب بکار گرفته شد و از پخش اخبار مبارزات جلوگیری کرد. چند سالی نه تنها مردم جهان، بلکه حتی مردم منطقه خاورمیانه و خلیج نیز از جنبش ظفار اطلاع چندانی در اختیار نداشتند و بدین جهت بعدها مطبوعات انقلاب عمان را "انقلاب یتیم" نام نهادند. و در آن زمان "پیک ایران" این بوق تبلیغاتی دولت ضد خلقی شوروی و سایر نشریات دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی نیز مانند مطبوعات رژیم دست نشانده شاه و سایر مرتجعین در این توطئه شریک بودند.

در آن زمان منافع شوروی و تباری اش با امپریالیسم آمریکا و استعمار انگلیس اقتضا می کرد تا بلندگوهای تبلیغاتی آن به روی کشتار خلق عمان پرده بیندازند. ولی نه توطئه سکوت و نه تهاجمات خون بار، نه برداشتن سلطان تیمور و نه نشانندن قابوس مزدور، نه رفرم های "انقلاب سفید" و نه آوازه گری های بلندگوهای این رژیم سرسپرده، هیچ کدام نتوانست از گسترش شعله های جنگ توده ای در عمان جلوگیری.

جنبش اوج یافت و توده های وسیع تری را به مبارزه کشانید. مناطق وسیعی آزاد شدند و به پایگاه های انقلابی مبدل گشتند. امپریالیسم انگلیس حملات به مبارزه بزرگ را تدارک دید. اما شکست خورد و بر توطئه گری خود افزود. افسران مزدور رژیم سرسپرده ملک حسین ۱۹۷۱ پس از کشتار خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۱ برای سرکوب انقلاب به عمان وارد شدند. اما آنان نیز در نقشه های جنایت کارانه شان شکست خوردند. شکست مرتجعین محلی و رژیم سلطان قابوس مزدور در مقابله با انقلاب ظفار و انتخاب شاه به عنوان ژاندارم امپریالیسم در خلیج فارس در چهارچوب استراتژی امپریالیسم آمریکا، وظیفه ننگین سرکوب جنبش ظفار را بر عهده رژیم ضد خلقی و ضد ملی شاه نهاد. با ورود نخستین دسته های نیروهای ارتش شاه، خلق عمان خبر این تجاوز بی شرمانه را به جهانیان اعلام داشت. هر دو رژیم دست نشانده محمد رضا شاه و قابوس سوگند یاد کردند که از "نیروهای ایرانی در عمان و ظفار خبری نیست". لیکن دیگر جنبش آنقدر قدرت یافته بود که مرتجعین و امپریالیست ها نتوانند آنرا با توطئه سکوت مواجه سازند. شکست های پی در پی نیروهای شاه و قدرت یابی روز افزون انقلاب و فشار افکار عمومی مرتقی جهان، امپریالیسم و نوکرانش را مجبور به اعتراف نمود. بزودی خلق های ایران و عرب و سراسر جهان از این تجاوز بی شرمانه آگاهی یافت و علیه آن موضع گیری کرد. رژیم ضد خلقی شاه و قابوس سرانجام مجبور شدند اعتراف کنند که پیش از این دروغ گفته اند و نیروهای مسلح ضد انقلابی شاه نیز در گیر پیکار با رزمندگان "جبهه خلق برای آزادی عمان" است. شاه خائن که به اربابان آمریکائی اش قول داده بود که طی "دوهفته شورش را بخواهاند"، با گذشت زمان دریافت که با خلقی کوچک و ستم دیده ولی دلاور و مصمم روبروست که حاضر به تسلیم نیست. لیکن از آنجا که ارتجاعی و ضد خلقی است، شکست های اولیه خود را در عمان نه ناشی از ماهیت ظالمانه و جنایت کارانه عملش و نه ناشی از عادلانه بودن امر انقلاب، بلکه بر اثر آن دانست که نیروهای نظامی کافی بکار نبرده است. بر پایه چنین منطق ارتجاعی بود که بر تعداد نیروهای خود افزود تا آنجا که بیش از ده هزار سرباز به عمان پیاده کرد و هر روز اسلحه های مدرن تر و بمبافکن های عظیم تری را وارد صحنه جنگ نمود. اخبار شکست های پی در پی نیروهای نظامی شاه رسوائی سیاسی این رژیم مزدور را بیش تر کرد. شاه برای سرپوش نهادن بر روی شکست هایش کارزار تبلیغاتی گسترده ای را آغاز کرد و همان طور که در مورد انقلابیون و سازمان های انقلابی داخلی تاکنون بارها ادعا کرده، این بار نیز همان شیوه های تبلیغاتی را علیه انقلاب ظفار بکار برد و هیاهو برافراخت که "پایگاه های شورشیان در تصرف نیروهای شاهنشاهی در آمده است". تشدید پیکار و شکست های افتضاح آمیزتر، شاه را وادار کرد تا دوباره راه سکوت در پیش گیرد. در شرایطی که رژیم شاه به خاطر خوش آمد اربابان امپریالیست کوچک ترین پیروزی ظاهری خود را با استفاده از کلیه مسایل جشن می گیرد، این سکوت بازهم نشان عدم موفقیت کامل و اوضاع نامساعد نیروهای ارتجاع در برابر انقلاب است.

منطقه خلیج فارس اکنون به یکی از مراکز اصلی رقابت و تباری دو ابرقدرت جنگ افروز یعنی آمریکا و شوروی تبدیل شده است. امپریالیسم آمریکا برای حفظ موقعیت برتر و مسلط خویش به تسلیح و تقویت جنون آمیز رژیم های دست نشانده اش در خلیج و منطقه خاورمیانه پرداخته است. رژیم شاه که سابقه ای دیرینه در خوش خدمتی و نوکری به امپریالیسم آمریکا دارد، یکی از پایگاه های اساسی امپریالیسم است و نقش مهمی در استراتژی تجاوزکارانه آمریکا دارد. امپریالیسم آمریکا بدین طریق نه تنها از سربازان ایرانی به عنوان گوشت دم توپ استفاده می کند، بلکه مخارج دستگاه عظیم کنترل و سرکوب را از کیسه مردم ایران و منطقه تامین می کند. آخرین خیانت رژیم ایران در این جهت خرید یک مرکز کامل الکترونی خبرگیری است. این مرکز عظیم که قادر است کلیه فرستنده های نظامی و غیرنظامی در سرتاسر منطقه را زیر کنترل گیرد، به تازگی از طرف ایران به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار خریداری شده است. کلیه کارکنان این مرکز الکترونی خبرگیری متخصصین آمریکائی خواهند بود که حقوق های گزاف آنها از طرف رژیم ایران پرداخت خواهد شد. نقش ابرقدرت نواخته شوروی در این میان ریاکارانه تر و در پوششی عوام فریبانه تر است. این ابرقدرت نواخته که بخاطر تسلط بر جهان و بیرون راندن رقیب سخت به تکاپو افتاده است، با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان و تقسیم مجدد غنیمت ها در خاورمیانه و خلیج شدیداً به رقابت خود می افزاید. دولت ضد خلقی شوروی سالوسانه و با شیادی بسیار به قبای "طرفدار جنبش" سعی در نفوذ و اخلال در جنبش های آزادی بخش و نیروهای انقلابی منطقه و خلیج فارس دارد. ولی خلق های ایران و عرب که دارای سوابق و سنت های تابناکی در پیکار علیه دزدان دریائی استعمارگر هستند، هر روز به ماهیت تجاوزگر و استثمارگر دولت ضد خلقی شوروی بیش تر پی برده و هرگز اجازه نخواهند داد که دولت استعمارگر دیگری با فریب، خلق ها با استفاده از سیاست اعزام کشتی های جنگی جای استعمارگر قبلی را بگیرد. خلق های منطقه با تکیه به نیروی خود نه تنها امپریالیسم آمریکا و انگلیس و رژیم های وابسته به آنها را نابود خواهند ساخت، بلکه با آگاهی و هشیاری از نفوذ هر ابرقدرت و امپریالیست کوچک یا بزرگ دیگر جلوگیری خواهند کرد.

تجاوز مزورانه رژیم فاشیستی شاه به عمان و جنایات وحشیانه اش در استان ظفار برای خلق ما و جنبش ما قابل تحمل نیست. مقاومت و مبارزات مردم علیه این جنایات شرم آور که رژیم خائن شاه بنا به دستور امپریالیسم آمریکا انجام می دهد، هر روز بیش تر شکل می گیرد. کارگران و دانشجویان، روشنفکران انقلابی و سازمان های آنها و روحانیون مترقی و ملی هر یک به نوعی و به سهم خود در این مبارزات اعتراضی شرکت می جویند. محمد رضا شاه بی شرمانه می کوشد تا اعمال ننگین ارتش تجاوزگر خود را به نام حفظ منافع ملی ایران جلوه گر سازد، در حالیکه مردم ایران به خوبی می دانند که شکست این ارتش و خروج آن از عمان نه تنها موفقیتی عظیم برای خلق عمان به شمار می آید، بلکه پیروزی بزرگی برای جنبش ما نیز محسوب می شود. بدین سان همبستگی انقلاب در عمان و ایران از حد همبستگی عمومی خلق ها در مبارزه علیه امپریالیسم فراتر می رود. هر ضربه ای که به ارتش تجاوزگر شاه از جانب انقلابیون عمان وارد گردد مستقیماً به رشد انقلاب در ایران یاری خواهد رساند و هر گام از رشد و گسترش جنبش در ایران به تضعیف بلاواسطه ضد انقلاب در جبهه جنگ عمان منجر خواهد شد. دفاع ما از جنبش آزادی بخش خلق عمان ماهیتاً بخشی از مبارزه ای است که مردم ایران در جهت نابودی حکومت طبقات حاکمه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم و منقور پهلوی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم به پیش می برند. یعنی بخشی از انقلاب آزادی بخش و دمکراتیک میهن ما نیز بحساب می آید. تنها یک چنین دفاع همه جانبه و قاطعی است که نه تنها در جهت رشد انقلاب در میهن ماست، بلکه در جهت رهائی کامل خلق مان از قید هرگونه نفوذ امپریالیستی نیز هست. این دفاع ماهیتاً با "دفاعی" که دارودسته کمیته مرکزی حزب توده در خدمت منافع آزمندانه دولت ضد خلقی شوروی در منطقه انجام می دهد متفاوت است. آنهایی که تبلیغ می کنند که لازم است تا همه به اصطلاح "نیروها" بدون بهانه گیری برای دفاع از جنبش ظفار متحد شوند، سرشت و ماهیت سخنشان جز این نیست که می خواهند خلق را با ضد خلق آشتی دهند. یعنی در نهایت امر خلق را به زیر پرچم ضد خلق درآورند. "کمیته مرکزی" که دیروز به مناسبت تباری آمریکا و شوروی در برابر این انقلاب به توطئه سکوت دست زده بود، امروز در رابطه با رقابت این دو ابرقدرت و منافع غارتگرانه شوروی به ناگهان به یاد این جنبش و دفاع از آن افتاده است. ماهیت این "دفاع" دارودسته خائن کمیته مرکزی جدا از توطئه سکوتشان نیست.

جنگ خلق در ظفار به رهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" بدون شک پیروز خواهد شد. انقلابیون ظفار گورکن ارتش تجاوزگر امپریالیستی و سگ های زنجیری آنها هستند. خلق دلاور ما نیز در کنار خلق قهرمان عمان قرار دارد. امر انقلابش را امر انقلاب خود می داند و مصمم و پی گیر در راه شکست ارتش ضد خلقی شاه و خروج از سرزمین عمان پیکار خواهد کرد.

زنده باد ۹ ژوئن سالروز انقلاب توده‌ای عمان!

زنده باد جنگ پیروزمند خلق عمان!

زنده باد "جبهه خلق برای آزادی عمان"!

زنده باد وحدت و همبستگی مبارزه‌جویانه خلق‌های ایران و عمان بر علیه امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی وابسته به

آن!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دولت ضد خلقی شوروی!

مرگ بر رژیم فاشیستی محمد رضا شاه!

صفوف خود را متشکل و متحد گردانیم و قاطعانه از پیکار مسلحانه خلق عمان حمایت کنیم!

مبارزه به خاطر شکست و خروج ارتش مزدور شاه از عمان وظیفه انقلابی، ضد امپریالیستی و همبستگی بین‌المللی ما

است!

دبیران فدراسیون آلمان

"۱۹۷۵ / ۶ / ۴"

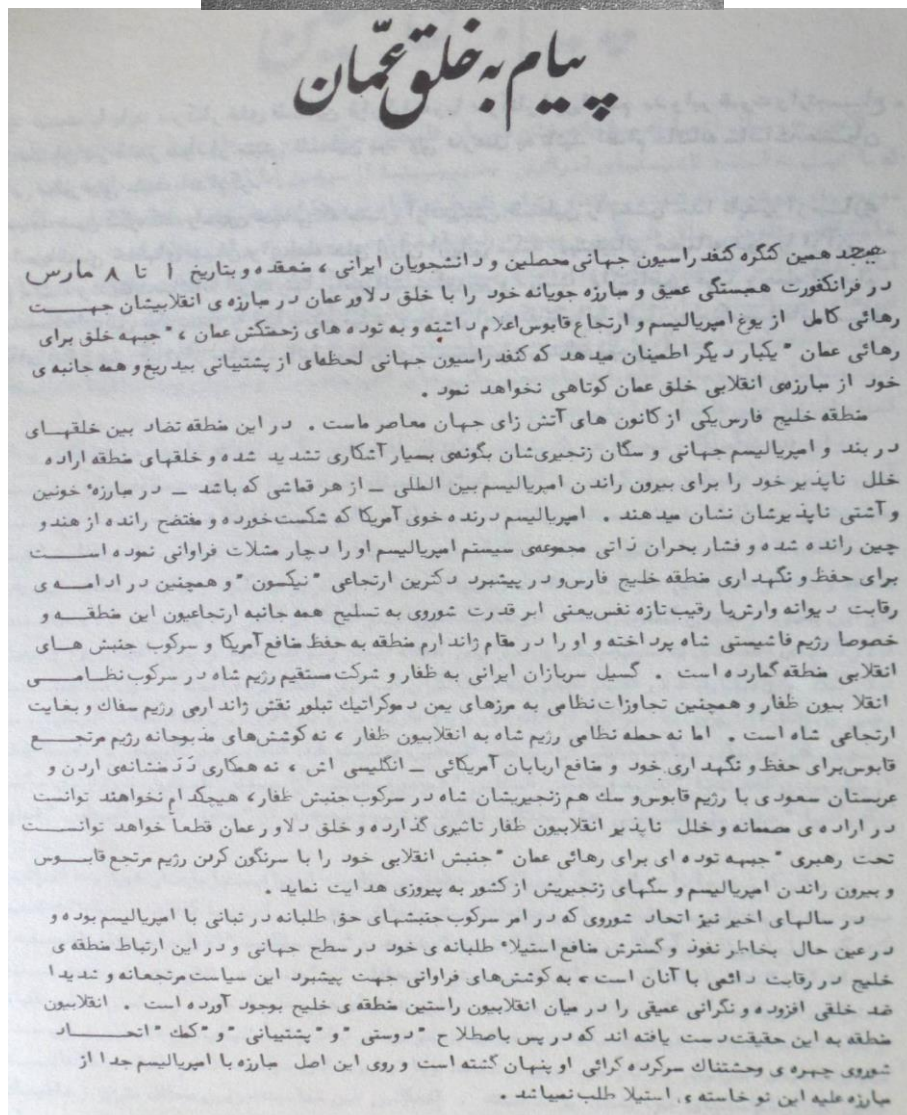
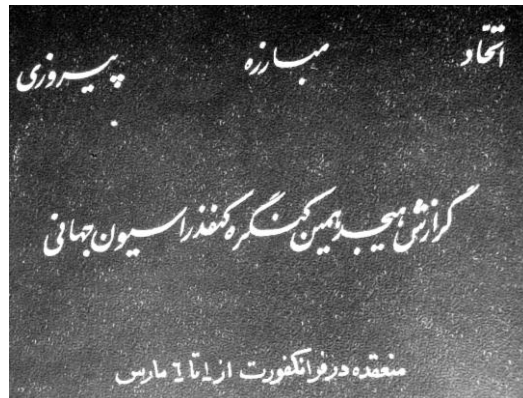
سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

پیام به خلق عمان مصوبات هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی در سال ۱۹۷۸

پیام به خلق عمان مصوبات هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی در سال ۱۹۷۸.

بخش پشتیبانان خط‌مشی سنتی انقلابی کنفدراسیون جهانی (توفان) بعد از انشعاب در کنفدراسیون جهانی.



سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

پیام به خلق عمان مصوبات هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی در سال ۱۹۷۸

پیام به خلق عمان

"هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، منعقد و به تاریخ ۱ تا ۸ مارس در فرانکفورت همبستگی عمیق و مبارزه‌جویانه خود را با خلق دلاور عمان در مبارزه‌ی انقلابیشان جهت رهائی کامل از یوغ امپریالیسم و ارتجاع قابوس اعلام داشته و به توده‌های زحمتکش عمان، "جبهه خلق برای رهائی عمان" یکبار دیگر اطمینان می‌دهد که کنفدراسیون جهانی لحظه‌ای از پشتیبانی بی‌دریغ و همه‌جانبه‌ی خود از مبارزه‌ی انقلابی خلق عمان کوتاهی نخواهد نمود.

منطقه خلیج فارس یکی از کانون‌های آتش‌زای جهان معاصر ماست. در این منطقه تضاد بین خلق‌های دربند و امپریالیسم جهانی و سگان زنجیری‌شان بگونه‌ی بسیار آشکاری تشدید شده و خلق‌های منطقه اراده خلل‌ناپذیر خود را برای بیرون راندن امپریالیسم بین‌المللی - از هر قماش که باشد - در مبارزه خونین و آشتی‌ناپذیرشان نشان می‌دهند. امپریالیسم درنده‌خوی آمریکا که شکست خورده و مقتضح رانده از هندوچین رانده شده و فشار بحران ذاتی مجموعه‌ی سیستم امپریالیسم او را دچار مشکلات فراوانی نموده است برای حفظ و نگهداری منطقه خلیج فارس و در پیش‌برد دگرترین ارتجاعی "یکسون" و همچنین در ادامه‌ی رقابت دیوانه‌وارش با رقیب تازه‌نفس یعنی ابرقدرت شوروی به تسلیح همه‌جانبه ارتجاعیون این منطقه و خصوصاً رژیم فاشیستی شاه پرداخته و او را در مقام ژاندارم منطقه به حفظ منافع آمریکا و سرکوب جنبش‌های انقلابی منطقه گمارده است. گسیل سربازان ایرانی به ظفار و شرکت مستقیم رژیم شاه در سرکوب نظامی انقلابیون ظفار و همچنین تجاوزات نظامی به مرزهای یمن دموکراتیک تبلور نقش ژاندارمی رژیم سفاک و به غایت ارتجاعی شاه است. اما نه حمله نظامی رژیم شاه به انقلابیون ظفار، نه کوشش‌های مذبوحانه رژیم مرتجع قابوس برای حفظ و نگهداری خود و منافع اربابان آمریکائی-انگلیسی‌ش، نه همکاری ددمنشانه اردن و عربستان سعودی با رژیم قابوس و سگ هم‌زنجیریشان شاه در سرکوب جنبش ظفار، هیچ‌کدام نخواهند توانست در اراده مصممانه و خلل‌ناپذیر انقلابیون ظفار تأثیر گذارده و خلق دلاور عمان قطعا خواهد توانست تحت رهبری "جبهه توده‌ای برای رهائی عمان" جنبش انقلابی خود را با سرنگون کردن رژیم قابوس و بیرون راندن امپریالیسم و سگ‌های زنجیریش از کشور به پیروزی هدایت نماید.

در سال‌های اخیر نیز اتحاد شوروی که در امر سرکوب جنبش‌های حق‌طلبانه در تبتانی با امپریالیسم بوده و در عین حال به خاطر نفوذ و گسترش منافع استیلاطلبانه‌ی خود در سطح جهانی و در این ارتباط منطقه‌ی خلیج در رقابت دائمی با آنان است، به کوشش‌های فراوانی جهت پیشبرد این سیاست مرتجعانه و شدیداً ضد خلقی افزوده و نگرانی عمیقی را در میان انقلابیون راستین منطقه‌ی خلیج به وجود آورده است. انقلابیون منطقه به این حقیقت دست یافته‌اند که در پس به اصطلاح "دوستی" و "پشتیبانی" و "کمک" اتحاد شوروی چهره‌ی وحشتناک سرکرده‌گرانی او پنهان گشته است و روی این اصل مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه علیه این نواخته‌ی استیلاطلب نمی‌باشد.

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

جمع‌بندی سمینار مرکزی کنفدراسیون جهانی فرانکفورت ۱۹-۲۱ اکتبر ۷۵

جمع‌بندی سمینار مرکزی کنفدراسیون جهانی فرانکفورت ۱۹-۲۱ اکتبر ۷۵

کنفدراسیون جهانی سازمان توده‌ای، دموکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور پس از مبارزه‌ای پیگیر و عمیق علیه عناصر و سیاست‌هایی که گوشه‌خیز در انحراف جنبش بسوی تسلیم و سازش با ارتجاع محمد رضا شاهی و مخدوش کردن موازین و مواضع جهانی کنفدراسیون را داشتند و طرد راست روان و انشعابگران از سازمانها و واحدهای کنفدراسیون، دوران نوینی را آغاز مینماید. این دوران نوین ادامه و تکامل منطقی سنتها و دستاوردهای سالها مبارزه جنبش دانشجویی خارج از کشور و مشخص‌تر شدن سیاست و عملکرد کنفدراسیون و دقیق‌تر کردن معیارهای همکاری و وحدت در سازمان است.

به بارت دیگر نمیتوان سیاستها و عناصری را که در تئوری و پراکتیک جدائی خود را از جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان ایرانی بمنصه ظهور رسانده‌اند در سازمان تحمل نمود و کنفدراسیون با طرد این عناصر و سیاستها از درون سازمانها و واحدهای خود روشن‌تر و پیگیرتر از گذشته با تشدید مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را ادامه میدهد.

کنفدراسیون جهانی بمثابة سازمان مشکل دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بخشی تفکیک ناپذیر از جنبش عمومی خلق ایران است و از اینرو حیات سیاسی و فعالیتهای عطفی آن در پیوندی ناگسستنی با مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق ایران قرار دارد و از آن ناشی میگردد.

در هر دوران معین، زمانیکه جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق بویژه مبارزات زحمتکشان (کارگران و دهقانان) در روند تاریخی خود به مسائل جدیدی در مبارزه دست مییابد، کنفدراسیون باید بتواند موارد در زمینه‌های فرهنگی، دفاعی، کلیه بخشهای سیاسی شرایط پذیرفتن نوآوریهای جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی را در میان توده‌های وسیع دانشجویی فراهم ساخته و تعهد آنانرا در قبال مصالح انقلابی خلق بالا ببرد.

پذیرفتن اصل سرنگونی رژیم فاشیستی شاه و ارتجاع حاکم در ایران بعنوان شعار عمومی جنبش خلق ایران از واقعیت فوق ناشی میگردد و در شرایط کنونی بدون قبول سرنگونی رژیم فاشیستی و وابسته با امپریالیسم شاه بعنوان حلقه اساسی ارتجاع در ایران و منطقه، مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی مفهوم واقعی خود را از دست میدهد و در نتیجه به سازش با ارتجاع میانجامد.

کنفدراسیون جهانی با حرکت از موازین و مواج بیان شده در بالا خود را بعنوان عضوی در جنبه جهانی پیگیر ضد امپریالیستی جوانان و دانشجویان جهان میداند و در این رابطه دارای وظایف و تعهداتی است که باید بآنها پاسخ لازم را بدهد. مضمون این سیاست بین‌المللی کنفدراسیون دفاعی قید و شرط

- از جنبشهای آزاد پیخش و انقلابی جلقهای جهان و مبارزه علیه دشمنان آنها میباشد. در کل دفاع و بازه کنفدراسیون در زمینه های بین المللی باید در خدمت مسائل و مصالح این جنبشها قرار گیرد.
- همکاری سازمان با جنبشهای آزاد پیخش در چهار چوب خواستها و منافع ضروری این جنبشها انجام میگردد.
- بنا بر آنچه گفته شد نکات زیر اساس سیاست و عملکرد کنفدراسیون جهانی را تشکیل میدهند:
- ۱- کنفدراسیون بطور عمده شعارها، سیاست و مضمون خود را از جنبش دموکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق ایران که در جهت سرنگونی ارتجاع حاکم بسرگردگی در بارپهلوی حرکت میکند اتخاذ مینماید و بعنوان بخش از جنبش مترقی خلق در خدمت مبارزات زحمتکشان قرار دارد.
- ۲- دفاع کنفدراسیون از مبارزات و مبارزین میهن بدون قید و شرط انجام میگردد و هرگونه مرزبندی ایدئولوژیک در این رابطه مردود میباشد.
- ۳- وظایف کنفدراسیون در خارج از کشور ایجاد زمینه وسیع دفاعی از جنبش انقلابی درون کشور، توحقانیت مبارزات خلق که با شیوه های گوناگون و در ایف وسیعی از مسلحانه گرفته تا مطالباتی ریان دارد - و استفاده از همه امکانات و وسائل برای بسیج نیروهای درجه بیشتر در دفاع از جنبش درون کشور با حفظ موازین و مواضع کنفدراسیون میباشد.
- ۴- بنا بر آنچه گفته شد و بنا بر ماهیت خود، کنفدراسیون در عین اینکه بحث و تبادل نظر در باره جنبش درون کشور را شایسته میدانند ولی نمیتواند در مسائل و نظریات مختلف درون جنبش انقلابی بسود این یا آن نظر و تحلیل، دخالت کند.
- ۵- دفاع بی قید و شرط از جنبشهای آزاد پیخش در جهان و بویژه در منطقه و تبلیغ حقانیت آنها.
- ۶- کنفدراسیون جهانی همکاری خود را با سازمانها، نیروها و گروههای خارجی در هر مرحله بطور مشخص بر اساس دید و سیاست مشترک نسبت به مسائل مبارزه تنظیم مینماید و بنا بر این دارای متحد دراز مدت و کوتاه مدت نمیشد.
- ۷- کنفدراسیون جهانی در مورد سیاست، عملکرد و وضعگیری کشور های مختلف در باره رژیم فاشیستی شاه با حرکت از منافع بلا فصل جنبش انقلابی خلق ایران و همچنین با در نظر داشت منافع انقلابی دیگر خلقهای جهان اتخاذ موضع مینماید.
- ۸- کنفدراسیون جهانی باید در برابر سیاست جهانی شوروی از عام گوئی پرهیزد و با تحلیل مشخص در برابر سیاست های ضد انقلابی آن موضعگیری نماید.
- ۹- کلیه جنبشها و سیاستهایی که کوشش در تحذات جنبش ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و انقلابی درون کشور و سازش با رژیم فاشیستی شاه دارند مانند کمیته مرکزی حزب توده ایران در درون کنفدراسیون جهانی جایی ندارند.
- موارد فوق نتیجه منطقی مبارزه درونی کنفدراسیون علیه راست روان و انشعابگران میباشد.
- سمینار سراسری کنفدراسیون جهانی به مسئولین موقت پیشنهاد مینماید که بر اساس موازین و ضوابط فوق اقدام به برگزاری هفدهمین کنگره کنفدراسیون نمایند.

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (کنفدراسیون چه سیاستی را باید در مورد جنبش‌های آزادی‌بخش اتخاذ کند)

جمع‌بندی سمینار مرکزی کنفدراسیون جهانی فرانکفورت ۱۹-۲۱ اکتبر ۷۵

جمع‌بندی سمینار مرکزی کنفدراسیون جهانی فرانکفورت ۱۹-۲۱ اکتبر ۷۵

"کنفدراسیون جهانی سازمان توده‌ای، دموکراتیک و ضدامپریالیستی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور پس از مبارزه‌ای پی‌گیر و عمیق علیه عناصر و سیاست‌هایی که کوشش در انحراف جنبش به سوی تسلیم و سازش با ارتجاع محمد رضا شاهی و مخدوش کردن موازین و مواضع جهانی کنفدراسیون را داشتند و طرد راست‌روان و انشعاب‌گران از سازمان‌ها و واحدهای کنفدراسیون، دوران نوینی را آغاز می‌نماید. این دوران نوین ادامه و تکامل منطقی سنت‌ها و دست‌آوردهای سال‌ها مبارزه جنبش دانشجویی خارج از کشور و مشخص‌تر شدن سیاست و عمل‌کرد کنفدراسیون و دقیق‌تر کردن معیارهای همکاری و وحدت در سازمان است.

به عبارت دیگر نمی‌توان سیاست‌ها و عناصری را که در تئوری و پراکتیک جدائی خود را از جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان ایرانی به منصفه ظهور رسانده‌اند در سازمان تحمل نمود و کنفدراسیون با طرد این عناصر و سیاست‌ها از درون سازمان‌ها و واحدهای خود روشن‌تر و پی‌گیرتر از گذشته و با تشدید مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را ادامه می‌دهد.

کنفدراسیون جهانی به مثابه سازمان متشکل دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بخشی تفکیک‌ناپذیر از جنبش عمومی خلق ایران است و از اینرو حیات سیاسی و فعالیت‌های عملی آن در پیوندی ناگسستنی با مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی خلق ایران قرار دارد و از آن ناشی می‌گردد.

در هر دوران معین، زمانی که جنبش دموکراتیک و ضدامپریالیستی خلق به ویژه مبارزات زحمتکشان (کارگران و دهقانان) در روند تاریخی خود به مسائل جدیدی در مبارزه دست می‌یابد، کنفدراسیون باید بتواند همواره در زمینه‌های فرهنگی، دفاعی و کلیه بخش‌های سیاسی شرایط پذیرفتن نوآوری‌های جنبش دموکراتیک و ضدامپریالیستی را در میان توده‌های وسیع دانشجویی فراهم ساخته و تعهد آنان را در قبال مصالح انقلابی خلق بالا ببرد.

پذیرفتن اصل سرنوشتی رژیم فاشیستی شاه و ارتجاع حاکم در ایران به عنوان شعار عمومی جنبش خلق ایران از واقعیت فوق ناشی می‌گردد و در شرایط کنونی بدون قبول سرنوشتی رژیم فاشیستی و وابسته به امپریالیسم شاه به عنوان حلقه اساسی ارتجاع در ایران و منطقه مبارزه دموکراتیک و ضدامپریالیستی مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد و در نتیجه به سازش با ارتجاع می‌انجامد. (تکیه از توفان)

کنفدراسیون جهانی با حرکت از موازین و مواضع بیان شده در بالا خود را به عنوان عضوی در جبهه جهانی پیکار ضدامپریالیستی جوانان و دانشجویان جهان می‌داند و در این رابطه دارای وظایف و تعهداتی است که باید به آنها پاسخ لازم را بدهد. مضمون این سیاست بین‌المللی کنفدراسیون دفاع بی‌قید و شرط از جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلابی خلق‌های جهان و مبارزه علیه دشمنان آنها می‌باشد. در کل دفاع و مبارزه کنفدراسیون در زمینه‌های بین‌المللی باید در خدمت مسائل و مصالح این جنبش‌ها قرار گیرد. همکاری سازمان با جنبش‌های آزادی‌بخش در چهارچوب خواست‌ها و منافع ضروری این جنبش‌ها انجام می‌گیرد. بنا برآنچه گفته شد نکات زیر اساس [ناخوانا] سیاست و عمل‌کرد کنفدراسیون جهانی را تشکیل می‌دهد:

۱- کنفدراسیون به طور عمده شعارها، سیاست و مشی خود را از جنبش دموکراتیک، ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی خلق ایران که در جهت سرنوشتی ارتجاع حاکم به سرکردگی دربار پهلوی حرکت می‌کند اتخاذ می‌نماید و به عنوان بخشی از جنبش مترقی خلق در خدمت مبارزات زحمتکشان قرار دارد

۲- دفاع کنفدراسیون از مبارزات و مبارزین میهن بدون قید و شرط انجام می‌گیرد و هرگونه مرزبندی ایدئولوژیک در این رابطه مردود می‌باشد.
۳- وظیفه کنفدراسیون در خارج از کشور ایجاد زمینه وسیع دفاعی از جنبش انقلابی درون کشور، توضیح حقانیت مبارزات خلق - که با شیوه‌های گوناگون و در طیف وسیعی از مسلحانه گرفته تا مطالباتی جریان دارد - و استفاده از همه امکانات و وسائل برای بسیج نیروهای هر چه بیش‌تر در دفاع از جنبش درون کشور با حفظ موازین و مواضع کنفدراسیون می‌باشد.

۴- بنا برآنچه گفته شد و بنا بر ماهیت خود، کنفدراسیون در عین اینکه بحث و تبادل نظر در باره جنبش درون کشور را شایسته می‌داند ولی نمی‌تواند در مسائل و نظریات مختلف درون جنبش انقلابی به سود این یا آن نظر و تحلیل، دخالت کند.

۵- دفاع بی‌قید و شرط از جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان و به ویژه در منطقه و تبلیغ حقانیت آنها.

- ۶- کنفدراسیون جهانی همکاری خود را با سازمان‌ها، نیروها و گروه‌های خارجی در هر مرحله به طور مشخص بر اساس دید و سیاست مشترک نسبت به مسائل مبارزه تنظیم می‌نماید و بنابراین دارای متحد دراز مدت و کوتاه مدت نمی‌باشد.
- ۷- کنفدراسیون جهانی در مورد سیاست، عمل کرد و موضع‌گیری کشورهای مختلف درباره رژیم فاشیستی شاه با حرکت از منافع بلافصل جنبش انقلابی خلق ایران و هم‌چنین با در نظر داشت منافع انقلابی دیگر خلق‌های جهان اتخاذ موضع می‌نماید.
- ۸- کنفدراسیون جهانی باید در برابر سیاست جهانی شوروی از عام‌گوئی بپرهیزد و با تحلیل مشخص در برابر سیاست‌های ضدانقلابی آن موضع‌گیری نماید.
- ۹- کلیه بینش‌ها و سیاست‌هایی که کوشش در تخطئه جنبش ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی و انقلابی درون کشور و سازش با رژیم فاشیستی شاه دارند، مانند کمیته مرکزی حزب توده ایران در درون کنفدراسیون جهانی جایی ندارند.
- موارد فوق نتیجه منطقی درونی کنفدراسیون علیه راست‌روان و انشعاب‌گران می‌باشد.
- سمینار سراسری کنفدراسیون جهانی به مسئولین موقت پیشنهاد می‌نماید که بر اساس موازین و ضوابط فوق اقدام به برگزاری هفدهمین کنگره کنفدراسیون نمایند."

[illegible]

شکل گزینش ~~بندی~~ باب از احوال خارجی و جزئیاتش میباشند و صدور و بکارها
در گفتگو بیان است. در این زمینه چند کتاب نیز قابل بررسی هستند:

الف - ساز و کار دیردای خازن را بقیه بخش تبیین کرد.

۱۔ شمال و پاکستان پبلک سروس

۲- میدان برق نقه ایسوں

۳- در صورتی که در یک سال دو بار بارش اتفاق افتد

[illegible]

ح - هستند ساز اطمن و ماهیتاً ترقی بخوره حتی طایفه امیرالیه (نیز هستند لیلی
نشدن آن از ترقی ، هنر است و در کلاس و نه لیسان پنجم بخورد ،
~~نشدن آن از لیسان پنجم و نه لیسان~~ ماهیه سوسیال (دکورات) ، هم چنین اکثر سازهای
لیبرال و دکورات ماهیه سازان غنویں الله ، سازمان حقوقه انان و دکورات
دیگره اینان از گروه شکل برت هستند ، بر سائل دولت و تهرسیس

[illegible]

بافتن و اتحاد درست با و طراز با آناں و صلاح گفتار با سیران نیست . گفتار با سیران بمقترا نه از کبریا سر
بر سخن بسیار شود که با سیران ~~با سیران~~ با آنا در زمین گفت بسیار نه کنند و از کسی آید با و از او اتحاد
در آید . اتحاد و کفار با آناں ~~با سیران~~ بخیر دشمن کردن از پیش کلام دشمن است . ای بار
الها در هر چه نیست به نقش چند خلق آست . ~~ترجمه با سیران~~

و - هرگز باید در نظر داشت که سبزه را که در این زمانه سبزه را می نامند و نامی آن در این
 قریه را می نامند سبزه می نامند نه آنکه بین سبزه قبول شده و بقیه سبزه که در این
 محل آن سبزه می نامند بر جود آنرا که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند
 است. و این سبزه را می نامند که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند
 نه سبزه سبزه که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند
 است. که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند
 است. که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند که در این سبزه می نامند

ن - منظم از بهکارس، دانه‌های بزرگ زرد گز روی طلاست، نشستن بآنها و دادن
طرح ببارزه مشترک و شمار ۴ مشترک است. در غیر اینصورت بین درها بکشد که بهکارس
خود شمارش ببارزه و در چهارچوب آنها تعیین میکند و شمار ببارزه میکند طبعی است هم چنانکه از
میتواند در تحت شمارش کند که در ۴ و با هر چه خود مشترک کند

ح- سنان غلامی توده ای از تهرانی بلا ستمی می کند، حتی اگر رهبری آن در یک ادب باشد
 بلکه می تواند بهر حال با آن همکار می شود. در واقع آنال چنانچه سنان غلامی بگفته اند
 در این راه هر ~~کدام~~ سنان توده ای هستند و عیناً قابل ستایه با سنان غلامی که گفته اند این
 نیستند خود، همکار می شود و چنانچه سنان غلامی کرده ای شمرده با سنان از سنان
 را هم دیگر گفته اند می باشد.

ط - تارهای کفداسیون شایع نام دیگر آن یک هستند. بنابراین سزای سیاسی مختلف بفراتر
 نام تمام این ستار با سبک آسان تفادری ندارد، هرچقدر آن، گفته میسر و چکار می کنند. بخاطر جلب
 این نامزدان سیاسی، بجز در سطح شاد و در نتیجه تحفیت دادن و اعتراف و آسان صلاح
 گفته میسر نیست. با دیگر سزای سیاسی حکمت می توان صحبت کرد و آن را قانع نمود
 مگر کشیدن از سزای دیگر آن یک با است قوت در جمع و در کاران میگردد.
 ج - در حالتی که حرکت هر چه بیشتر شود، در سزای و تقابل است شرط اساسی
 موفقت بسیار است و می توان از بعضی سزای بدست تا کشتن خود را می خورد. در غیر این صورت
 طفره رفتن از دلال بعضی شایع می خورد و بجای این خلع و سزا می خورند این
 یا آن گروه دیگران سیاسی - عملی است.

۳ - فکندگی که شاید در این نگاره بررسی شود، طرح میورد منشور کفداسیون
 می باشد. از آنجا که سال گذشته نسبت به این منشور، محکمات آن و یا برخی نکات آن
 بین رشتها سازمان نظارت گوناگون و جرمات است، لازم است که این طلب نظر خود را
 نسبت به آن ابراز دارد، تا در نگاره بعدی فقط به جهت این داشته باشند. ~~ممنوع~~ همین بر این
 نظارت ~~ممنوع~~ محاسن ~~ممنوع~~ و باقی پذیرش است. چند ایراد کوچک در اینجا و آنجا وجود دارد.
 طرح منشور به طرح ^{این} ایرادات که یک بزرگ است چه بجز به نشان داده است که عموماً
 طرح منشور را به ^{برای} کشیدن به کشیدن نمود و نامش بیشتر آن میگردد. چنانچه دیگران منشور را
 طرح کردند ما نیز می توانیم به تصحیح آن بپردازیم. اما اگر ^{فقط} نظر خواننده منشور است که باید
 تبیین کند که باید نگاره ها کرد و آنرا در نگاره طرح یافت

۴ - پس از می شود که طبق تقریب هفت مرکز را اکنون رشتا نظر بر آنست به هند
 در ما می توانیم به ابرام و بررسی کفداسیون، هم که نقش ما در این جهت باشد که باید به نوازجه من
 به کار می شود چنانچه موفقت ^{ممنوع} به طرح سحر و هفت مرکز می بیند بر انتخاب - غیر مستقیم و غیر
 در آن می توانیم به جرد از آن و غیر غیر روزی نیست عملی گردد.
 ۵ - برای و برای اندک میسر و کفداسیون پیشنهاد می شود: رشتا گودرز، رشتا ارس
 رشتا

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم
 مندرج در بخش: (متحدان دراز مدت و کوتاه مدت)
 طرح ها و مسائلی چند برای کنگره امسال

"طرح ها و مسائلی چند برای کنگره امسال"

...

مشکل کنونی همکاری با سازمان های خارجی وجود نداشتن معیار مشخص و حدود همکاری در کنفدراسیون است. در این زمینه پیشنهادات زیر قابل بررسی هستند:

الف - سازمان ها و نیروهای خارجی را می توان به سه بخش تقسیم نمود:

متحدان و دوستان پی گیر کنفدراسیون

متحدان موقت کنفدراسیون

سازمان هایی که همکاری با آنان اصولا صلاح نیست.

ب- سازمان هایی که ماهیتا ارتجاعی و طرفدار پی گیر و صریح امپریالیست ها هستند مانند دموکرات های مسیحی، فاشیست ها و غیره نمی توانند به هیچ عنوان متحد ما حتی موقت نیز گردند. اتحاد با آنان حتی موقت نه به حیثیت کنفدراسیون لطمه وارد می سازد بلکه ایجاد توهم و ناروشنی در مورد خصلت ضدامپریالیستی کنفدراسیون می نماید.

ج- هستند سازمان هایی که ماهیتا مترقی نبوده حتی طرفدار امپریالیست ها نیز هستند که نشتهایی از ترقی، ضدفاشیسم و دموکراسی در فعالیتشان به چشم می خورد، مانند سوسیال دموکرات ها، هم چنین اکثر سازمان های لیبرال و یا دموکرات مانند سازمان عفو بین المللی، سازمان حقوق دانان دموکرات و غیره. اینان از گروه متحدان موقت هستند برای مسایل موقت و کم تر سیاسی می توان از وجود آنها استفاده کرد. برای مسایل مهم و تا حدودی سیاسی که احتیاج به تعلق سیاسی حداقل ضدامپریالیستی وجود دارد، این سازمان ها تنها می توانند حدت مبارزه ضدامپریالیستی و جهت آنها تضعیف کنند.

د- عموم نیروها و سازمان هایی که ماهیتا مترقی و ضدامپریالیست هستند مانند م. لام ها سازمان ها و گروه های کارگری متعدد و گروه های متعدد سیاسی ضد سرمایه داری از جمله دوستان پی گیر ما هستند که نه تنها در فعالیت های زودگذر بلکه در مبارزات طولانی ما نیز می توانند و باید دوش به دوش ما و متحدان مبارزه کنند.

ه- سازمان ها، گروه ها و نیروهای طرفدار شوروی نیز از جمله آنانی هستند که همکاری و اتحاد موقت و طولانی با آنان به صلاح کنفدراسیون نیست. کنفدراسیون نمی تواند از یک سو مخالف سرسخت سیاسی شوروی باشد با آنها در زمینه های مختلف مبارزه کند و از سوی دیگر با او از در اتحاد درآید. اتحاد و همکاری با آنان مخدوش کردن مرز بین دوست و دشمن است. ایجاد ابهام و توهم نسبت به نقش ضدخلقی آن است.

و- همواره باید در نظر داشت که مبارزات کنفدراسیون و از آن جمله مبارزه دفاعی آن روشن گر توده ها و تأیید سیاست عمومی آن باشد نه آنکه بین سیاست قبول شده و تثبیت گشته کنفدراسیون و عمل آن تضاد عیان بوجود آورد. کنفدراسیون جهت سیاسی خود را مشخص کرده. او ضدامپریالیست است. بنابراین اتحاد با امپریالیست ها نمی تواند مطرح باشد. هم چنین دائما با لیبرال ها متحدبودن نه تنها مبارزه کنفدراسیون را تضعیف می کند بلکه باز ایجاد توهم و ناروشنی نسبت به نقش لیبرال ها و امپریالیست ها است. کنفدراسیون ضد سیاست شوروی است. آنها بارها محکوم کرده و در کنگره ها به عنوان "سیاست ضدخلقی" اقصاء کرده است. بنابراین اتحاد با ضدخلق نمی تواند مطرح باشد.

ز- منظور از همکاری و اتحاد با دیگران در مبارزات زود گذر و یا طولانی، نشستن با آنان و دادن طرح مبارزه مشترک و شعارهای مشترک است. در غیر این صورت یعنی در حالتی که کنفدراسیون خود شعارهای مبارزه و چارچوب آنها تعیین می کند و اعلام مبارزه می کند طبیعی است که هر سازمانی می تواند در تحت شعارهای کنفدراسیون و با پرچم خود شرکت کند.

ح- سازمان های توده ای از تعاریف بالا مستثنی هستند، حتی اگر رهبری آن در دست ارتجاعیون باشد می توان به هر حال با آنان همکاری نمود. در واقع آنان چنانچه سازمان های زردی باشند از آنجاکه علی الاصول سازمانی توده ای هستند و ماهیتا قابل مقایسه با سازمان های طرفدار امپریالیستی نیستند جزو متحدان موقت کنفدراسیون و چنانچه سازمان های توده ای مترقی باشند از متحدان دائم و پی گیر کنفدراسیون هستند.

ط- شعارهای کنفدراسیون شعارهای عام دموکراتیک هستند. بنابراین سازمان های سیاسی مختلف می توانند تا آنجا که این شعارها با سیاست آنان تضادی ندارد بر محور آن با کنفدراسیون همکاری کنند. به خاطر جلب این یا آن سازمان سیاسی، بالا بردن سطح شعارها و در نتیجه تخفیف دادن به اثر توده ای آن به صلاح کنفدراسیون نیست. با اینگونه سازمان های سیاسی دوست می توان صحبت کرد و آنها را قانع نمود که کنار کشیدن از مبارزه دموکراتیک باعث تقویت ارتجاع و سازشکاران می گردد.

ی- در حالاتی که شرکت هر چه وسیع تر توده های مردم در مبارزات و تظاهرات شرط اساسی موفقیت مبارزه است می توان از بعضی شعارها به صورت تاکتیکی خودداری نمود. در غیر این صورت طفره رفتن از دادن شعارهای ضروری به عناوین مختلف - مثلا به خاطر نرنجیدن این یا آن گروه و یا سازمان سیاسی - عملیست نادرست.

"...."

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (متحدان دراز مدت و کوتاه مدت)

بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان‌های سیاسی خارجی

بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان‌های سیاسی خارجی:

نکاتی چند درباره چگونگی ائتلاف در تظاهرات با نیروهای دیگر

- ۱- سازمان توفان میتواند با نیروهای دموکراتیک بر سر سازماندهی مشترک تظاهرات دموکراتیک توافق کند. در این صورت باید بهترین با شعارهای مشترک به جای مورد توافق قرار گرفته است وارد تظاهرات شوند و سخن رانیها قبل بر اساس شعارهای مشترک تنظیم شده باشد.
- ۲- سازمان توفان میتواند با نیروهایی که ماهیتا دموکراتیک نیستند ولی موقعا در اپوزیسیون فعال قرار گرفته اند در شرایط معینی و با سنجش دقیق چگونگی بهره برداری از تضادهای اردوگاه دشمن بر سر شعارهای مشخصی برای سازماندهی مشترک تظاهرات بموافقت برسد. البته این مورد از موارد بسیار دقیق است و احتیاج به بررسی کامل و همه جانبه دارد. زیرا که در غیر اینصورت ممکن است آلودگی سازمان ما و سوء استفاده ارتجاع منجر گردد شود. ولی در هر صورت نمیتوان امکان اتفاق آنرا اساسی کرد.
- ۳- هرگاه احزاب و سازمانهای روزیونیستی ترسکیستی و سایر سازمانهایی که پندام سازمانهای کارگری و مارکسیستی به خیانت به مارکسیسم-لنینیسم مشغول اند تظاهراتی ترتیب دهند سازمان توفان با توجه بکلیه شرایط در صورت لزوم بقصد افشا آنها با شعارهای خود بمیدان خواهد آمد.
- ۴- سازمان توفان پیوسته خواهد نوشتید که سازمانهای دموکراتیک را بنا بر منافع جنبش ملی و دموکراتیک ایران از نزدیکی و همثاری با روزیونیستها و سایر احزاب و گروههای مرتد و اپورتونیست بر حذر بدارد. ولی هرگاه علی رغم توصیه ها و تبلیغات روشنکر او برخی از سازمانهای دموکراتیک روزیونیستها و یا سایر احزاب و گروههای مرتد و اپورتونیست را در تظاهرات خود شرکت دهند در آنصورت شرکت سازمان توفان در چنین تظاهراتی وابسته به سنجیدن کلیه شرایط مختلف و تشخیص مصالح انقلابی خواهد بود.
- ۵- از آنجا که نکات چهارگانه فوق متضمن منافع عموم نیست و نه فقط سازمان توفان میباشد سازمان ما خواهد نوشتید که نکات مذکور در سازمانهای توده‌ای نیز بموقع عمل گذاشته شود. بدیهی است که چون این سازمانها خود پیرو ایدئولوژی معینی نیستند و از طرف دیگر شیوه کار و ادراک سازمانها شیوه فعالیت از طریق تشکیلاتی خود آنها و توسل به جهت و اقتاع میباشد بعمل گذاشتن نکات فوق مسلما بادشواریهای بسیار روبرو خواهد شد و چه بسا که در مواردی تحقق پذیر نباشد ولی متشی سازمان ما طبق نکات فوق روشن و مشخص است و جهت فعالیت رفقای سازمانی ما را بخوبی نشان میدهد.

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم
 مندرج در بخش: (متحدان دراز مدت و کوتاه مدت)
 بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان‌های سیاسی خارجی

"بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان‌های سیاسی خارجی:

نکاتی چند در باره چگونگی ائتلاف در تظاهرات با نیروهای دیگر

۱- سازمان توفان می‌تواند با نیروهای دموکراتیک بر سر سازمان‌دهی مشترک تظاهرات دموکراتیک توافق کند. در این صورت باید، طرفین با شعارهای مشترکی که قبلاً مورد توافق قرار گرفته است وارد تظاهرات شوند و سخنرانی‌ها قبلاً بر اساس شعارهای مشترک تنظیم شده باشد.

۲- سازمان توفان می‌تواند با نیروهایی که ماهیتاً دموکراتیک نیستند ولی موقتاً در اپوزیسیون فعال قرار گرفته‌اند در شرایط معینی و با سنجش دقیق چگونگی بهره‌برداری از تضادهای اردوگاه دشمن برسر شعارهای مشخصی برای سازمان‌دهی مشترک تظاهرات به موافقت برسد. البته این مورد از موارد بسیار دقیق است و احتیاج به بررسی کامل و همه‌جانبه دارد، زیرا که در غیر این صورت ممکن است به آلودگی سازمان ما و سوءاستفاده ارتجاع منجر شود. ولی در هر صورت نمی‌توان امکان اتفاق آنرا اساساً نفی کرد.

۳- هرگاه احزاب و سازمان‌های روزیونیستی، ترسکیستی و سایر سازمان‌هایی که به نام سازمان‌های کارگری و مارکسیستی به خیانت به مارکسیسم-لنینیسم مشغول‌اند تظاهراتی ترتیب دهند سازمان توفان با توجه به کلیه شرایط در صورت لزوم به قصد افشاء آنها با شعارهای خود به میدان خواهد آمد.

۴- سازمان توفان پیوسته خواهد کوشید که سازمان‌های دموکراتیک را بنا بر منافع جنبش ملی و دموکراتیک ایران از نزدیکی و همکاری با روزیونیست‌ها و سایر احزاب و گروه‌های مرتد و اپورتونیست برحذر بدارد. ولی هرگاه علی‌رغم توصیه‌ها و تبلیغات، روشنگر او برخی از سازمان‌های دموکراتیک روزیونیست‌ها و یا سایر احزاب و گروه‌های مرتد و اپورتونیست را در تظاهرات خود شرکت دهند در آن صورت شرکت سازمان توفان در چنین تظاهراتی وابسته به سنجیدن کلیه شرایط مختلف و تشخیص مصالح انقلابی خواهد بود.

۵- از آنجا که نکات چهارگانه فوق متضمن منافع عموم نهضت و نه فقط سازمان توفان می‌باشد سازمان ما خواهد کوشید که نکات مذکور در سازمان‌های توده‌ای نیز به موقع عمل گذاشته شود. بدیهی است که چون این سازمان‌ها خود پیرو ایدئولوژی معینی نیستند و از طرف دیگر شیوه کار ما در این سازمان‌ها شیوه فعالیت از طریق تشکیلاتی خود آنها و توسل به بحث و اقناع می‌باشد به عمل گذاشتن نکات فوق مسلماً با دشواری‌های بسیار روبرو خواهد شد و چه بسا که در مواردی تحقق پذیر نباشد. ولی مشی سازمان ما طبق نکات فوق روشن و مشخص است و جهت فعالیت رفقای سازمانی ما را به خوبی نشان می‌دهد."

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)

۲۳ نوامبر ۱۹۷۵ سازمان گرونیول

فات
نظریات متناقض اختلافات بیرونی کفدراسیون و درک‌های متفاوت از اساسی‌ترین اصول آن و نظریات این اختلافات سازمان و فعالان آنرا به‌مرکز کشنده/مالاژم میدانیم برای دقیق نمودن مواضع خود و حفظ دستاوردهای مرفی‌گشته کفدراسیون جهانی نکات زیر را یادآوری نمودیم و قبول بدون قید و شرط آنها را برای همکاری و مبارزه مشترک در درجه اول اهمیت قرار دهیم .

از یک دیدگاه مبارز و مرفی، نکات زیر شامل حداقل زمینه لازم برای مبارزه قاطع مشترک علیه رژیم خودکامه و فاشیستی شاه و دفاع از مبارزات و مبارزین خلق زحمتکش ما می‌باشد :

۱/ سرنگونی - جنبش مردم ایران و ترتیبیت از آن جنبش دانشجویی بخاطر سرنگونی حکومت مطلقه پهلوی/ پایان دادن به سلطه طبقات ارتجاعی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و ایجاد جامعه مستقل و استقرار دموکراسی و آزادی به نفع مردم ایران و بویژه نفع توده‌های طبقاتی زحمتکش مبارزه می‌نماید . لذا شعار سرنگونی بایستی در تمام آکسیونهای دفاعی سازمان بدون هیچ قید و شرطی آورده شده و منی سرنگونی تبلیغ گردد .

۲/ دفاع بی‌قید و شرط از مبارزات خلق - سازمان ماکه سازمانی دموکراتیک و توده‌ایست بعنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ما موظف است از کلیه مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی طبقات و اقشار مختلف کارگران/ دهقانان/ روشنفکران و روحانیون مرفی/ کسبه و سایر اقشار خلق و سازمانهای رزمنده انقلابی خلق ما از جمله "سازمان چریکهای فدائی خلق" و "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدون هیچگونه قید و شرطی دفاع نماید .

۳/ عمان - از آنجاییکه خلق برادر ما خلق عمان بوسیله رژیم فاشیستی ایران مورد تجاوز قرار گرفته و نیروهای مزدور ایرانی مستقیماً در قتل و کشتار میهن پرستان عمان دخالت دارند/ گذشته از وظیفه انترناسیونالیستی ما/ وظیفه ملی و میهنی ماست که از جنبه آزاد بخش خلق عمان با تمام نیرو و بدون هیچگونه قید و شرطی دفاع نمودیم و برای خروج نیروهای مزدور رژیم فاشیستی شاه از عمان مبارزه نموده و نقش شاه را بعنوان زاندارم امپریالیسم آمریکا در این منطقه افشا نمائیم .

۴/ دفاع از زندانیان سیاسی - با توجه به اهمیت توده‌ای و دموکراتیک آن/ سازمان ما موظف است از کلیه مبارزین در بند/ از هر طبقه و قشر که بخاطر مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی گرفتار رژیم فاشیستی محمد رضا شاه گردیده‌اند/ بدون توجه به عقاید سیاسی و وابستگیهای ایدئولوژیکی آنها دفاع نموده و برای آزادی آنها از چنگال رژیم خونخوار پهلوی مبارزه نماید .

۵/ سازمان ما موظف است بر اساس مصوبات کنگره‌های کفدراسیون نسبت به افشای سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی دولت شوروی که در رقابت و همکاری با امپریالیسم آمریکا و منظور سیادت طلبی جهانی اعمال میگردد و هم چنین افشای ماهیت ضد خلقی/ تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه دارودسته کمیته مرکزی عمل نماید .

۶/ روابط و همکاری با سازمانهای مرفی و ضد امپریالیستی - سازمان ما موظف است در روابط بین‌المللی خود/ با حفظ و دفاع از مواضع کفدراسیون و در کادر مصوبات کنگره‌های آن/ با سازمانهای پیشرو و ضد امپریالیستی همکاری نماید .

۷/ سازمان ما مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز" در شناسایی باصطلاح "سیاست مستقل وطنی" رژیم وابسته با امپریالیسم شاه را محکوم کرده و افشای این مواضع ارتجاعی را در سطح افکار عمومی مرفی از وظایف خود می‌شمارد .

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)

بخشنامه داخلی توفان در مورد همکاری با سازمان‌های سیاسی خارجی

"نظریه تشدید اختلافات درونی کنفدراسیون و درک‌های متفاوت از اساسی‌ترین اصول آن و نظر به اینکه این اختلافات سازمان‌ها و فعالیت‌های آنرا به رکود کشانده، ما لازم می‌دانیم برای دقیق نمودن مواضع خود و حفظ دست‌آوردهای مرفقی گذشته کنفدراسیون جهانی نکات زیر را یاد آوری نموده و قبول بدون قید و شرط آنها را برای همکاری و مبارزه مشترک در درجه اول اهمیت قرار دهیم. از یک دیدگاه مبارز و مرفقی، نکات زیر شامل حداقل زمینه لازم برای مبارزه قاطع مشترک علیه رژیم خودکامه و فاشیستی شاه و دفاع از مبارزات و مبارزین خلق زحمتکش ما می‌باشد:

۱- سرنگونی - جنبش مردم ایران و در تبعیت از آن جنبش دانشجویی به خاطر سرنگونی حکومت مطلقه پهلوی، پایان دادن به سلطه طبقات ارتجاعی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و ایجاد جامعه‌ای مستقل و استقرار دموکراسی و آزادی به نفع مردم ایران و به ویژه به نفع توده‌های میلیونی زحمتکشان مبارزه می‌نماید. لذا شعار سرنگونی بایستی در تمام اکسیون‌های دفاعی سازمان بدون هیچ قید و شرطی آورده شده و مشی سرنگونی تبلیغ گردد.

۲- دفاع بی قید و شرط از مبارزات خلق - سازمان ما که سازمانی دموکراتیک و توده‌ای است به عنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضدامپریالیستی خلق ما موظف است از کلیه مبارزات دموکراتیک و ضدامپریالیستی طبقات و اقشار مختلف کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانیون مرفقی، کسبه و سایر اقشار خلقی و سازمان‌های رزمنده انقلابی خلق ما از جمله "سازمان چریک‌های فدایی خلق" و "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدون هیچ گونه قید و شرطی دفاع نماید.

۳- عمان - از آنجائی که خلق برادر ما خلق عمان به وسیله رژیم فاشیستی ایران مورد تجاوز قرار گرفته و نیروهای مزدور ایرانی مستقیماً در قتل و کشتار میهن‌پرستان عمان دخالت دارند، گذشته از وظیفه انترناسیونالیستی ما، وظیفه ملی و میهنی ماست که از جبهه آزادی‌بخش خلق عمان با تمام نیرو و بدون هیچ قید و شرطی دفاع نموده و برای خروج نیروهای مزدور رژیم فاشیستی شاه از عمان مبارزه نموده و نقش شاه را به عنوان ژاندارم امپریالیسم آمریکا در این منطقه افشاء نمائیم.

۴- دفاع از زندانیان سیاسی - با توجه به ماهیت توده‌ای و دموکراتیک آن، سازمان ما موظف است از کلیه مبارزین دربند، از هر طبقه و قشر که به خاطر مبارزات دموکراتیک و ضدامپریالیستی گرفتار دژخیمان رژیم فاشیستی محمد رضا شاه گردیده‌اند، بدون توجه به عقاید سیاسی و وابستگی‌های ایدئولوژیکی آنها دفاع نموده و برای آزادی آنها از چنگال رژیم خونخوار پهلوی مبارزه نماید.

۵- سازمان ما موظف است بر اساس مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون نسبت به افشای سیاست ضدخلق و ضدانقلابی شوروی که در رقابت و همکاری با امپریالیسم آمریکا و به منظور سیادت‌طلبی جهانی اعمال می‌گردد و هم چنین افشای ماهیت ضدخلق، تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه دارودسته کمیته مرکزی عمل نماید.

۶- روابط و همکاری با سازمان‌های مرفقی و ضدامپریالیستی - سازمان ما موظف است در روابط بین‌المللی خود، با حفظ و دفاع از مواضع کنفدراسیون و در کادر مصوبات کنگره‌های آن، با سازمان‌های پیشرو و ضدامپریالیستی همکاری نماید.

۷- سازمان ما و مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روژ" - در شناسائی به اصطلاح "سیاست مستقل و ملی" رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را محکوم کرده و افشای این مواضع ارتجاعی را در سطح افکار عمومی مرفقی از وظایف خود می‌شمارد.

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)

سخنی چند در باره‌ی روش کنونی کنفدراسیون دانشجویان

سخنی چند در باره‌ی روش کنونی کنفدراسیون دانشجویان

هیئت نمایندگی کنفدراسیون در کنگره‌ی اخیر اتحادیه دانشجویان فلسطینی طی سخنرانی مهسوط خود سعی نمود نظریات ضد شوروی خود را به کنگره به خلق فلسطین تحمیل کند. پس از اینکه این موضعگیری تحریک آمیز و تفرقه اندازنده^۱ مورد مخالفت شدید نمایندگان و میهمانان کنگره قرار و این مخالفت در اعتراض رهبر کنگره به سخنرانی هیئت نمایندگی کنفدراسیون انعکاس یافت، هیئت نمایندگی کنفدراسیون که بکلی منفرد شده بود با تنها متحد خود هیئت نمایندگی دانشجویان آلبانی کنگره را ترک کرد و به این ترتیب باز هم قدمی تازه در راه منفرد ساختن سازمان دانشجویان ایرانی برداشت، این آقایان به این هم اکتفا نکرده طی نامهای خروج خود را از کنگره‌ی دانشجویان فلسطینی موجه اعلام کردند و عدم پشتیبانی خود را از کنگره که پیوند انقلابی جنبش فلسطین و شوروی را تأکید کرده بود بیان داشته و اظهار عقیده کردند که کنگره "سیاست اپورتونیستی" در پییر گرفته است، خلق فلسطین در مورد سیاست شوروی در بار "تصورات واهی" شده است و فرمان میدهد که خلق فلسطین بین آنهائیکه در حرف و آنهائیکه در عمل جنبش فلسطین کمک میکنند خط فاصل بکشد. گویا این آقایان بهتر از خود مبارزان فلسطینی میتوانند دوستان و دشمنان خود را تشخیص دهند.

هشدار مجدد به دانشجویان عضو کنفدراسیون

مذتبیست که رهبری کنفدراسیون میکوشد تا علیرغم مصوبات کنگره های کنفدراسیون و علیرغم ضروریات ناشی از ماهیت یک سازمان ملی دانشجویانی که مرکز تجمع همه نیروهای مرفقی دانشجویان صرفنظر از تمایلات سیاسی آزاد است، نظریات سیاسی تفرقه بیوانه خود را به سازمان دانشجویان تحمیل کند. در این راه نه تنها در زمینه کار میان دانشجویان ایرانی و سیاست عمومی ایران بلکه حتی در سطح بین المللی به موضعگیری های پوپرانه و عاده جویانه دست زد که در جهت منفرد کردن و تلاش کنفدراسیون در میان دانشجویان ایرانی و در سازمانهای بین المللی دانشجویی است مثلاً همه میدانند که هیئت نمایندگی کنفدراسیون قبل از شرکت در کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویی در سامبر سال ۱۹۷۰ در برزیل (چکسلواکی) شایع نموده بود که برای تلاش کنگره "سازمان بوروکراتیک اتحادیه بین المللی" به برزیل میروند.

امروزه دیگر نمایندگان گروه رهبری کنفدراسیون در کنگره های دانشجویی فقط با این هدف شرکت میکنند که سیاست سنتی ضد شوروی خود را اعمال کرده و در بین اعضای اتحادیه بین المللی دانشجویی ایجاد تفرقه نمایند. جدیدترین نمونه این روش تحریک آمیز گروه رهبری کنفدراسیون موضعگیری تفرقه اندازنده آنها در کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطینی است. از آقایان سؤال میشود کدام کنگره کنفدراسیون چنین حقی برای شما قائل شده که در مراجع بین المللی وارد بحثهای ایدئولوژیکی شوید که بر مبنای آن در سخنرانی خود راجع به "و نقطه نظر کاملاً متضاد یعنی نظریه رویزیونیستی مدرن و انتی رویزیونیستی-سختی رویزیونیستی و شی انقلابی" وارد بحث و تحلیل شده‌اید؟ ... آیا این سوء استفاده از تریبون کنفدراسیون برای پیشبرد سیاست غاصر ضد شوروی نیست؟ آیا تأیید نمایندگان اتحادیه دانشجویان فلسطینی از وجود پیوند انقلابی بین جنبش فلسطین و شوروی کافی نبود تا

هیئت نمایندگی کفدراسیون به نادرستی نظریات خود درباره‌ی اتحاد شوروی و رابطه‌ی آن با جنبش فلسطین می‌پرسد: آیا این آقایان نمی‌بینند که نه فقط دانشجویان فلسطینی که سرزمین آنها هم اکنون در زیر آتش جنگ میسوزد بلکه تمام خلقهای درین دراز بند رسته‌ی جهان نظیر ویتنام، کره، کوبا و غیره متهم است که بحکم تاریخ، و نه به دستور اعضای هیئت نمایندگی کفدراسیون، بین دوستان و دشمنان خط فاصل کشیده‌اند و بدروستی اولین و قدرتمندترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد شوروی، را پشتیبان خود تشغیر داده‌اند. آیا نمی‌بینند که سیاست ضد شوروی از طرف خلقهای ضد امپریالیست هر روز باور بارزتر و وسیعتر محکوم، و طراحان این سیاست در صحنه بین‌المللی منفرد و مایه‌وار میشوند.

یافتاری نمایندگان کفدراسیون بر روی صحنه‌ی ضد شوروی کوششی است در جهت منفرد کردن کفدراسیون در جنبش بین‌المللی ضد امپریالیستی دانشجوئی و خنجرری است که از پشت به مجموعه‌ی جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران وارد می‌آید. خلقهای کشورها که در شرایط خفقان و استبداد مبارزه میکنند بیش از هر زمان به دوستی و همکاری سایر خلقهای جهان و بیش از همه به دوستی و پشتیبانی بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی جهان اتحاد شوروی احتیاج دارند. این روش گروه رهبری کفدراسیون جز تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع و در نتیجه بطور عینی تقویت مواضع امپریالیستی و ارتجاعی در کشورها حاصلی ندارد. این وظیفه‌ی تاریخی مجموعه‌ی اعضای کفدراسیون است که سازمان ملی دانشجوئی خود را از این گمراهی خطرناک نجات دهند و با برگرداندن آن براه صحیح و منطقی مبارزه‌ی یک سازمان صحنه‌ی دموکراتیک راه اعتدالی مجدداً آنرا باز کنند و آنرا به عامل مؤثری در مبارزه برای هدفهای دموکراتیک میهنی ما مبدل سازند.

باشد که اتحاد همه‌ی دانشجویان ایرانی ضد امپریالیست و ضد ارتجاع روز بروز بیشتر و همبستگی با دانشجویان مبارز فلسطینی و همه‌ی خلق فلسطین که بر علیه اشغال سرزمین خود از طرف بیگانه مبارزه میکنند، محکم‌تر گردد.

یکی از اعضای سازمان دانشجوئی — برلن غربی

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)
سختی چند در باره‌ی روش کنونی کنفدراسیون دانشجویان

سختی چند در باره‌ی روش کنونی کنفدراسیون دانشجویان

"هئیت نمایندگی کنفدراسیون در کنگره‌ی اخیر اتحادیه دانشجویان فلسطین طی سخن‌رانی مبسوط خود سعی نمود نظریات ضدشوروی خود را به کنگره‌ی خلق فلسطین تحمیل کند. پس از اینکه این موضع‌گیری تحریک‌آمیز و تفرقه‌اندازانه مورد مخالفت شدید نمایندگان و میهمانان کنگره قرار گرفت و این مخالفت در اعتراض رئیس کنگره به سخن‌رانی هئیت نمایندگی کنفدراسیون انعکاس یافت، هئیت نمایندگی کنفدراسیون که به کلی منفرد شده بود با تنها متحد خود هئیت نمایندگی دانشجویان آلبانی کنگره را ترک کرد و به این ترتیب بازهم قدمی تازه در راه منفرد ساختن سازمان دانشجویان ایرانی برداشت، این آقایان به این هم اکتفا نکرده طی نامه‌ای خروج خود را از کنگره‌ی دانشجویان فلسطین موجه اعلام کردند و عدم پشتیبانی خود را از کنگره که پیوند انقلابی جنبش فلسطین و شوروی را تأکید کرده بود بیان داشته و اظهار عقیده کردند که کنگره "سیاست اپورتونیستی" در پیش گرفته است. خلق فلسطین در مورد سیاست شوروی دچار "تصورات واهی" شده است و فرمان می‌دهد که خلق فلسطین بین آنهایی که در حرف و آنهایی که در عمل به جنبش فلسطین کمک می‌کنند خط فاصل بکشد. گویا این آقایان بهتر از خود مبارزان فلسطینی می‌توانند دوستان و دشمنان خود را تشخیص دهند.

هشدار مجدد به دانشجویان عضو کنفدراسیون

مدتیست که رهبری کنفدراسیون می‌کوشد تا علی‌رغم مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون و علی‌رغم ضروریات ناشی از ماهیت یک سازمان ملی دانشجویی که مرکز تجمع همه‌ی نیروهای مترقی دانشجویان صرف‌نظر از تمایلات سیاسی آنانست، نظریات سیاسی تفرقه‌جویانه خود را به سازمان دانشجویان تحمیل کند. در این راه نه تنها در زمینه‌ی کار میان دانشجویان ایرانی و سیاست عمومی ایران بلکه حتی در سطح بین‌المللی به موضع‌گیری‌های چپ‌روانه و حادثه‌جویانه دست زده که در جهت منفرد کردن و تلاشی کنفدراسیون در میان دانشجویان ایرانی و در سازمان‌های بین‌المللی دانشجویی است مثلاً همه می‌دانند که هئیت نمایندگی کنفدراسیون قبل از شرکت در کنگره‌ی اتحادیه‌ی بین‌المللی دانشجویی در دسامبر سال ۱۹۷۰ در براتیسلاوا (چکسلواکی)، شایع نموده بود که برای تلاشی کنگره‌ی "سازمان بوروکراتیک اتحادیه‌ی بین‌المللی" به براتیسلاوا می‌رود. امروزه دیگر نمایندگان گروه رهبری کنفدراسیون در کنگره‌های دانشجویی فقط با این هدف شرکت می‌کنند که سیاست سنتی ضدشوروی خود را اعمال کرده و در بین اعضای اتحادیه‌ی بین‌المللی دانشجویی ایجاد تفرقه نمایند. جدیدترین نمونه‌ی این روش تحریک‌آمیز گروه رهبری کنفدراسیون موضع‌گیری نمایندگان آنها در کنگره‌ی اتحادیه‌ی دانشجویان فلسطینی است. از آقایان سؤال می‌شود کدام کنگره‌ی کنفدراسیون چنین حقی برای شما قائل شده که در مراجع بین‌المللی وارد بحث‌های ایدئولوژیک شوید که بر مبنای آن در سخن‌رانی خود راجع به "دو نقطه نظر کاملاً متضاد یعنی نظریه‌ی رویزیونیستی مدرن و آنتی‌رویزیونیستی - مشی رویزیونیستی و مشی انقلابی" وارد بحث و تحلیل شده‌اید؟ آیا این سوءاستفاده از تریبون کنفدراسیون برای پیشبرد سیاست خاص ضدشوروی نیست؟ آیا تأیید نمایندگان اتحادیه‌ی دانشجویان فلسطینی از وجود پیوند انقلابی بین جنبش فلسطین و شوروی کافی نبود تا هئیت نمایندگی کنفدراسیون به نادرستی نظریات خود در باره‌ی اتحاد شوروی و رابطه‌ی آن با جنبش فلسطین پی‌ببرد؟ آیا این آقایان... که نه فقط دانشجویان فلسطینی که سرزمین آنها هم اکنون در زیر آتش جنگ می‌سوزد بلکه تمام خلق‌های در بند [ناخوانا] و از بندرسته‌ی جهان نظیر ویتنام، کره، کوبا و غیره مدت‌هاست که به حکم تاریخ، و نه به دستور اعضای هئیت نمایندگی کنفدراسیون، بین دوستان و دشمنان خط فاصل کشیده‌اند و به درستی اولین و قدرتمندترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد شوروی، را پشتیبان خود تشخیص داده‌اند. آیا نمی‌بینند که سیاست ضدشوروی از طرف خلق‌های ضدامپریالیست هر روز به طور بارزتر و وسیع‌تر محکوم، و طراحان این سیاست در صحنه‌ی بین‌المللی منفرد و مطرود می‌شوند.

پافشاری نمایندگان کنفدراسیون بر روی مشی ضدشوروی کوششی است در جهت منفرد کردن کنفدراسیون در جنبش بین‌المللی ضدامپریالیستی دانشجویی و خنجری است که از پشت به مجموعه‌ی جنبش ضدامپریالیستی خلق‌های ایران وارد می‌آید. خلق‌های کشورما که در شرایط خفقان و استبداد مبارزه می‌کنند بیش از هر زمان به دوستی و همکاری سایر خلق‌های

جهان و بیش از همه به دوستی و پشتیبانی بزرگ‌ترین نیروی ضدامپریالیستی جهان اتحاد شوروی احتیاج دارند. این روش گروه رهبری کنفدراسیون جز تضعیف نیروهای ضدامپریالیستی و ضدارتجاع و در نتیجه به طور عینی تقویت مواضع امپریالیستی و ارتجاعی در کشور ما حاصلی ندارد. این وظیفه‌ی تاریخی مجموعه‌ی اعضای کنفدراسیون است که سازمان ملی دانشجویی خود را از این گمراهی خطرناک نجات دهند و با برگرداندن آن به راه صحیح و منطقی مبارزه‌ی یک سازمان صنفی دموکراتیک راه اعتلای مجدد آنرا باز کنند و آنرا به عامل موثری در مبارزه برای هدف‌های دموکراتیک میهنی ما مبدل سازند. باشد که اتحاد همه‌ی دانشجویان ایرانی ضدامپریالیست و ضدارتجاع روز به روز بیش‌تر و همبستگی با دانشجویان مبارز فلسطینی و همه‌ی خلق فلسطین که بر علیه اشغال سرزمین خود از طرف بیگانه مبارزه می‌کنند، محکم‌تر گردد. یکی از اعضای سازمان دانشجویی - برلن غربی "

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش)

اطلاعیه کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین

اطلاعیه کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین (G.U.P.S.) در باره مواضع هیئت نمایندگی کنفدراسیون نسبت به «اتحادیه دانشجویان فلسطین» انقلاب فلسطین و مواضع اتحاد شوروی نسبت به آن»

بطوریکه اطلاع یافتیم ، بنا بدعوت کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین از کنفدراسیون دانشجویان ایرانی ، هیئت نمایندگی از طرف کنفدراسیون باین کنگره اعزام و در آن شرکت کرد . هیئت نمایندگی کنفدراسیون علیرغم کلیه مصوبات کنگره های کنفدراسیون دست به موضع گیری های در مورد مسائل جهانی زد که باعث بروز اختلال در کنگره و خروج هیئت نمایندگی کنفدراسیون شد .

ما برای اطلاع توده های دانشجویان از آنچه عده ای در پس پرده بنام کنفدراسیون انجام میدهند مبادرت به نشر هر دو اعلامیه ، اعلامیه هیئت نمایندگی کنفدراسیون و اعلامیه اتحادیه دانشجویان فلسطین نمودیم . وظیفه دانشجویان عضو کنفدراسیون است که با اعتراض خود باینگونه موضع گیری های نادرست ، از منفرد شدن کنفدراسیون در مجامع بین المللی دانشجویی جلوگیری کنند .

هیئت نمایندگی دانشجویان ایرانی اعلامیه ای پخش کرده که در آن پیشنهاد میخورد اتحادیه دانشجویان فلسطین باید چه برخوردی نسبت به مسائل مختلف از جمله انقلاب فلسطین داشته باشد . این اعلامیه طوری ترمولسه شده که ابتدا اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین و انقلاب فلسطین را متهم به اپورتونیزم و سازش کرده و سپس به موضع اتحاد شوروی برخورد میکند که هیئت نمایندگی ایران آنها بر علیه منافع انقلاب ما میدانند . با توجه باین اعلامیه که در کنگره ما پخش شد کمیته اجرائیه اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین تاءکید میکند که :

- ۱- از هیئتهای نمایندگی دوست و آنهاشیکه از مبارزه مردم ما پشتیبانی کرده و دشمنان ما را محکوم میکنند استقبال نموده و تاءکید میکنیم که اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین به تنها سیاست عمومی خود را تعیین میکند و تمام مواضع اصلی ما نتیجه ارزیابی علمی و انقلابی و عینی بفتح انقلاب فلسطین و پیشبرد هدفهای آنست . البته این دلیل آن نیست که پیشنهاد دوستان ما مورد مطالعه قرار نگیرد بشرط آنکه این توهم برای کسی پیش نیاید که اتحادیه دانشجویان فلسطین و کنگره آن بکسی اجازه خواهد داد تا آنها تبدیل به میدان برخوردهای ایدئولوژیک و سیاسی گشته میتواند باعث منحرف شدن مبارزه ما در شرائط سخت امروز شود نماید .

۲- ما تاءکید میکنیم که انقلاب فلسطین مثل هر انقلاب واقعی نمیخواهد باعث ادامهء انشعاب در اردوگاه سوسیالیستی و تفرقه بین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری شود ، بر عکس انقلاب ما مثل انقلاب کبیر خلق ویتنام و خلفهای هندوچین باید تبدیل به یک مرکز همکاری و جمع آوری و نظم دادن همهء نیروهای ضد امپریالیست ، صرفنظر از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک شود . با اعتقاد باین مسئله برای خود حق انتخاب راه مستقل در مورد اختلاف دیون اردوگاه ضد امپریالیستی تائل بوده و تاءکید میکنیم که ما نیز مانند کلیهء مبارزین دنیای سوم ، کوشش خود را در جهت همبستگی و اتحاد کلیهء نیروهای ضد امپریالیست بکار برده و نمیخواهیم عامل ادامهء تفرقه و برخوردهای شدید و غیر اصولی ، که فقط برفع دشمنان انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استعماری ما و خلقهای دیگر است باشیم .

۳- کمیتهء اجرائیهء اتحادیهء دانشجویان فلسطین برای روشن شدن مسئلهء تاءکید میکند که ادعای هیئت نمایندگی ایران مبنی بر اینکه ما مواضع بیطرف اتخاذ میکنیم بهیچوجه درست نیست . ما در بسیاری از موارد با یوزیسیون یکی از طرفین اردوگاه ضد امپریالیستی وحدت نظر داشته ایم ولی اتفاق نظر ما بر سر یک مسئلهء مشخص با یک طرف بمعنی قرار گرفتن در مقابل طرف دیگر و مخالفت با آن نیست و این مواضع ما در شرایط موجود از موضعگیری مستقل و عینی انقلاب فلسطین بمسائل مختلف سرچشمه میگردد .

۴- ما معتقدیم که این استقلال عمل ما در شرایط کنونی مبارزهء دقیقاً لازم است تا انقلاب فلسطین از اثرات منفی و برخوردهای ایدئولوژیک دیون اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه ضد امپریالیسم دور مانده و همچنان از اثرات مثبت و کمکهای مختلف این اردوگاه در پشتیبانی از مبارزهء مردم فلسطین و خلقهای عرب علیه صیونیسم ، امپریالیسم امریکا و نوکران محلیش برخوردار باشد .

۵- کمیتهء اجرائیهء اتحادیهء دانشجویان فلسطین ، ضمن احترام بعقاید تمام پشتیبانان مبارزهء ما و شرکت کنندگان در این کنگره تقاضا دارد که انتظار موفقیت در مجبور کردن ما به گرفتن تصمیماتی که با مشی و ارزیابی ما (که ناشی از مطالعهء واقع بینانه است) مفایرت دارد نداشته باشند .

در خاتمه امیدواریم که این اعلامیه در پایان بخشیدن به بحثهای بی ثمری که ما را از مسائل مبهم و ضروری مبارزه منحرف میکند کمک نماید . برای مطالعهء مسائل بفرنجی که امروز مورد اختلاف هستند احتیاج به محیط بدون تنگ نظری و دور از هر نوع سکتاریسم است . از همهء هیئتهای نمایندگی تقاضا داریم در بوجود آوردن اتمسفری که برای بحث در سطح دمکراتیک و با کمال واقع بینی لازم است بما کمک نمایند تا کنگره بتواند برای تحقق هدفهای خود گامهای مؤثر بردارد .

کمیتهء اجرائیهء اتحادیهء دانشجویان

فلسطین

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)
اطلاعیه کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین

اطلاعیه کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین (G.U.P.S)

در باره مواضع هئیت‌نماینده کنفدراسیون نسبت به "اتحادیه دانشجویان فلسطین،

انقلاب فلسطین و مواضع اتحاد شوروی نسبت به آن"

به طوری که اطلاع یافتیم، بنا به دعوت کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین از کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، هئیت‌نماینده از طرف کنفدراسیون به این کنگره اعزام و در آن شرکت کرد. هئیت‌نماینده کنفدراسیون علیرغم کلیه مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون دست به موضع‌گیری‌هایی در مورد مسائل جهانی زد که باعث بروز اختلال در کنگره و خروج هئیت‌نماینده کنفدراسیون شد.

ما برای اطلاع توده‌های دانشجو از آنچه عده‌ای در پس پرده به نام کنفدراسیون انجام می‌دهند، مبادرت به نشر هر دو اعلامیه، اعلامیه هئیت‌نماینده کنفدراسیون و اعلامیه اتحادیه دانشجویان فلسطین نمودیم. وظیفه دانشجویان عضو کنفدراسیون است که با اعتراض خود به اینگونه موضع‌گیری‌های نادرست، از منفرد شدن کنفدراسیون در مجامع بین‌المللی دانشجویی جلوگیری کنند.

هئیت‌نماینده دانشجویان ایرانی اعلامیه‌ای پخش کرده که در آن پیشنهاد می‌شود اتحادیه دانشجویان فلسطین باید چه برخوردی نسبت به مسائل مختلف از جمله انقلاب فلسطین داشته باشد. این اعلامیه طوری فورموله شده که ابتدا اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین و انقلاب فلسطین را متهم به اپورتونیزم و سازش کرده و سپس به موضع اتحاد شوروی برخورد می‌کند که هئیت‌نماینده ایران آن را بر علیه منافع انقلاب ما می‌داند. با توجه به این اعلامیه که در کنگره ما پخش شد کمیته اجرائیه اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین تاکید می‌کند که:

۱- از هئیت‌های نمایندگی دوست و آلهائی که از مبارزه مردم ما پشتیبانی کرده و دشمنان ما را محکوم می‌کنند استقبال نموده و تاکید می‌کنیم که اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین به تنهایی سیاست عمومی خود را تعیین می‌کند و تمام مواضع اصلی ما نتیجه ارزیابی علمی و انقلابی و عینی به نفع انقلاب فلسطین و پیش‌برد هدف‌های آنست. البته این دلیل آن نیست که پیشنهاد دوستان ما مورد مطالعه قرار نگیرد، به شرط آنکه این توهم برای کسی پیش نیاید که اتحادیه دانشجویان فلسطین و کنگره آن به کسی اجازه خواهد داد تا آنرا تبدیل به میدان برخوردهای ایدئولوژیک و سیاسی که می‌تواند باعث منحرف شدن مبارزه ما در شرایط سخت امروز شود نماید.

۲- ما تاکید می‌کنیم که انقلاب فلسطین مثل هر انقلاب واقعی نمی‌خواهد باعث ادامه انشعاب در اردوگاه سوسیالیستی و تفرقه بین نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستعماری شود، برعکس انقلاب ما مثل انقلاب کبیر خلق ویتنام و خلق‌های هندوچین باید تبدیل به یک مرکز همکاری و جمع‌آوری و نظم دادن همه نیروهای ضدامپریالیست، صرف‌نظر از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک شود. با اعتقاد به این مسئله برای خود حق انتخاب راه مستقل در مورد اختلاف درون اردوگاه ضدامپریالیستی قائل بوده و تاکید می‌کنیم که ما نیز مانند کلیه مبارزین دنیای سوم، کوشش خود را در جهت همبستگی و اتحاد کلیه نیروهای ضدامپریالیست بکار برده و نمی‌خواهیم عامل ادامه تفرقه و برخوردهای شدید و غیراصولی، که فقط به نفع دشمنان انقلاب ضدامپریالیستی و ضداستعماری ما و خلق‌های دیگر است باشیم.

۳- کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین برای روشن شدن مسئله تاکید می‌کند که ادعای هئیت‌نماینده ایران مبنی بر اینکه ما مواضع بی‌طرف اتخاذ می‌کنیم به هیچوجه درست نیست. ما در بسیاری از موارد با اپوزیسیون یکی از طرفین اردوگاه ضدامپریالیستی وحدت نظر داشته‌ایم ولی اتفاق نظر ما بر سر یک مسئله مشخص با یک طرف به معنی قرارگرفتن در مقابل طرف دیگر و مخالفت با آن نیست و این مواضع ما در شرایط موجود از موضع‌گیری مستقل و عینی انقلاب فلسطین به مسائل مختلف سرچشمه می‌گیرد.

۴- ما معتقدیم که این استقلال عمل ما در شرایط کنونی مبارزه دقیقاً لازم است تا انقلاب فلسطین از اثرات منفی و برخورد‌های ایدئولوژیک درون اردوگاه ضدامپریالیسم دورمانده و همچنان از اثرات مثبت و کمک‌های مختلف این اردوگاه در پشتیبانی از مبارزه مردم فلسطین و خلق‌های عرب علیه صهیونیسم، امپریالیسم آمریکا و نوکران محلیش برخوردار باشد.

۵- کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان فلسطین، ضمن احترام به عقاید تمام پشتیبانان مبارزه ما و شرکت کنندگان در این کنگره تقاضا دارد که انتظار موفقیت در مجبورکردن ما به گرفتن تصمیماتی که با مشی و ارزیابی ما (که ناشی از مطالعه واقع‌بینانه است) مغایرت دارد نداشته باشند.

در خاتمه امیدواریم که این اعلامیه در پایان بخشیدن به بحث‌های بی‌ثمری که ما را از مسائل مبرم و ضروری مبارزه منحرف می‌کند کمک نماید. برای مطالعه مسائل بغرنجی که امروز مورد اختلاف هستند احتیاج به محیط بدون تنگ‌نظری و دور از هر نوع سکتاریسم است. از همه هیئت‌های نمایندگی تقاضا داریم در به وجود آوردن آتمسفری که برای بحث در سطح دمکراتیک و با کمال واقع‌بینی لازم است به ما کمک نمایند تا کنگره بتواند برای تحقق هدف‌های خود گام‌های موثر بردارد.

کمیته اجرائیه اتحادیه دانشجویان

فلسطین

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر" ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش)

اطلاعیه هیت نمایندگی کنفدراسیون در کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین

اطلاعیه هیئت نمایندگی کنفدراسیون در
کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین

دوستان عزیز

در طول جلسه دیروز کنگره حادثه ناگوار و غیر منصفانه ای بوتوج پیوست که ما را مجبور به ترک کنگره نمود. ما سعی خواهیم نمود در طول این نوشته دلائل خود را در این باره ارائه دهیم. در جلسه دیروز هنگامیکه ما به تحلیل در باره نقش ضد انقلابی شوروی در مبارزه خلیفهای خاورمیانه بخصوص در رابطه با جنبش آزادیبخش فلسطین پرداختیم رئیس کنگره ناگهان رشته سخن را بدست گرفت و اعلام کرد که نظریاتی که هیئتهای نمایندگی عنوان میکنند به پیچوجه الزاماً موافق نظریات اتحادیه دانشجویان فلسطین نیست. سپس رویزیونیستهای مرتد شوروی ما را مورد حمله قرار داده و بما تهمت ضد کمونیست زدند. در اینجا هم نه فقط هیچگونه اعتراضی از طرف ریاست کنگره بآنها نشد، بلکه برعکس رئیس کنگره در باره پیوند انقلابی بین جنبش فلسطین و شوروی داد سخن داد.

بنظر ما حادثه دیروز از آنجا ناشی شد که اتحادیه دانشجویان فلسطین سعی میکرد که دو نقطه حرکت کاملاً متفاوت یعنی نظریه رویزیونیستی مدرن و آنتی رویزیونیستی، مشی انقلابی و مشی ضد انقلابی را همطراز هم قرار دهد.

ما در طی صحبتمان موضع خود را نسبت به شوروی در رابطه با جنبش فلسطین و بخصوص هدف طرح پیشنهادی موسوم به طرح راجرز و ماهیت مدافصین این طرح روشن کردیم. موضع ما با مواضع تمام ارگانهای سیونیستی جنبش فلسطین مطابقت دارد با يك اختلاف که ما بجای برخورد سطحی به مسائل به تحلیل ماهیت طرح راجرز پرداختیم و هدف مدافصین آنرا تشریح کردیم و نقش شوروی را در این مورد نشان دادیم.

این ما نیستیم که شوروی را با امپریالیستها در يك سطح قرار داده ایم، بلکه این خود آنها هستند که بعنوان ارگانهای تودهای طرح راجرز خود را در سطح امپریالیستها قرار داده اند. بدون پشتیبانی شوروی از این طرح هیچ دولتی صرفنظر از درجه ارتجاعی بودنش نمیتوانست آنرا تاءید قرار دهد. ما متاهده میکنیم که در بین شما کسانی هستند که نقش دوگانه بازی میکنند. از یکطرف ابراز میکنند (این نظر درست هم هست) که طرح راجرز توطئه قدرتهای بزرگ برای از بین بردن جنبش فلسطین است. اما از طرف دیگر از شوروی که تمام قدرت سیاسی - اقتصادی و نظامی خود را برای تحقق این طرح بکار انداخته است بعنوان پشتیبان انقلابی جنبش فلسطین تمجید و تحسین میکنند.

این يك سازش آشکار بر سر پرنسیپهاست. يك جنبش واقعی انقلابی حق ندارد بر سر اصول سازش کند. جنبشی که شروع به سازش بر سر مواضع و معتقدات خود کرد در عین حال گور خود را کنده است و دیر یا زود از صورت يك جنبش انقلابی خارج شده و بیک تفکیلات بوروکراتیک تبدیل خواهد شد. قدرت

يك انقلاب بستگی به پشتیبانی طبقات و توده های انقلابی و رزمنده در آن دارد نه به خواست این یا آن قدرت بزرگ .

رهبری ارگانیزاسیون شما ممکن است دلائلی برای تایید سیاست شوروی داشته باشد ولی ما نمیتوانیم در کنگره ای شرکت داشته باشیم که بکمانیکه مسئولیت خدشه وارد کردن و سوء استفاده از جنبشهای انقلابی را بعهده گرفته اند اجازه تبلیغات و خریدن اعتبار انقلابی میدهد .

ما با تمجید فراوان مشاهده میکنیم که کنگره شما ، کسانی که باینجا آمده اند تا برای خود بعنوان پیشنهاد دهندگان راه حل مسالمت آمیز تبلیغات راه بیاندازند ، مورد تحسین قرار داد .

چگونه شما از دانشجویان و خلق ما انتظار کمک دارید و قتیکه خود سیاست اپورتونیستی ایجاد سکوت در قبال سیاست شوروی در پی میگیرید که قبل از همه توده های خلق عرب را دچار سرگیجه میکند ؟ برای ما روشن است که شوروی هیچگونه تصویری نسبت به هدف و تاءثیر سیاست خود ندارد . این خلق فلسطین است که در مورد سیاست شوروی دچار تصویری است و هنوز امیدوار است که معجزه ای بوقوع پیوندد و یا احیاناً تصادفی رخ دهد که شوروی سیاست خود را تغییر داده بجای مخالفت با جنبش فلسطین به حمایت از آن برخیزد . اما روشن است که هیچ انقلابی را نمیتوان بر پایه تصور واهی بنا نهاد .

اکنون وقت آن رسیده است که شما بین کسانی که در حرف و در عمل بشما کمک میکنند و کسانی که با بکار بردن کلمات تشنگ ولی تو خالی و با سم کمک از هر فرصتی برای از پشت خنجر زدن به جنبش فلسطین استفاده میکنند خط فاصل بکشید .

نماینده شوروی طی سخنرانی خود ادعا کرد که شوروی به جنبش آزادیبخش فلسطین کمک میکند . ما از او میخواهیم که يك نمونه مشخص از کمکهای مادی و یا سیاسی شوروی به جنبش فلسطین را ذکر کند . (البته غیر از کمک سخاوتمندانه به طبع راجرز) . آنها کمک میکنند اما نه بشما بلکه بدشمنان شما . بکسانیکه علیه جنبش فلسطین میجنگند .

دوستان عزیز ! هرگونه همکاری بمدی بین اتحادیه دانشجویان ایرانی با ارگانیزاسیون شما تا حد زیادی بستگی به مصوبات این کنگره و موضع اتحادیه دانشجویان فلسطین نسبت به مواضع جنبش فلسطین دارد . ما امیدواریم که کنگره تصمیمات قاطع اتخاذ نموده و از عهده پاسخگویی بمسائل مطروحه در مقابل کنگره برآید .

هیئت نمایندگی ایران

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظریات متناقض گروه "کادر"ها در مورد اختلاف بر سر چگونگی پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش)
اطلاعیه هئیت‌نماینده کنفدراسیون در کنگره اتحادیه دانشجویان فلسطین

"اطلاعیه هئیت‌نماینده کنفدراسیون در کنگره"

اتحادیه دانشجویان فلسطین

دوستان عزیز

در طول جلسه دیروز کنگره حادثه ناگوار و غیرمنصفانه‌ای بوقوع پیوست که ما را مجبور به ترک کنگره نمود. ما سعی خواهیم نمود در طول این نوشته دلائل خود را در این باره ارائه دهیم. در جلسه دیروز هنگامی که ما به تحلیل در باره نقش ضدانقلابی شوروی در مبارزه خلق‌های خاورمیانه به خصوص در رابطه با جنبش آزادی‌بخش فلسطین پرداختیم، رئیس کنگره ناگهان رشته سخن را به دست گرفت و اعلام کرد که نظریاتی که هئیت‌های‌نماینده عنوان می‌کنند به هیچوجه الزاماً موافق نظریات اتحادیه دانشجویان فلسطین نیست. سپس رویزونیست‌های مرتد شوروی ما را مورد حمله قرار داده و به ما تهمت ضدکمونیست زدند. در اینجا هم نه فقط هیچ‌گونه اعتراضی از طرف ریاست کنگره به آنها نشد، بلکه برعکس رئیس کنگره در باره پیوند انقلابی بین جنبش فلسطین و شوروی داد سخن داد.

بنظر ما حادثه دیروز از آنجا ناشی شد که اتحادیه دانشجویان فلسطین سعی می‌کرد که دو نقطه حرکت کاملاً متفاوت یعنی نظریه رویزونیستی مدرن و آنتی‌رویزونیستی، مشی انقلابی و مشی ضدانقلابی را هم‌طراز هم قرار دهد.

ما در طی صحبت‌مان موضع خود را نسبت به شوروی در رابطه با جنبش فلسطین و به خصوص هدف طرح پیشنهادی موسوم به طرح راجرز و ماهیت مدافعین این طرح را روشن کردیم. موضع ما با مواضع تمام ارگانیزاسیون‌های سیاسی جنبش فلسطین مطابقت دارد، با یک اختلاف که ما به جای برخورد سطحی به مسائل به تحلیل ماهیت طرح راجرز پرداختیم و هدف مدافعین آنرا تشریح کردیم و نقش شوروی را در این مورد نشان دادیم.

این ما نیستیم که شوروی را با امپریالیست‌ها در یک سطح قرار داده‌ایم، بلکه این خود آنها هستند که به عنوان ارگانیزاتورهای طرح راجرز خود را در سطح امپریالیست‌ها قرار داده‌اند. بدون پشتیبانی شوروی از این طرح هیچ دولتی صرف‌نظر از درجه ارتجاعی بودن نمی‌توانست آنرا مورد تأیید قرار دهد. ما مشاهده می‌کنیم که در بین شما کسانی هستند که نقش دوگانه بازی می‌کنند. از یک طرف ابراز می‌کنند (این نظر درست هم هست) که طرح راجرز توطئه قدرت‌های بزرگ برای از بین بردن جنبش فلسطین است. اما از طرف دیگر از شوروی که تمام قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را برای تحقق این طرح به کار انداخته است به عنوان پشتیبان انقلابی جنبش فلسطین تمجید و تحسین می‌کنند.

این یک سازش آشکار برسر پرنسیپ‌هاست. یک جنبش واقعی انقلابی حق ندارد بر سر اصول سازش کند. جنبشی که شروع به سازش بر سر مواضع و معتقدات خود کرد در عین حال گور خود را کنده است و دیر یا زود از صورت یک جنبش انقلابی خارج شده و به یک تشکیلات بوروکراتیک تبدیل خواهد شد. قدرت یک انقلاب بستگی به پشتیبانی طبقات و توده‌های انقلابی و رزمنده در آن دارد نه به خواست این یا آن قدرت بزرگ.

رهبری ارگانیزاسیون شما ممکن است دلائلی برای تأیید سیاست شوروی داشته باشد ولی ما نمی‌توانیم در کنگره‌ای شرکت داشته باشیم که به کسانی که مسئولیت خدشه وارد کردن و سوءاستفاده از جنبش‌های انقلابی را به عهده گرفته‌اند اجازه تبلیغات و خریدن اعتبار انقلابی می‌دهد.

ما با تعجب فراوان مشاهده می‌کنیم که کنگره شما، کسانی را که به اینجا آمده‌اند تا برای خود به عنوان پیشنهاددهندگان راه حل مسالمت‌آمیز تبلیغات راه بیاندازند، مورد تحسین قرار داد.

چگونه شما از دانشجویان و خلق ما انتظار کمک دارید، وقتی که خود سیاست اپورتونیستی ایجاد سکوت در قبال شوروی در پیش می‌گیرید که قبل از همه توده‌های عرب را دچار سرگیجه می‌کند؟ برای ما روشن است که شوروی هیچ‌گونه تصور واهی نسبت به هدف و تاثیر سیاست خود ندارد. این خلق فلسطین است که در مورد سیاست شوروی دچار تصور واهی است و هنوز امیدوار است که معجزه‌ای بوقوع پیوندد و یا احیاناً تصادفی رخ دهد که شوروی سیاست خود را تغییر داده به جای مخالفت با جنبش فلسطین به حمایت از آن برخیزد. اما روشن است که هیچ انقلابی را نمی‌توان برپایه تصور واهی بنا نهاد.

اکنون وقت آن رسیده است که شما بین کسانی که در حرف و درعمل به شما کمک می‌کنند و کسانی که با به کاربردن کلمات قشنگ ولی توخالی و به اسم کمک از هر فرصتی برای از پشت خنجر زدن به جنبش فلسطین استفاده می‌کنند خط فاصل بکشید.

نماینده شوروی طی سخنرانی خود ادعا کرد که شوروی به جنبش آزادی‌بخش فلسطین کمک می‌کند. ما از او می‌خواهیم که یک نمونه مشخص از کمک‌های مادی و یا سیاسی شوروی به جنبش فلسطین را ذکر کند. (البته غیر از کمک سخاوتمندانه به طرح راجرز). آنها کمک می‌کنند اما نه به شما، بلکه به دشمنان شما. به کسانی که علیه جنبش فلسطین می‌جنگند. دوستان عزیز! هرگونه همکاری بعدی بین اتحادیه دانشجویان ایرانی با ارگانیزاسیون شما تا حد زیادی بستگی به مصوبات این کنگره و موضع اتحادیه دانشجویان فلسطین نسبت به مواضع جنبش فلسطین دارد. ما امیدواریم که کنگره تصمیمات قاطع اتخاذ نموده و از عهده پاسخ‌گویی به مسائل مطروحه در مقابل کنگره برآید.

هئیت نمایندگی ایران"

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (فعالیت‌ها و نظر فدراسیون آلمان تحت رهبری سیاسی پاسداران سنت‌های انقلابی کنفدراسیون جهانی پیرامون جنبش ظفار و بر ضد خرابکاری انشعاب‌گران انحلال‌طلب)

پرلن ۷۵/۶/۲۵ بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان



سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (فعالیت‌ها و نظر فدراسیون آلمان تحت رهبری سیاسی پاسداران سنت‌های انقلابی کنفدراسیون جهانی پیرامون جنبش ظفار و بر ضد خرابکاری انشعاب‌گران انحلال‌طلب)

برلن ۷۵/۶/۲۵ بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان

برلن ۷۵ / ۶ / ۲۵

بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان

در ۲۱ ژوئن تظاهرات با شکوهی در شهر گن برهبری فدراسیون آلمان با همکاری متحدین در راز مدت و سایر نیروهای شرقی و پیشرو برگزار گردید. این تظاهرات در نهاله اقدامات فدراسیون آلمان در شهرهای مختلف بود.

برگزاری جلسات سخنرانی در شهرهای متعدد جمع‌آوری پول و در آرو بخش‌هزاران اعلامیه و چاپ پلاکات همبستگی با خلق عمان نشست مشترک با سازمانهای خارجی و دعوت از آنها برای پشتیبانی از این تظاهرات سیاحت زمینه لازم را برای اکتسب مرکزی فدراسیون آلمان در دفاع از مبارزه خلق قهرمان عمان تحت رهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" ایجاد نماید. شرکت حدود ۱ هزار نفر در این تظاهرات جمع‌آوری مقدار زیادی در آرو جمع‌آوری مبلغی حدود پانزده هزار مارک تا لحظه فعلی برای کمک به جنبش عمان برخی از اقداماتی است که در این زمینه صورت گرفته است.

در حاشیه تظاهرات جلسه سخنرانی با شرکت پیش از هفتم نفر برگزار کردید و فدراسیون آلمان در مقاله جامعی از مبارزات خلق عمان، نقش رژیم سرسپرد شاه به امپریالیسم آمریکا، ابر قدرت شوروی و سایر مرتجعین منطقه صحبت کرد و نشان داد که سازه خلق عمان بخشی از مبارزات انقلابی منطقه بوده و پیوندی محکم با مبارزات خلق ایران در جبهه مشترک علیه دشمنان مشترک دارد. سازمانهای شرقی خارجی مواضع خود را در دفاع از مبارزات خلق عمان اعلام داشته و در مقابل مشترک خود سرلونی رژیم متغور پهلوی را قاطعانه خواستار کردیدند. برنامه آن شب حاوی نمایشنامه و سرودهای انقلابی بود و در خانه مللی از مبارزات خلق قهرمان عمان نمایش داده شد.

خط تفرود اشن و انشعابگر روز ۲۱ ژوئن ۱ روز همبستگی ما با خلق عمان، روز افشا رژیم خائن محمد رضا شاه، روز همبستگی نیروهای شرقی با جنبش منطقه، روز اعتراض به تجاوز رژیم شاه این زانده ارم منطقه و سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا، روز اعتراض به تجاوز امپریالیسم استعماری عمان، روز اعتراض به دشمنی‌ها و تحریک‌های تابوسو متحدین مرتجعین و... را روز بریدن از خلق ایران و منفذت روز انشعاب از کشف فدراسیون اعلام کرد. به تخریب و اختلال در تظاهرات فرمان داد، به بخش اعلامیه علیه آن توطئه حسنه به پاره کردن پلاکتهای همبستگی با خلق عمان در شهرهای گوناگون اقدام کرد تا شاید به انشعاب خود که سرمایه‌های نزدیک و همکاری با درودسته خلقی کمیته مرکزی صورت گرفته است رنگ و جلای دیگری زند. ولی توطئه و انشعاب با تشریح وسیع خود همبستگی محقق خود را با مبارزات خلق عمان آشکار نمود و نشان داد که علی‌رغم تمام توطئه‌ها که متغور عشق شده به جریان وسیع خود رژیم صورت‌گیری و ادامه سیاست عدم شرکت در اعتصاب غذای هامبورگ بخاطر شهادت و تن از مریدان واقعی خلق ما بود. مبارزه خود را علیه رژیم متغور محمد رضا شاه ادامه خواهد داد.

توده انشعابگر روز ۲۱ ژوئن را یمتایه روز بزرگداشت دهالکی جنبش مسلحانه خلق قهرمان عمان حشن گرفت و مشت محکمی بر دشمن انشعابگران و تفرقه افکنان وارد آورد.

نمایندگان رژیم نمایندگرت ما در قبایل ارتجاع بود. از تمام نقاط آلمان اعضا و هواداران کشف فدراسیون که صمیمانه خواهان حفظ آن و سایر متحد و صمیمانه علیه رژیم متغور شاه هستند کرد آمدند. آنان مصالح جنبش را در پای منافع جزئی قربانی ننمودند و با انسحب درست از ماعت این نمایندگرت نفوت آن همت‌گمارند. مبارزه کشف فدراسیون علیه رژیم را تحت الشماع اختلافات د رونی

و نگارنده این حجت است. باشد که سازه متحدانه در پشتیبانی از خلق عمان به آئینده آن آرزوی انشعابان باشد. معنی نهفته، بلکه سنگی شود که بنای کنفدراسیون را مستحکمتر کند. به تفرقه درونی پایان دهد و وحدت رزده را بار دیگر مستقر سازد. و مظهر اتحاد ما گردد. باشد که این زمینه‌ای شود تا با کار مشترک، اقدام متحد، با تکیه بر نقاط توافق انشعاب را نامزد در هم شکسته و برآشی مبارزه ضد رژیم رابه جنبش دانشجویی بازگردانیم و توطئه انشعابگران را که حیالهای حاکم در معز خود می پیروزانند نقش بر آب نمائیم.

برگزاری بر شکوه تظاهرات مرکزی در راسین آلمان پشتیبانی نمودمهای دانشجویی از آن مخالفت و توطئه‌های انشعابان بگران نشان داد که منافقانه عده‌ای در راسی کام نگارنده که مبارزه ضد رژیم ضد امپریالیستی کنفدراسیون مستنرم مبارزه با سیاست انشعابگرانته آنهاست. آنها ثابت میکنند که امکان هیچ اقدام ضد رژیم جدا از مبارزه علیه انشعاب موجود نخواهد بود. ما بار دیگر تدابیر می‌دهیم که از تجربه پشتیبانی از خلق عمان بیاموزید و بر اساس احترام به سرمنش کنفدراسیون یسار کشته خود برگردید. راهی را که انشعابگران برگزیده‌اند راهی است بی‌فرجام و تاریک. از مبارزه متحد بخاطر پشتیبانی از خلق عمان انهام بگیریم. اهداف خود را برای وحدت کنفدراسیون برای مبارزه با انشعاب برای مبارزه علیه رژیم شاه تشدید نمائیم.

زنده باد حبشگی خلقهای عمان و ایران
 زنده باد مبارزات خلق قهرمان عمان
 مرکز سرامپریالیسم امپریکا و رژیم سر سردهانش
 محمد رضا شاه
 نابود باد ابرقدرت شوروی و عامل سومری
 آن کمیته مرکزی

تفرقه افکنان انشعابگر را افشا کرده و از
 تلاشی جنبش دانشجویی جلوگیری کنیم.

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (فعالیت‌ها و نظر فدراسیون آلمان تحت رهبری سیاسی پاسداران سنت‌های انقلابی کنفدراسیون جهانی پیرامون جنبش ظفار و بر ضد خرابکاری انشعاب‌گران انحلال‌طلب)
برلن ۷۵/۶/۲۵ بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان

برلن ۷۵/۶/۲۵

بخشنامه دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان

در ۲۱ ژوئن تظاهرات با شکوهی در شهر کلن به رهبری فدراسیون آلمان با همکاری متحدین دراز مدت و سایر نیروهای مترقی و پیشرو برگزار گردید. این تظاهرات دنباله اقدامات فدراسیون آلمان در شهرهای مختلف بود. برگزاری جلسات سخن‌رانی در شهرهای متعدد، جمع‌آوری پول و دارو پخش هزاران اعلامیه و چاپ پلاکات همبستگی با خلق عمان نشست مشترک با سازمان‌های خارجی و دعوت از آنها برای پشتیبانی از این تظاهرات می‌بایست زمینه لازم را برای آکسیون مرکزی فدراسیون آلمان در دفاع از مبارزه خلق قهرمان عمان تحت رهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" ایجاد نماید. شرکت حدود ۴ هزار نفر در این تظاهرات جمع‌آوری مقدار زیادی دارو، جمع‌آوری میلیونی حدود پانزده هزار مارک تا لحظه فعلی برای کمک به جنبش عمان برخی از اقداماتی است که در این زمینه صورت گرفته است.

در خاتمه تظاهرات جلسه سخن‌رانی با شرکت بیش از هفتصد نفر برگزار گردید و فدراسیون آلمان در مقاله جامعی، از مبارزات خلق عمان، نقش رژیم سرسپرده شاه به امپریالیسم آمریکا، ابرقدرت شوروی و سایر مرتجعین منطقه صحبت کرد و نشان داد که مبارزه خلق عمان بخشی از مبارزات انقلابی منطقه بوده و پیوندی محکم با مبارزات خلق ایران در جبهه مشترک علیه دشمنان مشترک دارد. سازمان‌های مترقی خارجی مواضع خود را در دفاع از مبارزات خلق عمان اعلام داشته و در مقاله مشترک خود سرنگونی رژیم منقر پهلوی را قاطعانه خواستار گردیدند. برنامه آن شب حاوی نمایشنامه و سرودهای انقلاب بود و در خاتمه فیلمی از مبارزات خلق قهرمان عمان به نمایش گذارده شد.

خط تفرقه‌افکن و انشعاب‌گر (منظور گروه "کادر"ها و جبهه ملی ایران است - توفان) روز ۲۱ ژوئن، روز همبستگی ما با خلق عمان، روز افشاء رژیم خائن محمد رضا شاه، روز همبستگی نیروهای مترقی با جنبش منطقه، روز اعتراض به تجاوز رژیم شاه این ژاندارم منطقه و سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا، روز اعتراض به تجاوز امپریالیسم انگلیس به عمان، روز اعتراض به ددمنشی‌ها و وحشی‌گری‌های قابوس و متحدین مرتجعش و... را روز بریدن از خلق ایران و منطقه، روز انشعاب از کنفدراسیون اعلام کرد. به تخریب و اخلال در تظاهرات فرمان داده، به پخش اعلامیه علیه آن توسل جست، به پاره کردن پلاکات‌های همبستگی با خلق عمان در شهرهای گوناگون اقدام کرد تا شاید به انشعاب خود که بر مبنای نزدیکی و همکاری با دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی صورت گرفته است رنگ و جلای دیگری زند. ولی توده دانشجو با شرکت وسیع خود همبستگی عمیق خود را با مبارزات خلق عمان آشکار نمود و نشان داد که علی‌رغم تمام توطئه‌ها که به طور علنی علیه یک جریان وسیع ضدرژیمی صورت می‌گرفت و ادامه سیاست عدم شرکت در اعتصاب غذای هامبورگ به خاطر شهادت ۹ تن از فرزندان واقعی خلق ما بود، مبارزه خود را علیه رژیم منقر محمد رضا شاه ادامه خواهد داد.

توده دانشجو روز ۲۱ ژوئن را به مثابه روز بزرگداشت دهسالگی جنبش مسلحانه خلق قهرمان عمان جشن گرفت و مشت محکمی بر دهان انشعاب‌گران و تفرقه افکنان وارد آورد.

نمایش ۲۱ ژوئن نمایش قدرت ما در قبال ارتجاع بود. از تمام نقاط آلمان اعضاء و هواداران کنفدراسیون که صمیمانه خواهان حفظ آن و مبارزه متحد و صمیمانه علیه رژیم منقر شاه هستند گرد آمدند. آنان مصالح جنبش را در پای منافع جزئی قربانی نمودند و با تحلیل درست از ماهیت این نمایش به تقویت آن همت گماردند. مبارزه کنفدراسیون علیه رژیم را تحت‌الشعاع اختلافات درونی [جا افتادگی] رنگارنگ این جنبش است. باشد که مبارزه متحدانه در پشتیبانی از خلق عمان نه آنگونه که آرزوی انشعاب‌گران [ناخوانا]..... بلکه سنگی شود که بنای کنفدراسیون را مستحکم‌تر کند، به تفرقه درونی پایان دهد و وحدت رزمنده را بار دیگر مستقر گرداند و مظهر اتحاد ما گردد. باشد که این زمینه‌ای شود تا با کار مشترک، اقدام متحد، با تکیه بر نقاط توافق انشعاب را عمیقاً درهم شکسته و برای مبارزه ضدرژیمی را به جنبش دانشجویی بازگردانیم و توطئه انشعاب‌گران را که خیال‌های خام در مغز خود می‌پروراند نقش بر آب نماییم.

برگزاری پرشکوه تظاهرات مرکزی فدراسیون آلمان، پشتیبانی توده‌های دانشجویی از آن، مخالفت و توطئه‌های انشعاب‌گران نشان داد که متأسفانه عده‌ای در راهی گام گذارده‌اند که مبارزه ضد رژیم و ضد امپریالیستی کنفدراسیون مستلزم مبارزه با سیاست انشعاب‌گرانه آنهاست. آنها ثابت می‌کنند که امکان هیچ اقدام ضد رژیمی جدا از مبارزه علیه انشعاب موجود نخواهد بود. ما بار دیگر ندا می‌دهیم که از تجربه پشتیبانی از خلق عمان بیاموزید و بر اساس احترام به مشی کنفدراسیون به مواضع گذشته خود برگردید. راهی را که انشعاب‌گران برگزیده‌اند راهی است بی‌فرجام و تاریک.

از مبارزه متحد به خاطر پشتیبانی از خلق عمان الهام بگیریم. اقدامات خود را برای وحدت کنفدراسیون برای مبارزه با انشعاب برای مبارزه علیه رژیم شاه تشدید نمائیم.

زنده باد همبستگی خلق‌های عمان و ایران

زنده باد مبارزات خلق قهرمان عمان

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و رژیم سر سپرده‌اش محمد رضا

شاه

نابود باد ابر قدرت شوروی و عامل بومی آن کمیته مرکزی

تفرقه‌افکنان انشعاب‌گر را افشاء کرده و از

تلاشی جنبش دانشجویی جلوگیری کنیم"







على طريق حرب التحرير الشعبية

اصدرت المنظمات التالية :

۱- فيدرالية الطلبة الايرانيين في
المانيا الغربية .

۲- الحزب الشيوعي الالماني الماركسي
اللينيني .

۳- المساعدة الحمراء .

بياناً بمناسبة الذكرى العاشرة للشورة
حيوا فيه فضالات الشعب العماني واستنكروا
الغزو الايراني والتدخل الامريكي البريطاني
والاردني لقمع ارادة الشعب العماني . وقد
نشرت البيان صحيفة « روت فان » الراية
الحمراء في السادس من يونيو .



السمت ٢١ يونيو ٧٥ م * الموافق ١٢ جماد ثاني ١٤٩٥ هـ * العدد ١٥٨

درج خبر آكسيون موفقيت آميز دفاع انرجيش آزادي بخش خلق عمان
در ارگان جبهه « صوت الثورة »





سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (آکسیون فدراسیون آلمان در برهم زدن بازی فوتبال ارتش های جهانی با شرکت تیم فوتبال ارتش ایران در اعتراض به تجاوز ارتش ایران به ظفار)

دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان "برلن ۷۵/۷/۲"

دبیر خانه دفاعی فدراسیون آلمان

برلن ۲۵ / ۷ / ۲

برای قرائت در مجمع عمومی

در روز ۲۵ / ۷ / ۱ در شهر هانگ آلمان غربی بیست و هفتمین مسابقات جهانی بین ورزشهای جهان برگزار میشد . یکی از تیمهای شرکت کننده در این مسابقات تیم ورزش ایران بود . ورزشی که یکی از بزرگترین تکیه گاههای ارتجاع در ایران است . این ورزش شاه فراری را بایران آورد . سازمانهای شرقی را در هم شکست . و حثیانه اعتیادهای کارکنان را سرکوب کرد . ورزشهای دهقانی را نابود نمود . فام ۱۵ خرداد را محو کشید و امروز فوینترین ورزش خفله و از مجهزترین ورزشهای جهان است . این ورزش امروز وضعه سرکوب خلق عمان را نیز محیده گرفته است . شاه اسی عامل دست نشاندۀ پشایه و دزدانم صنفه ، بزرگ ارتشد اوان فرمانده در راس ای ارتش است . این ارتش ارتجاعی هدواه با تمام ابزار سرکوب سرود یک به دست خود که کشور سرود به حقد و شترج زحمتکش و توتنهای طبیعی میبایست ما را می بلعد . وضعه ماست که این ارتش ارتجاعی و در راس شاه را هرچه بیشتر افشا کنیم . برگزاری مسابقات فوتبال جهانی ورزشهای آخورد که نتیج میشود : نردگی حق ما بیکم بلکه پوشتهاست ورزشها ، تعویب روزانه ابزار سرکوب مرتجعین و نرد یکی مرتجعین بیکم بکر و عرضی در بین مردم است .

فدراسیون آلمان در ادامه تظاهرات محاضر پشیمانی از مبارزات مسلحانه تودهائی خلق عمان و افشا نقش شاه و کتبه مرتجعین صنفه برای افشا شاه و پشیمانی از خلق صفار آکسیون جدیدی را تدارک دید . در تحت رهبری فدراسیون آلمان ۱۰ نفر از اعضا سازمانهای صنفه عرب مداحل محل برگزاری مسابقات فوتبال رفتند . پلا کتهای ما بزبان فارسی و آلمانی عیار بودند از :

سرکوبی ماد رژیم دست نشاندۀ شاه

مرتجع سروریم شاه

رندۀ ماد سازمانت مسلحانه تودهائی خلق عمان

ارتش شاه باید از عمان خارج شود

رندۀ ماد صنفه خلق برای آزادی عمان

در رشتۀ بزرگ تیم ایران به میدان دو نفر از اعضا فدراسیون آلمان در حاشیه شعارهای سرکوبی ماد رژیم دست نشاندۀ و فام صنفه شاه سروریم شاه را به فارسی و آلمانی حقد میزدند . همان میدان رفتند ، واحد های پلیس ورزش آلمان صنفه را محاصره کرده بودند . سنگ های پلیس دور متان میزدند و بی رفتنای ما موعی شدند . باشعار مرگ بر شاه برادر محو از جنوبی تیم ایران تا جنوبی حاشیه رسید . در نتیجه عاشقگی پلیس مدتی اینکار ادامه داشت تا رفتنای ما را در مسگر معزیند . در همین هنگام دو نفر دیگر با حمل پلا کات رندۀ ماد صنفه خلق برای آزادی عمان وارد میدان شدند . محو برادر عاشقگی اوان فارغ نشده بود که یار دیگر عاشقگر گشت . در همین هنگام رفتنای ما با دادن شعار سرکوبی ماد رژیم شاه به پشیمانی پوشتهاست . سه هزار اعلامیه در استاد بوم ورزشی پخش شد . کار تظاهرات مدتی بالا گرفت که واحد های

کلی اثری جز باز بگفت آمدند و ضرب و شتم رفقای ما اقدام کردند و تمام تماشاچمانی را که پلیس از تهاجر آنها احتیاج داشت با آکسیون ما را حدس میزد از استاد یوم بیرون ریختند. رفقای ما تا آخرین لحظه شعار میدادند و اعلامیه پخش میکردند. ضرب و شتم جزو بازیان بعدی شدیدی بود که دو نفر از رفقای ما دستشان شکست و به بیمارستان فرستاده شدند. ۱۲ نفر دیگر دستگیر شدند و زندانی گشتند. یک ساعت پس از دستگیری دو وکیل فدراسیون آلمان همراه با نماینده فدراسیون به پلیس مراجعه نمودند و درخواست آزادی فوری رفقای ما را کردند. در نتیجه موضع قدرت ما پلیس را مجبور به آزاد نمودن رفقا شد. بجز از ۱۲ نفر چهار نفر از رفقای آلمانی نیز دستگیر شده بودند که به شدت مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند. در نتیجه آکسیون فدراسیون آلمان مسابقه فوتبال با یک ساعت تاخیر شروع گشت. پخش وسیع اعلامیه فدراسیون آلمان ناشی خونی بر افکار عمومی گذارد.

فدراسیون آلمان سپس در طی یک اعلامیه مطبوعاتی پس از حتم آکسیون شرح وقایع و اهداف این آکسیون را به مطبوعات اطلاع داد.

رفقای ما که دستگیر شده بودند در زیر زمین استاد یوم با ورزشکاران ایرانی تماس گرفتند و علت آکسیون خود را توضیح دادند. برخورد آنان بسیار دوستانه بود. گرچه که سخن نمیگفتند ولی نیشنل رهاپشان بخصوص زمانیکه شعار مرگ پادشاه داده میشد به رفقای ما دلگرمی بیشتری میداد. باتفاق گفته شد که خبر آکسیون را با ایران برسانند.

خط انشعایگر در حالیکه در ابتدا آکسیون هدف رژیم را با سکوت برگزار کرده بود در اثر فشار افکار عمومی در سرتار برای ناچار به موضع گیری شد. توده های دانشجوی آنها را محاصره کرده و مورد باز و خواست قرار دادند. با وجودیکه یکبار شعارهای | تظاهرات اعلام شده بود خط انشعایگر برای فرار از این پست سیاسی میسر شد شعارها چیست؟ آیا شعار دو ایر قدرت هم هست؟ و سرانجام راه فرار را در این دیدند که بگویند "دو مسئول باید بخت کنند". معلوم شد که شرکت در یک آکسیون هدف رژیم، هدف شاه آدمکش علیه ارتش تجاوز شاه تحت رهبری فدراسیون آلمان محتاج به بحث است و ممکن است که نتیجه بحث بعد شرکت سز سبب گردد. فدراسیون آلمان با تکیه به توده های دانشجوی آکسیون را برگزار نمود. در لحظات آخر انشعایگران پس از اینکه از پست اخبار گادب در مورد اینکه امروز مسابقات ایران و گامبون نیست و اطلاع تلفنی آن به دبیرخانه دفاعی نتیجه نگرفتند شرمزد و تنی انگشت شمار برای خالی نبودن عریضه در آکسیون تحت رهبری فدراسیون آلمان شرکت کردند و به پست اعلامیه ای از طرف دو نفر عاصبین گفت فدراسیون اقدام کردند. اعلامیه ای که در آن نه گلهائی در پشتیبانی از خلق عمان و جبهه آزاد یمنش آن وند اثری از حمله به ارتش شاه و نقش آن در منطقه و ایران دیده میشد.

این آکسیون بسیار موفقیت آمیز بود و با وجود تعداد ارکات بهیشت از اندازه واحد های پلیس و ارتشها موفقیت پایانی پذیرفت.

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (آکسیون فدراسیون آلمان در برهم زدن بازی فوتبال ارتش‌های جهانی با شرکت تیم فوتبال ارتش ایران در اعتراض به تجاوز از ایران به ظفار)

دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان "برلن ۷۵/۷/۲"

دبیرخانه دفاعی فدراسیون آلمان

"برلن ۷۵/۷/۲"

برای قرائت در مجمع عمومی

در روز ۷۵/۷/۱ در شهر هاگن آلمان غربی بیست و هفتمین مسابقات جهانی بین ارتش‌های جهان برگزار می‌شد. یکی از تیم‌های شرکت‌کننده در این مسابقات تیم ارتش ایران بود. ارتشی که یکی از بزرگ‌ترین تکیه‌گاه‌های ارتجاع در ایران است. این ارتش شاه فراری را به ایران آورد. سازمان‌های مترقی را درهم شکست. وحشیانه اعتصاب‌های کارگران را سرکوب کرد. شورش‌های دهقانی را نابود نمود. قیام ۱۵ خرداد را به خون کشید و امروز قوی‌ترین ارتش منطقه و از مجهزترین ارتش‌های جهان است. این ارتش امروز وظیفه سرکوب خلق عمان را نیز به عهده گرفته است. شاه این عامل دست‌نشانده به مثابه ژاندارم منطقه، بزرگ ارتشداران فرمانده در راس این ارتش است. این ارتش ارتجاعی همراه با تمام ابزار سرکوب نزدیک به نصف بودجه کشور نزدیک به نصف دست‌رنج زحمتکشان و ثروت‌های طبیعی میهن ما را می‌بلعد. وظیفه ماست که این ارتش ارتجاعی و در راسش شاه را هرچه بیش‌تر افشاء کنیم. برگزاری مسابقات فوتبال جهانی ارتش‌ها، آنطور که تبلیغ می‌شود، نه نزدیکی خلق‌ها به یکدیگر بلکه پوشش ماهیت ارتش‌ها، تقویت روابط ابزار سرکوب مرتجعین، نزدیکی مرتجعین به یکدیگر و عوام‌فریبی در بین مردم است.

فدراسیون آلمان در ادامه تظاهرات به خاطر پشتیبانی از مبارزات مسلحانه توده‌ای خلق عمان و افشاء نقش شاه و کلیه مرتجعین منطقه برای افشاء و پشتیبانی از خلق ظفار آکسیون جدیدی را تدارک دید. در تحت رهبری فدراسیون آلمان ۶۰ نفر از اعضاء سازمان‌های منطقه غرب به داخل محل برگزاری مسابقات فوتبال رفتند. پلاکات‌های ما به زبان فارسی و آلمانی عبارت بودند از:

سرنگون باد رژیم دست‌نشانده شاه

مرگ بر رژیم شاه

زنده باد مبارزات مسلحانه توده‌ای خلق عمان

ارتش شاه باید از عمان خارج شود

زنده باد جبهه خلق برای آزادی عمان

در هنگام ورود تیم ایران به میدان دو نفر از اعضاء فدراسیون آلمان در حالیکه شعارهای سرنگون باد رژیم دست‌نشانده و فاشیستی. شاه، - مرگ بر رژیم شاه را به فارسی و آلمانی حمل می‌کردند به میان میدان رفتند، واحدهای پلیس و ارتش آلمان میدان را محاصره کرده بودند. سگ‌های پلیس به دور میدان می‌گشتند ولی رفقای ما موفق شدند با شعار مرگ بر شاه پس‌عبور از جلوی تیم ایران تا جلوی جایگاه بروند. در نتیجه غافل‌گیری پلیس این کار ادامه داشت تا رفقای ما را دستگیر نمودند. در همین هنگام دونفر دیگر با حمل پلاکات زنده باد جبهه خلق برای آزادی عمان وارد میدان شدند. هنوز پلیس از غافل‌گیری اول فارغ نشده بود که بار دیگر غافل‌گیر گشت. در همین هنگام رفقای ما با دادن شعار سرنگون باد رژیم شاه به پخش اعلامیه پرداختند. سه هزار اعلامیه در استادیوم ورزشی پخش شد. کار تظاهرات به حدی بالا گرفت که واحدهای کمکی ارتش و چتر باز به کمک آمدند و به ضرب و شتم رفقای ما اقدام کردند و تمام تماشاچیان را که پلیس از ظاهر آنها احتمال همکاری با آکسیون ما را حدس می‌زد از استادیوم بیرون ریختند. رفقای ما تا آخرین لحظه شعار می‌دادند و اعلامیه پخش می‌کردند.

ضرب و شتم چتربازان به حدی شدید بود که دو نفر از رفقای ما دستشان شکست و به بیمارستان فرستاده شدند. ۱۲ نفر دیگر دستگیر شدند و زندانی گشتند. یک ساعت پس از دستگیری، دو وکیل فدراسیون آلمان همراه با نماینده فدراسیون به پلیس مراجعه نمودند و درخواست آزادی فوری رفقای ما را کردند. در نتیجه موضع قدرت ما، پلیس فوراً مجبور به آزاد نمودن رفقا شد. به غیر از ۱۲ نفر چهار نفر از رفقای آلمانی نیز دستگیر شده بودند که به شدت مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند.

در نتیجه آکسیون فدراسیون آلمان مسابقه فوتبال با یک ساعت تاخیر شروع گشت. پخش وسیع اعلامیه فدراسیون آلمان تاثیر خوبی بر افکار عمومی گذارد.

فدراسیون آلمان سپس در طی یک اعلامیه مطبوعاتی پس از ختم آکسیون شرح وقایع و اهداف این آکسیون را به مطبوعات اطلاع داد.

رفقای ما که دستگیر شده بودند، در زیرزمین استادیوم با ورزشکاران ایرانی تماس گرفتند و علت آکسیون خود را توضیح دادند. برخورد آنان بسیار دوستانه بود. گرچه که سخن نمی‌گفتند ولی لبخند رضایتشان به خصوص زمانی که شعار مرگ بر شاه داده می‌شد، به رفقای ما دل‌گرمی بیش‌تری می‌داد. به آنان گفته شد که خبر آکسیون را به ایران برسانند.

خط انشعاب‌گر در حالی که در ابتداء آکسیون ضد رژیم را با سکوت برگزار کرده بود در اثر فشار افکار عمومی در سمینار برلن ناچار به موضع‌گیری شد. توده‌های دانشجوی آنها را محاصره کرده و مورد بازخواست قرار دادند. با وجودی که یک‌بار شعارهای تظاهرات اعلام شده بود، خط انشعاب‌گر برای فرار از بن بست سیاسی می‌پرسید شعارها چیست؟ آیا شعار دو ابرقدرت هم هست؟ و سرانجام راه فرار را در این دیدند که بگویند "دو مسئول باید بحث کنند" معلوم شد که شرکت در آکسیون ضد رژیم، ضد شاه آدمکش علیه ارتش متجاوز شاه تحت رهبری فدراسیون آلمان محتاج به بحث است و ممکن است که نتیجه بحث به عدم شرکت منجر گردد. فدراسیون آلمان با تکیه به توده‌های دانشجوی آکسیون را برگزار نمود. در لحظات آخر انشعاب‌گران پس از این‌که از پخش اخبار کاذب در مورد این‌که امروز مسابقات ایران و کامرون نیست و اطلاع تلفنی آن به دبیرخانه دفاعی نتیجه نگرفتند، شرمزده تنی انگشت شمار برای خالی نبودن عریضه در آکسیون تحت رهبری فدراسیون آلمان شرکت کردند و به پخش اعلامیه‌ای از طرف دو نفر غاصبین کنفدراسیون اقدام کردند. اعلامیه‌هایی که در آن نه کلمه‌ای در پشتیبانی از خلق عمان و جبهه آزادی‌بخش آن و نه اثری از حمله به ارتش شاه و نقش آن در منطقه و ایران دیده می‌شد.

این آکسیون بسیار موفقیت‌آمیز بود و با وجود تدارکات بیش از اندازه واحدهای پلیس و ارتش با موفقیت پایان پذیرفت. "



ROTER MORGEN

Aktion iranischer Patrioten in Hagen

Nieder mit dem Schah-Regime!

„Nieder mit dem Schah-Regime!“ – Dieses Transparent entrollten iranische Genossen am 1. 7. 75 auf dem Spielfeld des Stadions in Hagen. Hier wurden an diesem Tag die 27. Internationalen Militärfußballmeisterschaften, an denen auch die Armee des Schah-Regimes teilnimmt, eröffnet.



Feldjäger der Bundeswehr versuchen brutal, die Aktion iranischer Patrioten zu verhindern

دژبان‌های ارتش آلمان بیرحمانه در تلاش‌اند تا از فعالیت ایرانیان میهن‌پرست ممانعت کنند

نفر دوم در سمت راست رفیق فریدون منتقمی است

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (آکسیون فدراسیون آلمان در برهم زدن بازی فوتبال ارتش های جهانی با شرکت تیم فوتبال ارتش ایران در اعتراض به تجاوز ارتش ایران به ظفار)

مستخرجی از گزارش فعالیت ارگان مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

کشتن که فرید به روش دریم نه. تقا به قصد حفظ حکومت است. برای رسیدن به این مقصد ضابطه ای
در شرایط بحرانی متوجه به قصد کشته ای برای و برنده برای می ماند. دریم با پیش و اندام مفتوح را می دهد. گرفتاریت برای
که متاع برای به قصد می بخورد. در این طره می افتد. دریم نه. سر راهش می بندد. بخوابد تا کار به نه. عدیه ضعیف ظنا.
کتابتین ~~کتابتین~~ از راه سیاست زنجار از متاع برای به است
در مدد و تقا در این بگرفت که کندی در زیر دست ای ایست در این نوزاد زادی دارد. بهیست کاس کاس نازان با برای
کاس این جنبه و ظنا. از به تمهید می نیاید. مدد کاس نازان، و ظنیه حوز می ده که در جنگ بود ای ظن. عدیه برای به است
چنگستان، عدیه به زدن و زنجار که. نازان، و به سیاست را در دست زدن که در این کس نیز زدن خواهد کرد

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اکسیون فدراسیون آلمان در برهم زدن بازی فوتبال ارتش‌های جهانی با شرکت تیم فوتبال ارتش ایران در اعتراض به تجاوز ارتش ایران به ظفار)

مستخرجی از گزارش فعالیت ارگان مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

مستخرجی از گزارش فعالیت ارگان مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

"شک نیست که خرید اسلحه توسط رژیم شاه فقط به قصد حفظ و تحکیم استیلای آمریکا در ایران انجام می‌گیرد مضافاً به اینکه در شرایط بحرانی کنونی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی و به ویژه آمریکا یاری می‌رساند. رژیم شاه نقش ژاندارم منقطه را به عهده گرفته است هر کجا که منافع امپریالیسم آمریکا و انحصارهای نفت‌خوار در مخاطره افتد رژیم شاه سر و کلاهش پیدا می‌شود. جنگ تجاوزکارانه شاه علیه خلق ظفار از زمره سیاست دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا است. در مورد ظفار و یمن باید گفت که شوروی و رویزیونیست‌های ایرانی در آنجا نفوذ دارند و به همین جهت تمام تلاش سازمان ما برای تماس با یمن جنوبی و ظفار به نتیجه مثبتی نیانجامید. معذالک سازمان ما وظیفه خود می‌داند که از جنگ توده‌ای ظفار علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان و علیه تجاوز شاه دفاع کند. سازمان ما این سیاست را در گذشته دنبال کرده و از این پس نیز دنبال خواهد کرد."

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظر جبهه ملی ایران و گروه "کادر" ها در مورد دفاع از جنبش آزادی بخش مردم ظفار)

اطلاعیه سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی

اطلاعیه سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی عضو کنفدراسیون جهانی علی سه جلسه شورای بحث دولتی در باره فراخوان پیشنهادی هیئت دبیران کنفدراسیون آلمان در مورد برگزاری آکسین مشترک برای دفاع از جنبش آزادی بخش افغانیان تهیه رسید که این فراخوان نه تنها بیان کننده کل صحتوای دفاع از جنبش آزادی بخش نیست بلکه در تضاد مستقیم با مسائل اساسی جنبش و توافقات گستراننده پاریس و فرانکفورت در جهت حمایت از کردن آکسیونهای دوناون و رافات آن است که رفقای انقلابی افغان طالب می نمایند میباشد. علاوه بر این / این فراخوان علناً در آکسین سازمان ما در جهت دفاع همه جانبه از جنبش انقلابی افغانیان ایجاد کرده است.

سازمان دانشجویان ایرانی در برلن غربی پس از بحث مطبوعه در این مورد و برخورد اصولی به تمام موازین مبارزاتی کنفدراسیون جهانی که در این فراخوان نادیده گرفته شده باین نتیجه رسید که آن را لغات مذکور در شش قسمت فسخ کرده و از دبیران کنفدراسیون خواست که در تارک کردن مسائل اساسی جنبش ما و رابطه عمیق آن با جنبش افغان در فراخوان منتشر شده گردید. سازمان در استعای که دبیر کنفدراسیون در آن شرکت داشت با اتفاق آرا از دبیران کنفدراسیون آلمان خواست که فراخوان پیشنهادی خود را بر مبنای پیشنهادات سازمان برلین تغییر داده تا امکان فعالیت همه جانبه با تکیه بر اصول از جنبش آزادی بخش و واستهای رفقای انقلابی ظفار مقدور گردد.

وارد پیشنهادی عبارت بود نفاذ:

- ۱- رژیم شاه بعنوان عامل دست نشانده امپریالیسم آمریکا را زندان مطلقه را بعهده گرفته و درآمد نفت به عنوان رفع احتیاجات اولیه بوده ای زحمت کش وین ما در جهت سرزنی جنبشهای آزادی بخش منطقه بالخصوص خلق عمان و ایران مورد استناد رژیم فاشیستی شاه قرار گرفته است.
- ۲- با روری انقلاب عمان و همبستگی عمیق آن با جنبش انقلابی خلق ما نمود مشخص از روش در جهت پیروزی بر دشمن مشترک امپریالیسم رژیمهای دست نشانده است و درست بدین دلیل است که سرنگونی رژیم ای دست نشانده امپریالیسم و استبداد خلق میباشد.
- ۳- مردم ایران پس از عنوان تروناهی ارتش شاه را بدخلق قهرمان مبارز تعظیم نموده و همبستگی روز ازین گروه سازمانهای روزنده انقلابی درین کشور با همه آزادی بخش عمان نه تنها دلیل بارز این مدعاست بلکه بیان بر این حقیقت تاریخی است که مبارزه انقلابی بوده ای زحمت کشی است که ما جدا از مبارزه سایر توده ای زحمت کش منطقه افغان نبوده و ولایت زای آن محسوب میشود.
- ۴- پیروزی انقلاب عمان بر امپریالیسم و تارک کردن افغان را در دفاع از ملی تنها از طریق اعمال قهرانقلابی غیر امتداد جنبش آزادی بخش عمان این ولایت انقلابی را به بین انجام داده است.
- ۵- به گسترش جنبش توده های خلق و
- ۶- جمهوری توده های بین جنوبی در کمک با انقلاب افغان از جمله گونه توده خالی نشوده و پشتیبان محکم این انقلاب بوده و برقراری جمهوری توده های بین جنوبی بمنزله یک پایگاه انقلابی جهت پشتیبانی از مبارزات د امپریالیسم و خلقهای غرب و انجام توده های افغان و

پس در شورای پاریس و فرانکفورت که برای ماندن کردن دفاع از نیمه آزادی پیش نظر در سطح اکثریت سازمانهای شرقی و در امپریالیسم تشکیل گردیده بود نمایندگی جنبه آزادی بخدا همان ریضا در خواست نمایندگی در آکسیونهای مشترک برای دفاع از آن عثمان طبعی بوده موضع گیری مشخصی بر علیه آن مسأله جامعه سازی و جمهوری توده ها بین صورت نگرفت. در پیرامون فدراسیون آلمان آگاهانه این مسئله را انگار میسازید و باین جهت سازمان برلین تصویب نمود که این مایل از نمایندگی جنبه آزادی بخدا دیگری سوال شده و باید باز نمایندگی جنبه آزادی بخدا نشان در آکسیونهای مشترک دل گردد.

هیئت پیرامون فدراسیون آلمان که علی الرغم در خواستهای جنبه آزادی بخدا و توانمندیهای سازمانهای شرقی به نین خط و در سرانهای اقدام نموده و علی الرغم موانع روشن و سبب کنند فدراسیون پس در مورد رژیم شاه و مبارزات انقلابی درون جامعه و ارتباط مستقیم آنها با انقلاب نظامی گرفته موضع گیری در این زمینه نکرده و با علم به آکسیون عمومی فدراسیون و فعالیت مشخص سازمانهای دانشجویی منطقه سازمان دانشجویان ایرانی در برلین غربی که از مدت ها قبل با تکیه بر صویات نگذره و در نظر گرفتن محتوی نشریات پاریس موفق به بسیج کلیه نیروهای شرقی برای انجام یک آکسیون مشترک شده بود با فراخوان میشتیهای خود سدی در مایل فعالیتهای دفاعی از انقلاب نظامی ایجاد نموده است و این سدی به قبول پیشنهادات مشترک سازمان برلین که فقط بر پایه موازین فدراسیون و خواستهای خلق قهرمان همان میباشد ندرت و در نتیجه فعالیت مستقیم انجام ندرت آکسیونهای مشترک با به نیروهای شرقی بدو پیرامون فدراسیون آلمان میباشد.

سازمان دانشجویان ایرانی در برلین غربی بر بنیای دلایل فوق تصویب نموده که سازمان بعد از دفاع از بنیاد انقلابی نظامی آکسیونهای وسیعی را بر پایه صویات نگذره شانزدهم فدراسیون جهانی تنظیم کرده و در آکسیونهای موجود با حفظ مواضع خود و انتقاد به مواضع انتحاری شرکت نماید و از کلیه رفقا میخواند در تدارک این آکسیونها و سیما شرکت نمایند.

زننده بهاد مستلکی مبارزات خلقهای ایران و عمان.

سرنگون بهاد رژیمهای فاشیستی صطورتا شاه و قصابانوسر.

غریب ارتش شاه و فاشیستی شاه و دیسگر چهار زمین از عمان.

زننده بهاد مبارزات خلق عمان تحت رهبری جنبه آزادی بخدا عمان.

سر بهاد امپریالیسم امریکا و انگلیس.

زننده بهاد پشتیبانی جمهوری توده های چین جنوبی از مبارزات انقلابی منطقه.

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلین غربی

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (نظر جبهه ملی ایران و گروه "کادر"ها در مورد دفاع از جنبش آزادی‌بخش مردم ظفار)

اطلاعیه سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی

اطلاعیه سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی

"سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی عضو کنفدراسیون جهانی طی سه جلسه متوالی بحث طولانی در باره فراخوان پیشنهادی هیئت دبیران فدراسیون آلمان در مورد برگزاری آکسیون مشترک برای دفاع از جنبش آزادی‌بخش ظفار به این نتیجه رسید که این فراخوان نه تنها بیان‌کننده کل محتوای دفاع از جنبش آزادی‌بخش نیست، بلکه در تضاد مشخص با مسائل اساسی جنبش ظفار و توافقات کنفرانس پاریس و فرانکفورت در جهت هماهنگ کردن آکسیون‌های گوناگون و مراعات آنچه که رفقای انقلابی ظفار طلب می‌نمایند می‌باشد. علاوه بر این، این فراخوان علناً در آکسیون سازمان ما در جهت دفاع همه جانبه از جنبش انقلابی ظفار مانع ایجاد کرده است.

سازمان دانشجویان ایرانی در برلن غربی پس از بحث مفصل در این مورد و برخورد اصولی به تمام موازین مبارزاتی کنفدراسیون جهانی که در این فراخوان نادیده گرفته شده، به این نتیجه رسید که انحرافات مذکور در شش قسمت فرموله کرده و از دبیران فدراسیون خواهان در نظر گرفتن مسائل اساسی جنبش ما و رابطه عمیق آن با جنبش ظفار در فراخوان منتشر شده گردید. سازمان در جلسه‌ای که دبیر فدراسیون در آن شرکت داشت به اتفاق آرا از دبیران فدراسیون آلمان خواست که فراخوان پیشنهادی خود را بر مبنای پیشنهادات سازمان برلین تغییر داده تا امکان فعالیت همه جانبه با تکیه بر اصول از جنبش آزادی‌بخش و خواست‌های رفقای انقلابی ظفار مقدور گردد.

موارد پیشنهادی عبارت بودند از:

۱- رژیم شاه به عنوان عامل دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا رل ژاندارم منطقه را به عهده گرفته و درآمد نفت به خاطر رفع احتیاجات اولیه توده‌های زحمتکش وطن ما، در جهت سرکوبی جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه، بالاخص خلق عمان و ایران مورد استفاده رژیم فاشیستی شاه قرار گرفته است.

۲- باروری انقلاب عمان و همبستگی عمیق آن با جنبش انقلابی خلق ما نمود مشخص از کوشش در جهت پیروزی بر دشمن مشترک امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده است و درست به همین دلیل است که سرنگونی رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم خواست به حق خلق می‌باشد.

۳- مردم ایران به هیچ عنوان تجاوز نظامی ارتش شاه را به خلق قهرمان ظفار تأیید ننموده و همبستگی روز افزون گروه‌ها و سازمان‌های رزمنده انقلابی درون کشور با جبهه آزادی‌بخش عمان نه تنها دلیل بارز این مدعاست، بلکه بیان صریح این حقیقت تاریخی است که مبارزه انقلابی توده‌های زحمتکش جامعه ما جدا از مبارزه سایر توده‌های زحمتکش منطقه منجمله ظفار نبوده و جزو لاینفک آن محسوب می‌شود.

۴- پیروزی انقلاب عمان بر امپریالیسم و تجاوزکاران خارجی و ارتجاع داخلی تنها از طریق گسترش جنبش توده‌ای خلق اعمال قهرانقلابی میسر است و جبهه آزادی‌بخش عمان این وظیفه انقلابی را به خوبی انجام داده است.

۵- جمهوری توده‌ای یمن جنوبی در کمک به انقلاب ظفار از هیچ کوششی شانه خالی ننموده و پشتیبان محکم این انقلاب بوده و برقراری جمهوری توده‌ای یمن جنوبی به منزله یک پایگاه انقلابی جهت پشتیبانی از مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های عرب و ایران نقش عمده‌ای ایفاء نموده.

۶- در کنفرانس پاریس و فرانکفورت که برای هماهنگ کردن دفاع از جنبش آزادی‌بخش ظفار در سطح اکثریت سازمان‌های مترقی و ضدامپریالیسم تشکیل گردیده بود، نماینده جبهه آزادی‌بخش عمان صریحاً درخواست می‌نماید که در آکسیون‌های مشترک برای دفاع از انقلاب عمان هیچ گونه موضع‌گیری مشخص بر علیه اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری توده‌ای چین صورت نگیرد. دبیران فدراسیون آلمان آگاهانه این مسئله را انکار می‌نمایند و به این جهت سازمان برلین تصویب نمود که این مطالب از نماینده جبهه آزادی‌بخش دگر باره سؤال شده و طبق نظر نماینده جبهه آزادی‌بخش عمان در آکسیون‌های مشترک عمل گردد.

هئیت دبیران فدراسیون آلمان که علی‌رغم درخواست‌های جبهه آزادی عمان و توافقات اکثر سازمان‌های مرفقی به چنین عمل خودسرانه‌ای اقدام نموده و علی‌رغم مواضع روشن و صریح کنفدراسیون جهانی در مورد رژیم شاه و مبارزات انقلابی درون جامعه و ارتباط مستقیم آنها با انقلاب ظفار هیچ گونه موضع‌گیری در این زمینه نکرده و با علم به آکسیون عمومی کنفدراسیون و فعالیت مشخص سازمان‌های دانشجویی منجمله سازمان دانشجویان ایرانی در برلن غربی که از مدت‌ها قبل با تکیه بر مصوبات کنگره و در نظر گرفتن محتوی کنفرانس پاریس موفق به بسیج کلیه نیروهای مرفقی برای انجام یک آکسیون مشترک شده بود، عملاً با فراخوان پیشنهادی خود سدی در مقابل فعالیت‌های دفاعی از انقلاب ظفار نموده است و حاضر هم به قبول پیشنهادات مشخص سازمان برلین که فقط برپایه موازین کنفدراسیون و خواست‌های خلق قهرمان عمان می‌باشد نگردید و در نتیجه مسئولیت مستقیم انجام نگرش آکسیون‌های مشترک با همه نیروهای مرفقی به دوش دبیران فدراسیون آلمان می‌باشد.

سازمان دانشجویان ایرانی در برلن غربی بر مبنای دلایل فوق تصویب نموده که سازمان به منظور دفاع از جنبش انقلابی ظفار آکسیون‌های وسیعی را بر پایه مصوبات کنگره شانزدهم کنفدراسیون جهانی تنظیم کرده و در آکسیون‌های موجود با حفظ مواضع خود و انتقاد به مواضع انحرافی شرکت نماید و از کلیه رفقا می‌خواهد در تدارک این آکسیون‌ها وسیعاً شرکت نمایند.

زنده باد همبستگی مبارزات خلق‌های ایران و عمان

سرنگون باد رژیم‌های فاشیستی محمد رضا شاه و قابوس

خروج ارتش متجاوز و فاشیستی شاه و دیگر متجاوزین از عمان

زنده باد مبارزات خلق عمان تحت رهبری جبهه آزادی‌بخش عمان

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و انگلیس

زنده باد پشتیبانی جمهوری توده‌ای یمن جنوبی از مبارزات انقلابی منطقه

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی در برلن غربی"

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (دسیسه انحلال طلبان "کادر"ی علیه فعالیت و موجودیت فدراسیون نیرومند آلمان)

بخشنامه س-م-ل-ت

بخشنامه

رفقای عزیز

هم اکنون مدت زیادی است که فدراسیون آلمان بدون دبیر تحت نظارت دبیران کنفدراسیون به فعالیت خود ادامه می‌دهد. کنگره امسال فدراسیون آلمان نیز بدلائل گوناگون به تأخیر افتاده است. طبیعی است که این خلل در فعالیت فدراسیون آلمان، واحدهای آن و مجموعه کنفدراسیون بدون اثر نبوده و نخواهد بود. به خصوص اگر توجه کنیم که فدراسیون آلمان از قوی‌ترین فدراسیون‌هاست، واحدهای آن از وسیع‌ترین و متشکل‌ترین واحدهای کنفدراسیون‌اند و تعداد دانشجویان ایرانی مقیم کشور آلمان قابل توجه می‌باشد. بدیهی است که تأخیر هرچه بیشتر در تشکیل کنگره فدراسیون آلمان بسود کنفدراسیون نبوده و کار مداوم و پیگیر واحدهای دانشجویی آلمان را دچار وقفه خواهد ساخت. بر عهده رفقای ماست که برای تشکیل هر چه زودتر و موفق‌تر کنگره فدراسیون همت ورزیده و فعالیت کنند. بکوشیم تا بر تشک و قدرت فدراسیون آلمان بیافزاییم، بکوشیم تا کنگره فدراسیون آلمان را با موفقیت تدارک ببینیم.

س-م-ل-ت

۷۱/۱۰/۱

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (دسیسه انحلال طلبان "کادر"ی علیه فعالیت و موجودیت فدراسیون نیرومند آلمان)

بخشنامه س-م-ل-ت

بخشنامه

"رفقای عزیز

هم اکنون مدت زیادی است که فدراسیون آلمان بدون دبیر تحت نظارت دبیران کنفدراسیون به فعالیت خود ادامه می‌دهد. کنگره امسال فدراسیون آلمان نیز به دلایل گوناگون به تأخیر افتاده است. طبیعی است که این خلل در فعالیت فدراسیون آلمان، واحدهای آن و مجموعه کنفدراسیون بدون اثر نبوده و نخواهد بود. به خصوص اگر توجه کنیم که فدراسیون آلمان از قوی‌ترین فدراسیون‌هاست. واحدهای آن از وسیع‌ترین و متشکل‌ترین واحدهای کنفدراسیون‌اند و تعداد دانشجویان ایرانی مقیم کشور آلمان قابل توجه می‌باشد. بدیهی است که تأخیر هر چه بیشتر در تشکیل کنگره فدراسیون آلمان به سود کنفدراسیون نبوده و کار مداوم و پیگیر واحدهای دانشجویی آلمان را دچار وقفه خواهد ساخت. بر عهده رفقای ماست که برای تشکیل هر چه زودتر و موفق‌تر کنگره فدراسیون همت ورزیده و فعالیت کنند.

بکوشیم تا بر تشک و قدرت فدراسیون آلمان بیافزاییم، بکوشیم تا کنگره فدراسیون آلمان را با موفقیت تدارک ببینیم.

س-م-ل-ت

"۷۱/۱۰/۱

سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (دسیسه انحلال طلبان "کادر"ی علیه فعالیت و موجودیت فدراسیون نیرومند آلمان)

گزارش مختصر یکسال فعالیت شعبه دانشجویی

گزارش مختصر یکسال فعالیت شعبه دانشجویی

رئیس شعبه دانشجویی

در زیر شرح فعالیت های گروه در سال گذشته میسر از ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ به شرح است. همکاران این فعالیت را در گزارش های جداگانه به شرح خود گزارش داده اند. بر این جهت به استحضار می رسانم.

۱- کنگره فدراسیون آلمان در گرسن برگزار شد. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. این کنگره اگر چه در یک روز برگزار شد، اما برای ما بسیار آموزگار و مفید بود. در این کنگره همکاران (۷۱ نفر) شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۲- اعتقاد مخالفی ما بینش که در قبضه استواران و ارادگان رتقای شعبه نقش فعالی داشته و در گذشته در چندین مورد نظر همکاران در این کنگره را تغییر دادند (بجمله همکاران که در این کنگره شرکت کردند). در این اعتقاد در میان همکاران تفاوت نظر بود. از طرفی از طرفی دیگر همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۳- کنگره فدراسیون آلمان در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۴- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۵- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۶- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۷- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۸- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۹- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۰- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۱- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۲- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۳- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۴- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۵- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۶- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۷- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۸- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۱۹- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

۲۰- همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند. در این کنگره همکاران در این کنگره شرکت کردند.

به این ترتیب این بخش را به پایان می رسانم

^۱ منظور کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت بعد از ممنوعیت آن است.

سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

متدرج در بخش: (دسیسه انحلال طلبان "کادر"ی علیه فعالیت و موجودیت فدراسیون نیرومند آلمان)
گزارش مختصر یکسال فعالیت شعبه دانشجویی

گزارش مختصر یکسال فعالیت شعبه دانشجویی

رفقای گرامی هیئت مرکزی

در زیر به شرح فعالیت‌های عمده سال گذشته می‌پردازم. لازم به توضیح است، که اکثر این فعالیت‌ها در گزارش‌های جداگانه به موقع خود گزارش داده شده‌اند. بدین جهت به اشاره مختصر اکتفا می‌گردد.

۱- کنگره فدراسیون آلمان در آگوست سال گذشته که علی‌رغم کوشش فراوان عده‌ای از فعالین دانشجویی به شرکت ما در رهبری فدراسیون ما آنرا به علت آنکه همکاری با سازمان انقلابی را مشروط می‌دانست رد کردیم. این کنگره اگر چه در مسائل گوناگون به نتیجه رسید لیکن در مسئله تعیین رهبری به بن بست برخورد کرد. در حین کنگره کنفدراسیون (مارس ۷۱) کنگره فوق‌العاده فدراسیون آلمان تشکیل گردید ولی بازهم به نتیجه نرسید. توضیح آنکه اصولاً و در شرایط کنونی کادر رهبری فدراسیون کم است و خود فدراسیون و نقش آن نیز به تدریج، مورد علامت سؤال قرار گرفته است.

لازم است که مسئله فدراسیون آلمان و بودن و یا نبودن آن بررسی گردد. شعبه دانشجویی در بحث این مسئله به این نتیجه رسید که مسئله فدراسیون آلمان باید در چهارچوب و در رابطه با کنفدراسیون حل گردد. یعنی راه حلی پیدا شود که مثلاً یکی از رهبران کنفدراسیون همراه کمیته‌ای فدراسیون آلمان را اداره کند.

۲- اعتصاب غذای ماینس که در تعیین شعارهای آن اداره آن رفقای شعبه نقش فعالی داشتند و توانستند در چندین مسئله نظر دوستان دیگر کنفدراسیون را تغییر دهند (منجمله آنکه گروهی ترس داشتند از اینکه نام رضائی آورده شود که مبدا روزی او هم خیانت کند و غیره)^۱ ادامه این اعتصاب در مونیخ به صورت تصرف کنسولگری از طرح‌های دبیران بود که ما از آن مطلع بودیم و با آنان موافقت داشتیم. در اعتصاب غذای مونیخ بعضی شعارها داده شد که با وجود مخالفت ما مطرح شدند. در این قسمت شعبه نتوانست با قاطعیت از امکانات خود استفاده کند و رهبری مجموعه جریان به طور عمده در دست دبیران کنفدراسیون و بعضی مشاوران آنها قرار گرفت.

۳- کنگره کنفدراسیون: شعبه دانشجویی توانست در این کنگره بیش از هر کنگره دیگر از امکانات خود برای شرکت در رهبری و اداره آن استفاده کند. شعبه در قیل از کنگره در جریان تدارک آن شرکت داشت و تا پایان آن در کارها کنترل داشت. از آنجا که گزارش این کنگره به طور مفصل داده شده از شرح مجدد آن صرف نظر می‌گردد. دو مسئله در این کنگره بین رفقای ما بحث بوجود آورد و نظرهای گوناگون داده می‌شد.

الف - شرکت در رهبری کنفدراسیون

ب- منشور کنفدراسیون و کنفدراسیون در رابطه با قانون اساسی

پیشنهاد می‌شود که نظر شعبه در مورد منشور در یکی از جلسات به بحث گذاشته شود.

...

کیوان

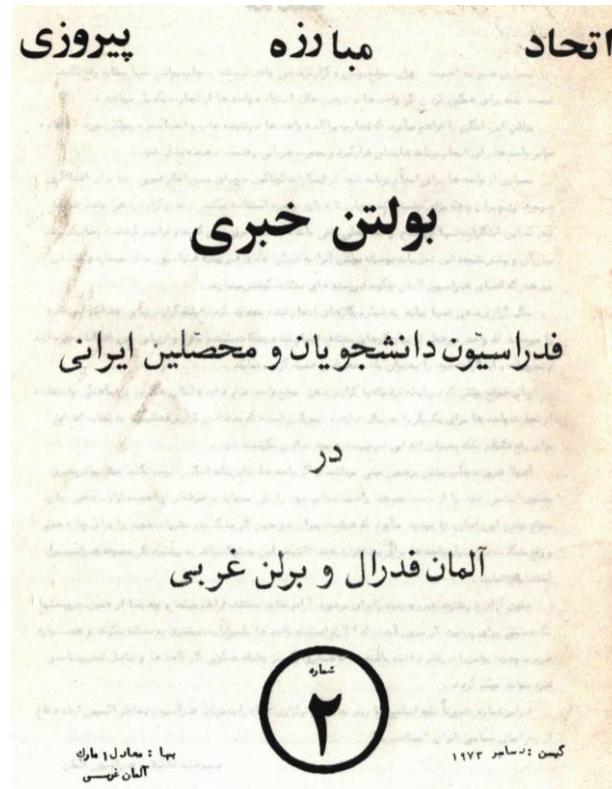
به امید موفقیت‌های عظیم سازمان

^۱ - یا این نظریه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان موافق نبود و اصل را بر تسلیم زندانیان نمی‌گذارد بلکه این را دسیسه رژیم تلقی می‌کرد که می‌خواهد در مبارزه مستمر و مداوم ما خلل ایجاد نماید ما هرگز نباید از تداوم مبارزه دفاعی کنفدراسیون جهانی بکاهیم.

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اخلال "خط رزمنده" در مبارزات دفاعی فدراسیون آلمان برای تضعیف این فدراسیون)

بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط



سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اخلال "خط رزمنده" در مبارزات دفاعی فدراسیون آلمان برای تضعیف این فدراسیون)

بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط

در صفحه ۵ بولتن شماره ۲ چنین می‌آید:

"بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط

رفقای مبارز!

زندانیان میهن پرست تحت بدترین شرایط درون زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ایران به مبارزه بی‌امان خود علیه

۵

گزارش امور دفاعی

بعد از عدم برگزاری تظاهرات مرکزی کنفدراسیون جهت افشاء رژیم کودتا (۱۸ اوت صادق با ۲۸ مرداد) تصمیم دبیران فدراسیون آلمان مبنی بر تدارك يك اكسيون وسيع مرکزی در سطح آلمان ، با اطلاع هیئت دبیران - کنفدراسیون رسید . پس از جلب موافقت دبیران کوشش کردیم بایک ارزیابی همه جانبه از اوضاع سیاسی آلمان و موقعیت نیروهای مترقی این کشور ، امکان برگزاری يك اكسيون موفق را تحقیق کرده و جهت تدارك کافی آن اقدام کنیم . در جلسه هیئت دبیران فدراسیون پس از بحث در مورد ضرورت انجام تظاهرات مرکزی به نتایج زیر رسیدیم :

۱- ما باید تکیه عمده خود را بر روی توده های متشکل در فدراسیون متمرکز سازیم .
۲- این اکسیون باید حتما موفق باشد و خواستهای آن مورد توافق کلیه نیروهای مترقی ، دموکرات و لیبرال واقع گردد .

۳- اثر این اکسیون باید بیش از پیش بتواند رژیم ضد خلقی ایران را افشاء سازد .

۴- افکار عمومی آلمان را هرچه وسیع تر متوجه جنایات دربار پهلوی نموده و مبارزات مردم ایران را برجسته سازد .
۵- درگیری هرچه بیشتر ایرانیان مقیم آلمان با مسائل سیاسی ایران و کمک به رشد آگاهی آنان در شناخت ماهیت رژیم و محققان بودن مبارزات خلق زحمتکش .

۶- این اکسیون باید بتواند چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ مادی شمر شمربحال مبارزین در بند باشد .

۷- این اکسیون باید بتواند روحیه همبستگی و مبارزاتی را در بین ایرانیان و اعضا متشکل در فدراسیون آلمان تقویت کرده و اهمیت مبارزه يك پارچه و متحد علیه رژیم ضد خلقی را به آنها نشان دهد .

۸- این اکسیون باید قادر باشد که حتی الامکان نقش رژیم را در خلیج بگلیه نیروهای ضد امپریالیست باز نشانسانده و بخاطر ایجاد همبستگی با مبارزات خلقهای خاورمیانه " دکترین نیکسون " را که علیه این خلقها میباشد ، افشاء کند .

۹- نقش امپریالیسم آلمان را کمبطور زیرگانه ای از رژیم شاه و دولت اسرائیل و سایر مرتجعین بخاطر منافع سرمایه داران غرب دفاع میکند ، افشاء سازد .

۱۰- نشان دادن همکاری پلیس آلمان با سازمان " امنیت " و افشاء قانون خارجیهها .

در رابطه با نتایج فوق و هدفهای تظاهرات و تلفیق اکسیون ۲۸ مرداد با اکسیونهای " ماه دفاع از زندانیان سیاسی ایران " و دفاع از گروه ۱۲ نفر روشنفکر مترقی با نیروهای مترقی آلمانی کمبطور عمده در سطح آلمان ارگانیزه هستند و عملاً در اکسیونهای کنفدراسیون شرکت میکنند تماس گرفتیم .

چون در این میان تقریباً زمینبرگزاری تظاهرات مرکزی معلوم شده بود ، لذا طی بخشنامه دفاعی مورخ ۱۸ - اکتبر ۷۳ نظر خود را با واحدها در میان گذاشتیم . در اینجا ضروریست که متن بخشنامه را بخاطر اهمیت آن عیناً درج گردد .

بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط

رفقای مبارز !

زندانیان جهنم پرست ، تحت بدترین شرایط در زندانها و شکنجهگاههای ایران بمبارزه بی امان خود علیه

رژیم دست نشانده شاه ادامه میدهند. زندانهای قرون وسطایی بیکی از دژهای مستحکم دفاع از منافع خلق مبدل گشته و صحنه سازی ها و توطئه های رژیم برای زنان و آوردن مبارزین در بند ، هرروز باشکست بیشتری روبرو میگردد . سازمان امنیت با انواع و اقسام فشار روحی و جسمی بر زندانیان مبارز و خانواده آنها نتوانسته و نمیتواند در عزم راسخ و اراده آهنین مبارزین خللی وارد سازد .

بمنظور همیستگی عمیقتر خود با مبارزین در بند ، بایستی از هم اکنون برای اجرای موفقیت آمیز اکسیون " دفاع از زندانیان سیاسی " بکوشیم .

تدارک برگزاری يك تظاهرات وسیع در سطح آلمان در دستور کار هیئت دبیران فدراسیون میباشد .

این تظاهرات در نیمه دوم ماه نوامبر خواهد بود که تاریخ و محل آن بعداً با اطلاع واحد هامیرسد .

برای موفقیت هر چه بیشتر این تظاهرات باید بمسائل زیر توجه نمود .

- ۱- تبلیغ نیروی شرایط غیر انسانی محیط زندانهای ایران و نشان دادن چهره ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم شاه و اختناق حاکم در ایران .
 - ۲- نشان دادن روحیه مقاومت و مبارزه جویانه مبارزین در بند .
 - ۳- افشاء توطئه های رژیم علیه خانواده زندانیان سیاسی .
 - ۴- افشاء عکس العمل های رژیم در مقابل حقوق دانان بین المللی . در این رابطه ضروریست که به سفر نماینده - امنستی داکتر هلد من و مترجم او حسین رضائی عضو کنفدراسیون جهانی که هنوز هم در سیاه چالهای رژیم بستر میبرد ، توجه شود .
 - ۵- تکیه روی مسائل روز مانند دستگیری ۱۲ نفر و افشاء توطئه جدید رژیم علیه روشنفکران متمدن ایران .
 - ۶- تماس با سازمانهای متمدن و دموکرات محل - تماس با خبرنگاران و هنرمندان ، شخصیت های دموکرات و لیبرال .
 - ۷- بسیج اعضا و طرفداران کنفدراسیون بمنظور جمع آوری پول بمیزان يك روز کار .
 - ۸- تماس با ایرانیان مقیم آلمان برای دریافت کمک برای خانواده زندانیان سیاسی .
 - ۹- فروش پلاکات و جمع آوری پول بنفع زندانیان سیاسی .
- کلیه فعالیتهای فوق باید در خدمت بسیج افکار عمومی بوده و برگزاری تظاهرات زمینه فرستادن يك " کمیته تحقیق از شخصیتهای بین المللی " را برای رسیدگی بوضع زندانها و شکنجه گاههای رژیم ایران فراهم سازد .
- رفقای مبارز : تدارک وسیع سیاسی کلیه واحدها ضامن اجرای موفقیت آمیز اکسیون فوق میباشد . برای جلب هر چه وسیعتر توده های دانشجویی و نیروهای متمدن بخاطر شرکت فعالشان در این اکسیون بکوشیم .
- بعد از آن دعوت نامه ای تنظیم و از سازمانهای متمدن و دموکرات در سطح کشوری آلمان خواسته شد که در جلسه مشترکی بتاريخ ۱۳ نوامبر ۷۳ گرد هم آمده و در صورت توافق بر سر طرح مسائل سیاسی ایران و شعارهای اکسیون ، مشترکاً اقدامات لازم راجعت برگزاری يك تظاهرات مرئی بعمل آوریم .
- محتوی دعوت نامه بطور کلی مسائل مبرم روز و اهمیت سیاسی تظاهرات را مطرح مینمود . دعوت نامه برای سازمانهای زیر فرستاده شد :
- ۱- فدراسیون دانشجویان ترکیه در آلمان .

- ۲- کمیته مبارزه با قانون خارجی ها که شامل سازمانهای دانشجویی ترکیه - پرستان - کاتولیک - سازمان دانش جوانان آلمان - دانشجویان فلسطین - یونان - کد راسیون - سازمان دانشجویان مدارس مهندسی در آلمان میباشد
- ۳- اتحادیه کمونیستی آلمان غربی
- ۴- اتحادیه کمونیستی شمال آلمان
- ۵- حزب کمونیست آلمان
- ۶- سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات آلمان
- ۷- حزب کمونیست آلمان (مارکسیست - لنینیست)
- ۸- جمعیت مبارزه با امپریالیسم (لیگا)
- ۹- اتحادیه کارگری کمونیستهای آلمان.

در نشست موعود فقط چهار سازمان شرکت کردند ولی در جریان اقدامات بعدی کلیه سازمانها پشتیبانی و همبستگی خود را با اکسیون مرکزی اعلام داشتند. تنها سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات طی نامه ای به دبیران فدراسیون آلمان اطلاع داد، که در این اکسیون شرکت نخواهد کرد.

در این نشست بعد از بحث و تبادل نظر، علاوه بر توافق با محتوی فراخوان، تصمیمات زیر نیز گرفته شد:

- ۱- چاپ و پخش پلاکات مربوط به تظاهرات بطور وسیع. هزینه این پلاکات را سازمانهای امضاء کننده فراخوان متقبل شدند.

- ۲- ۲۱ شعار سیاسی در مورد ایران و نقش شاه در خلیج مورد توافق همگی قرار گرفت.
 - ۳- تشکیل یک کمیته تدارک تظاهرات با شرکت نماینده های شرکت کننده و یکی از دبیران فدراسیون در یکی از سالنهای تهران.
 - ۴- تهیه مقالات درباره مسائل سیاسی ایران برای قرائت در جریان تظاهرات و آخر آن.
- بعد از اخذ تصمیمات فوق، بلافاصله فراخوان چاپ و پخش گردید و طی بخشنامه مورخ ۱۵ نوامبر از واحدها خواسته شد که، در امر بسیج توده ها و کلیه نیروهای خارجی (در سطح واحدها) بکوشند.
- ضمناً از واحد مونیخ خواسته شد که ماسک برای تظاهرات و عکسهای بزرگی از مبارزین اخیر و ۲ نفر هنرمند مرقی تهیه کنند تا در جریان تظاهرات حمل گردد.
- کمیته تدارک تظاهرات روز جمعه ۱۶ نوامبر تشکیل گردید و تصمیمات زیر اتخاذ گردید.
- ۱- مسیر تظاهرات روشن شد.
 - ۲- جلسه سخنرانی در یکی از سالنهای بزرگ شهر کُن بعد از تظاهرات گذاشته شود.
 - ۳- شعار "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" بصورت بسیار بزرگ نوشته شده و در اول تظاهرات حمل گردد.
 - ۴- دو شعار بصورت حروف بزرگ نوشته شده تا در طول تظاهرات و در طرفین صفوف حمل گردد.
 - ۵- در آخر تظاهرات یک قطعه نمایش از مبارزات مردم علیه رژیم شاه گذاشته شود.
 - ۶- در مورد سایر کارهای تکنیکی بحث و تقسیم کار شد.
- جلسه بعد "کمیته تدارکاتی تظاهرات" بروز ۲۹ نوامبر یعنی دو روز قبل از تظاهرات موکول گردید.

در این بین خبر یافتیم که گویا دبیران کنفدراسیون به علت مسائل حاد دفاعی و تدارک بین المللی خود، بخاطر دفاع از گروه ۱۲ نفر هنرمند مرقی و فرستادن يك هيئت نمایندگی بین المللی به ایران در نظر دارد، آکسیون مرکزی در سطح آلمان را بتعویق اندازد. بعد از تماس با هیئت دبیران، صحت این خبر که از سازمانهای خارجی و چند واحد فدراسیونی بما رسیده بود، تأیید گردید. در نشست مشترک نماینده دبیران فدراسیون و هیئت دبیران کنفدراسیون بعد از بحث فراوان، طی يك نامه تشکیلاتی قرار شد که تظاهرات بعقب بیفتد. ولسی روز ۲۱ نوامبر دبیران کنفدراسیون تصمیم خود را مبنی بر عقب افتادن تظاهرات مرکزی فدراسیون لغو کرده و اطلاع دادند که تظاهرات میتواند در اول دسامبر برگزار گردد. دبیران فدراسیون آلمان با همکاری واحدها و نیروهای مرقی خارجی بکار روشنگری و تدارک وسیع تظاهرات هرچه بیشتر دامن زده و کلیه اقدامات ضروری را بعمل آوردند.

در این مدت همانطور که از گزارش بخشی از واحدهای فدراسیون پدید است، فعالیت وسیعی جهت بسیج افکار عمومی انجام گرفت. نشست های فراوانی برگزار گردید و زمینه بسیار مساعدی برای روز اول دسامبر بوجود آمد. محتوی مرقی و محقانه فراخوان فدراسیون نمیتوانست مورد تأیید وسیعترین نیروهای مرقی - دمکرات و لیبرال قرار نگیرد. بسیاری از واحدها با کوششی خستگی ناپذیر - امر تدارک سیاسی تظاهرات را پیش بردند. پخش صد ها هزار اعلامیه - ده ها جلسه سخنرانی و نمایشگاه عکس و ده ها ابتکار کوچک و بزرگ واحدها، بدرستی سیمای ضد خلقی در بار پهلوی را بیش از پیش عیان نمود.

جلسه موعود "کمیته تدارکات تظاهرات" روز ۲۹ نوامبر با شرکت دبیر تشکیلات در شهر کلن تشکیل و کلیه اقدامات انجام شده جهت برگزاری موفق تظاهرات گزارش داده شد. از آنجا که کلیه مسائل تدارکاتی بنحوا حسن حل شده بود قرار بعدی بروز اول دسامبر ساعت ده صبح موکول شد.

روز بعد یعنی ۳۰ نوامبر در ساعت يك بعد از ظهر از طرف یکی از نیروهای مرقی امضاء کننده فراخوان اطلاع حاصل شد که پلیس برگزاری تظاهرات را ممنوع اعلام نمود^۵ است. دبیر دفاعی فدراسیون با در نظر گرفتن استدلالا پلیس شهر کلن و اوضاع سیاسی و ارزیابی از کم و کیف جوانب مختلف تصمیم پلیس و موضع گیری نیروهای سیاسی، و نتیجه گیری از بحث مشورتی با "کمیته دفاعی تظاهرات" تصمیم خود را مبنی بر مقابله با تصمیم پلیس ارتجاعی آلمان با اطلاع دبیران کنفدراسیون رسانیده و قرار شد که بعد از بحث نتیجه را اعلام کنند.

در ساعت ۱۱ شب روز جمعه ۳۰ نوامبر دبیران کنفدراسیون تصمیم خود را مبنی بر عدم شرکت واحدها در تظاهرات بعلمت خطر موجود برای ایرانی ها و احتمال غیر قانونی شدن فدراسیون آلمان، با اطلاع ما رسانده و مسئولیت کلیه اقدامات بعدی را رأساً عمده دار شدند.

در اینجا لازم است که بخاطر توضیح بیشتر موقعیت سیاسی آلمان در هنگام برگزاری اکسیون مرکزی کلن به چند نکته اشاره نمود.

بعد از سفر برانت صدراعظم و فریدریش وزیر اقتصاد آلمان، دستگاه های تبلیغاتی دولت آلمان، با ظرافت خاصی که مختص امپریالیستهاست، شروع به فاخر رژیم مغفور ایران و در رأس آن دربار نمودند. در باره مسائلی که دیگر قابل دفاع در میان افکار عمومی مردم آلمان نبود، سکوت اختیار کردند. پخش صاحب

شاه در تلویزیون سرتاسری آلمان، آنهم درست در شب ما قبل تظاهرات ککن در باره "بحران سوختی"، از جمله تلاشهای مذبحخانه محافل ارتجاعی آلمان جهت خدشه دار کردن امر مبارزاتی دانشجویان ایرانی و منحرف ساختن افکار عمومی نیروهای لیبرال و دمکرات آلمانی بود.

در زمانی که امنیتی انترناسیونال در نشریات خود پرده از اعمال ضد انسانی رژیم و واقعیت شکنجهگاههای ایران برداشته و در رابطه با اکسیون جهانی خود، با مدارک کافی اقدامات رژیم منفور ایران را در مورد سرکوبی مخالفین سیاسی اش برملا می سازد و به افراد بیش از پیش شاه خائن در افکار عمومی کمک میکند، بنگاههای تبلیغاتی امپریالیستی از "بی طرفی" شاه در جنگ محفانه اعراب علیه صیهونیستهای اسرائیلی سخن می رانند.

از طرف دیگر پلیس آلمان با همکاری اوپاشان سازمان "امنیت" علیه رفقای ما دست به توطئه می زند و همانند ناظری "بی طرف" به چاقو کشان و دزدان ساوالمیدان عمل میدهد تا علیه مبارزات دانشجویان مرفقی ایرانی و دریناه "دمکراسی" به خرابکاری بپردازند.

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اخلال "خط رزمده" در مبارزات دفاعی فدراسیون آلمان برای تضعیف این فدراسیون)

در صفحه ۵ بولتن شماره ۲ چنین می‌آید:

"بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط

رفقای مبارز!

زندانیان میهن‌پرست تحت بدترین شرایط درون زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ایران به مبارزه بی‌امان خود علیه

بخشنامه دبیرخانه دفاع و روابط

"گزارش امور دفاعی"

...

رفقای مبارز!

زندانیان میهن‌پرست تحت بدترین شرایط درون زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ایران به مبارزه بی‌امان خود علیه رژیم دست نشانده شاه ادامه می‌دهند. زندان‌های قرون وسطائی به یکی از دژهای مستحکم دفاع از منافع خلق مبدل گشته و صحنه‌سازی‌ها و توطئه‌های رژیم برای به زانو در آوردن مبارزین در بند، هر روز با شکست بیش‌تری روبرو می‌گردد. سازمان امنیت با انواع و اقسام فشار روحی و جسمی به زندانیان مبارز و خانواده آنها نتوانسته و نمی‌تواند در عزم راسخ و اراده آهنین مبارزین خللی وارد سازد. به منظور همبستگی عمیق‌تر خود با مبارزین در بند، بایستی از هم اکنون برای اجرای موفقیت‌آمیز آکسیون "دفاع از زندانیان سیاسی" بکوشیم.

تدارک برگزاری یک تظاهرات وسیع در سطح آلمان در دستور کار هئیت دبیران فدراسیون می‌باشد.

این تظاهرات در نیمه دوم ماه نوامبر خواهد بود که تاریخ و محل آن بعداً به اطلاع واحدها می‌رسد. برای موفقیت هر چه بیش‌تر این تظاهرات باید به مسائل زیر توجه نمود.

۱- تبلیغ به رروی شرایط غیرانسانی محیط زندان‌های ایران و نشان دادن چهره ضدملی و ضددمکراتیک رژیم شاه و اختناق حاکم در ایران.

۲- نشان دادن روحیه مقاومت و مبارزه‌جویانه مبارزین در بند.

۳- افشاء توطئه‌های رژیم علیه خانواده زندانیان سیاسی.

۴- افشاء عکس‌العمل‌های رژیم در مقابل حقوق دانان بین‌المللی. در این رابطه ضروریست که به سفر نماینده امنستی دکتر هلدمن و مترجم او حسین رضائی عضو کنفدراسیون جهانی که هنوز هم در سیاه چال‌های رژیم به سر می‌برد، توجه شود.

۵- تکیه روی مسائل روز مانند دستگیری ۱۲ نفر و افشاء توطئه جدید رژیم علیه روشنفکران مترقی ایران.

۶- تماس با سازمان‌های مترقی و دمکرات محل، تماس با خبرنگاران و هنرمندان، شخصیت‌های دموکرات و لیبرال.

۷- بسیج اعضاء و طرفداران کنفدراسیون به منظور جمع‌آوری پول به میزان یک روز کار.

۸- تماس با ایرانیان مقیم آلمان برای دریافت کمک برای خانواده زندانیان سیاسی.

۹- فروش پلاکات و جمع‌آوری پول به نفع زندانیان سیاسی.

کلیه فعالیت‌های فوق باید در خدمت بسیج افکار عمومی بوده و برگزاری تظاهرات زمینه فرستادن یک "کمیته تحقیق از شخصیت‌های بین‌المللی" را برای رسیدگی به وضع زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم ایران فراهم سازد.

رفقای مبارز: تدارک وسیع سیاسی کلیه واحدها ضامن اجرای موفقیت‌آمیز آکسیون فوق می‌باشد. برای جلب هر چه وسیع‌تر توده‌های دانشجویی و نیروهای مترقی به خاطر شرکت فعال‌شان در این آکسیون بکوشیم.

بعد از آن دعوت‌نامه‌ای تنظیم و از سازمان‌های مترقی و دمکرات در سطح کشوری آلمان خواسته شد که در جلسه مشترکی به تاریخ ۱۳ نوامبر ۷۳ گرد هم آمده و در صورت توافق بر سر طرح مسائل سیاسی ایران و شعارهای آکسیون، مشترکاً اقدامات لازم را جهت برگزاری یک تظاهرات مرکزی به عمل آوریم.

محتوی دعوت‌نامه به طور کلی مسائل مبرم روز و اهمیت سیاسی تظاهرات را مطرح می‌نمود. دعوت‌نامه برای سازمان‌های زیر فرستاده شد.

۱- فدراسیون دانشجویان ترکیه در آلمان.

۲- کمیته مبارزه با قانون خارجی‌ها که شامل سازمان‌های دانشجویی ترکیه، پرستان، کاتولیک، سازمان دانشجویان آلمان، دانشجویان فلسطین، یونان، کنفدراسیون، سازمان دانشجویان مدارس مهندسی در آلمان می‌باشد.

۳- اتحادیه کمونیستی آلمان غربی

۴- اتحادیه کمونیستی شمال آلمان

۵- حزب کمونیست آلمان

۶- سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات آلمان

۷- حزب کمونیست آلمان (مارکسیست-لنینیست)

۸- جمعیت مبارزه با امپریالیسم (لیگا)

۹- اتحادیه کارگری کمونیست‌های آلمان

در نشست موعود فقط چهار سازمان شرکت کردند ولی در جریان اقدامات بعدی کلیه سازمان‌ها پشتیبانی و همبستگی خود را با آکسیون مرکزی اعلام داشتند. تنها سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات طی نامه‌ای به دبیران فدراسیون آلمان اطلاع داد، که در این آکسیون شرکت نخواهد کرد.

در این نشست بعد از بحث و تبادل نظر، علاوه بر توافق با محتوی فراخوان، تصمیمات زیر نیز گرفته شد:

۱- چاپ و پخش پلاکات مربوط به تظاهرات به طور وسیع. هزینه این پلاکات را سازمان‌های امضاء کننده فراخوان متقبل شدند.

۲- ۲۱ شعار سیاسی در مورد ایران و نقش شاه در خلیج مورد توافق همگی قرار گرفت.

۳- تشکیل یک کمیته تدارک تظاهرات با شرکت نماینده‌های شرکت کننده و یکی از دبیران فدراسیون در کلن

۴- تهیه مقالات در باره مسائل سیاسی ایران برای قرائت در جریان تظاهرات و آخر آن.

بعد از اخذ تصمیمات فوق، بلافاصله فراخوان چاپ و پخش گردید و طی بخشنامه مورخ ۱۵ نوامبر از واحدها خواسته شد که، در امر بسیج توده‌ها و کلیه نیروهای خارجی (در سطح واحدها) بکوشند.

ضمناً از واحد مونیخ خواسته شد که ماسک برای تظاهرات و عکس‌های بزرگی از مبارزین اخیر و ۱۲ نفر هنرمند مترقی تهیه کنند تا در جریان تظاهرات حمل گردد.

کمیته تدارکات تظاهرات روز جمعه ۱۶ نوامبر تشکیل گردید و تصمیمات زیر اتخاذ گردید.

۱- مسیر تظاهرات روشن شد.

۲- جلسه سخن‌رانی در یکی از سالن‌های بزرگ شهر کلن بعد از تظاهرات گذاشته شود.

۳- شعار "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" به صورت بسیار بزرگ نوشته شده و در اول تظاهرات حمل گردد.

۴- دو شعار به صورت حروف بزرگ نوشته شده تا در طول تظاهرات و در طرفین صفوف حمل گردد.

۵- در آخر تظاهرات یک قطعه نمایش از مبارزات مردم علیه رژیم شاه گذاشته شود.

۶- در مورد سایر کارهای تکنیکی بحث و تقسیم کار شد.

جلسه بعد "کمیته تدارکاتی تظاهرات" به روز ۲۹ نوامبر یعنی روز قبل از تظاهرات موکول گردید.

در این بین خبر یافتیم که گویا دبیران کنفدراسیون به علت مسائل حاد دفاعی و تدارک بین‌المللی خود، به خاطر دفاع از گروه ۱۲ نفر هنرمند مترقی و فرستادن یک هیئت نمایندگی بین‌المللی به ایران در نظر دارد، آکسیون مرکزی در سطح آلمان را به تعویق اندازد. بعد از تماس با هیئت دبیران، صحت این خبر که از سازمان‌های خارجی و چند واحد فدراسیونی به ما رسیده بود، تأیید گردید. در نشست مشترک نماینده دبیران فدراسیون و هیئت دبیران کنفدراسیون بعد از بحث فراوان، طی یک نامه تشکیلاتی قرار شد که تظاهرات به عقب بیفتد. ولی روز ۲۱ نوامبر دبیران کنفدراسیون تصمیم خود را مبنی بر عقب افتادن تظاهرات مرکزی فدراسیون لغو کرده و اطلاع دادند که تظاهرات می‌تواند در اول دسامبر برگزار گردد. دبیران فدراسیون آلمان با

همکاری واحدها و نیروهای متری خارجی بکار روشننگری و تدارک وسیع تظاهرات هر چه بیش‌تر دامن زده و کلیه اقدامات ضروری را به عمل آوردند.

در این مدت همان‌طور که از گزارش بخشی از واحدهای فدراسیون پیداست، فعالیت وسیعی جهت بسیج افکار عمومی انجام گرفت. نشست‌های فراوانی برگزار گردید و زمینه بسیار مساعدی برای روز اول دسامبر به وجود آمد. محتوی متری و محقانه فراخوان فدراسیون نمی‌توانست مورد تأیید وسیع‌ترین نیروهای متری، دمکرات و لیبرال قرار نگیرد. بسیاری از واحدها با کوششی خستگی‌ناپذیر، امر تدارک سیاسی تظاهرات را به پیش بردند. پخش صدها هزار اعلامیه، ده‌ها جلسه سخن‌رانی و نمایشگاه عکس و ده‌ها ابتکار کوچک و بزرگ واحدها، به درستی سیمای ضدخلقی دربار پهلوی را بیش از پیش عیان نمود.

جلسه موعود "کمیته تدارکات تظاهرات" روز ۲۹ نوامبر با شرکت دبیر تشکیلات در شهر کلن تشکیل و کلیه اقدامات انجام شده جهت برگزاری موفق تظاهرات گزارش داده شد. از آنجا که کلیه مسائل تدارکاتی به نحو احسن حل شده بود قرار بعدی به روز اول دسامبر ساعت ده صبح موکول شد.

روز بعد یعنی ۳۰ نوامبر در ساعت یک بعدازظهر از طرف یکی از نیروهای متری امضاءکننده فراخوان اطلاع حاصل شد که پلیس برگزاری تظاهرات را ممنوع اعلام نموده است. دبیر دفاعی فدراسیون با در نظر گرفتن استدالات پلیس شهر کلن و اوضاع سیاسی و ارزیابی از کم و کیف جوانب مختلف تصمیم پلیس و موضع‌گیری نیروهای سیاسی، و نتیجه‌گیری از بحث مشورتی با "کمیته دفاعی تظاهرات" تصمیم خود را مبنی بر مقابله با تصمیم پلیس ارتجاعی آلمان به اطلاع دبیران کنفدراسیون رسانیده و قرار شد که بعد از بحث نتیجه را اعلام کنند.

در ساعت ۱۱ شب روز جمعه ۳۰ نوامبر دبیران کنفدراسیون تصمیم خود را مبنی بر عدم شرکت واحدها در تظاهرات به علت خطر موجود برای ایرانی‌ها و احتمال غیرقانونی شدن فدراسیون آلمان، به اطلاع ما رسانده و مسئولیت کلیه اقدامات بعدی را راساً عهده‌دار شدند.

در اینجا لازم است که به خاطر توضیح بیش‌تر موقعیت سیاسی آلمان در هنگام برگزاری آکسیون مرکزی کلن به چند نکته اشاره نمود.

بعد از سفر برانت صدراعظم و فریدریش وزیر اقتصاد آلمان، دستگاه‌های تبلیغاتی دولت آلمان، با ظرافت خاصی که مختص امپریالیست‌هاست، شروع به دفاع از رژیم منفور ایران و در راس آن دربار نمودند.

درباره مسائلی که دیگر قابل دفاع در میان افکار عمومی مردم آلمان نبود، سکوت اختیار کردند. پخش مصاحبه شاه در تلویزیون سرتاسری آلمان، آنهم درست در شب ما قبل تظاهرات کلن در باره "بحران سوختی" از جمله تلاش‌های مذبحخانه محافل ارتجاعی آلمان جهت خدشه‌دار کردن امر مبارزاتی دانشجویان ایرانی و منحرف ساختن افکار عمومی نیروهای لیبرال و دمکرات آلمانی بود.

در زمانی که امنستی انترناسیونال در نشریات خود پرده از اعمال ضدانسانی رژیم و واقعیت شکنجه‌گاه‌های ایران برداشته و در رابطه با آکسیون جهانی خود، با مدارک کافی اقدامات رژیم منفور ایران را در مورد سرکوبی مخالفین سیاسی‌اش بر ملا می‌سازد و به انفراد بیش از پیش شاه خائن در افکار عمومی کمک می‌کند، بنگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی از "بی‌طرفی" شاه در جنگ محقانه اعراب علیه صیهونیست‌های اسرائیلی سخن می‌رانند.

از طرف دیگر پلیس آلمان با همکاری اوباشان سازمان "امنیت" علیه رفقای ما دست به توطئه می‌زند و همانند ناظر "بی‌طرف" به چاقوکشان و دزدان ساواک میدان عمل می‌دهد تا علیه مبارزات دانشجویان متری ایرانی و در پناه "دمکراسی" به خرابکاری بپردازند.

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اخلال "خط رزمده" در مبارزات دفاعی فدراسیون آلمان برای تضعیف این فدراسیون)

تظاهرات موفق با وجود ممنوعیت

تظاهرات موفق با وجود ممنوعیت

روز اول دسامبر - مرکز شهر کلن را بیش از چند هزار پلیس اشغال کرده بود. بیش از ۲۰۰۰ نفر از نیروهای مترقی آلمانی و خارجی که بوسایل مختلف خود را به کلن رسانیده بودند با تاشیک های جدیدی تظاهرات راهپیمایی میکردند. مراکز عمده شهر تبدیل به صحنه های اعتراضی علیه رژیم منغور شاه و افشاء ماهیت امپریالیستی دولت - آلمان شده بود. فریاد "مرگ برشاه"، "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" و "قطع صدور اسلحه برای شاه" همه جا را فراگرفته بود. مردم عادی که برای خرید عید مسیحی آمده بودند با پرخاش به پلیس و شعار "مرگ بر شاه" همبستگی خود را با خلق ایران و نفرتشان را از رژیم سرسپرده ایران، ابراز میداشتند.

پلیس فاشیست آلمان با لحنی مودب و التماس آمیز بیهوده میکوشید که مردم را از همکاری با تظاهر کنندگان باز دارد.

نیروهای مترقی بدون وجود ایرانیان و برای خواستهای آنها مبارزه های بی امان برخواسته بودند و با ابتکارآ جالب خود توانستند، ماهیت همکاری دولت آلمان و ایران را افشاء کنند. آنها بطور پراکنده با مردم درباره اوضاع سیاسی حاکم در ایران و مبارزات بحق مردم ایران بحث میکردند و با پخش اعلامیه و فریاد های "شاه قاتل و برانت دستیار اوست" بوظایف همبستگی بین المللی خود، بنحو احسن پاسخ مثبت دادند.

آنها با شکستن صف پلیس و برگزاری سخنرانی و دادن دهها زندانی که از طرف پلیس دستگیر شدند، تمام روز را به مبارزه ادامه دادند. در پایان تظاهرات در سالن بزرگ شهر جلسه سخنرانی وسیعی برگزار شد که بیش از هزار نفر در آن شرکت داشتند. در این جلسه پیام نماینده ظفار و اتحادیه دانشجویان کاتولیک مبنی بر پشتیبانی از خلق ایران و همبستگی با دانشجویان مبارز ایرانی قرائت گردید. سپس قرائت چند مقاله از طرف نیروهای مترقی در دستور کار قرار گرفت و در خاتمه مقدار زیادی پول برای کمک به زندانیان سیاسی جمع آوری شد.

در نشست نامبرده که به بحث درباره نکات فراخوان پرداخت، اعلام شد، که دانشجویان مبارز ایرانی بر رهبری سازمان متشکلی کنفدراسیون جهانی، شدد با به این اقدامات اعتراض کرده و پاسخ مناسب خواهد داد بعد از برگزاری تظاهرات موفق کلن، اکثر نیروهای مترقی در بسیاری از شهرهای آلمان با اقدامات خود توانستند بیش از پیش با افشاءگری رژیم ایران پرداخته و در خنثی کردن تبلیغات دروغین دولت آلمان، علیه خلقهای عرب و ایران بکوشند. در بسیاری از شهرها، واحدهای فدراسیونی به تقویت این اکسیون ها پرداخته و همانطور که از متن گزارش واحد ها برمیاید موفقیت شایان توجهی نصیب جنبش مترقی دانشجویان ما گردید.

برقرار باد همبستگی رزمده دانشجویان ایرانی و نبره های مترقی خارجی،

پیروز باد مبارزات مردم ایران - درود به مبارزین دریند.

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (اخلال "خط رزمنده" در مبارزات دفاعی فدراسیون آلمان برای تضعیف این فدراسیون)

تظاهرات موفق با وجود ممنوعیت

تظاهرات موفق با وجود ممنوعیت

"روز اول دسامبر، مرکز شهر کلن را بیش از چند هزار پلیس اشغال کرده بود. بیش از ۲۰۰۰ نفر از نیروهای مترقی آلمانی و خارجی که به وسایل مختلف خود را به کلن رسانیده بودند با تاکتیک‌های جدیدی تظاهرات را رهبری می‌کردند. مراکز عمده شهر تبدیل به صحنه‌های اعتراضی علیه رژیم منفور شاه و افشاء ماهیت امپریالیستی دولت آلمان شده بود. فریاد "مرگ بر شاه"، "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" و "قطع صدور اسلحه برای شاه" همه جا را فراگرفته بود. مردم عادی که برای خرید عید مسیحی آمده بودند با پرخاش به پلیس و شعار "مرگ بر شاه" همبستگی خود را با خلق ایران و نفرتشان را از رژیم سر سپرده ایران، ابراز می‌داشتند.

پلیس فاشیست آلمان با لحنی مودب و التماس‌آمیز بیهوده می‌کوشید که مردم را از همکاری با تظاهرکنندگان باز دارد. نیروهای مترقی بدون وجود ایرانیان و برای خواست‌های آنها به مبارزه‌ای بی‌امان برخاسته بودند و با ابتکارات جالب خود توانستند ماهیت همکاری دولت آلمان و ایران را افشاء کنند. آنها به طور پراکنده با مردم درباره اوضاع سیاسی حاکم در ایران و مبارزات بحق مردم ایران بحث می‌کردند و با پخش اعلامیه و فریادهای "شاه قاتل و برانت دستیار اوست" به وظایف همبستگی بین‌المللی خود، بنحو احسن پاسخ مثبت دادند.

آنها با شکستن صف پلیس و برگزاری سخن‌رانی و دادن ده‌ها زندانی که از طرف پلیس دستگیر شدند، تمام روز را به مبارزه ادامه دادند. در پایان تظاهرات در سالن بزرگ شهر جلسه سخن‌رانی وسیعی برگزار شد که بیش از هزار نفر در آن شرکت داشتند. در این جلسه پیام نماینده ظفار و اتحادیه دانشجویان کاتولیک مبنی بر پشتیبانی از خلق ایران و همبستگی با دانشجویان مبارز ایرانی قرائت گردید. سپس قرائت چند مقاله از طرف نیروهای مترقی در دستور کار قرار گرفت و در خاتمه مقدار زیادی پول برای کمک به زندانیان سیاسی جمع‌آوری شد.

در نشست نامبرده که به بحث درباره نکات فراخوان پرداخت، اعلام شد، که دانشجویان مبارز ایرانی به رهبری سازمان متشکلش کنفدراسیون جهانی، شدیداً به این اقدام پلیس اعتراض کرده و پاسخ مناسب خواهد داد.

بعد از برگزاری تظاهرات موفق کلن، اکثر نیروهای مترقی در بسیاری از شهرهای آلمان با اقدامات خود توانستند بیش از پیش به افشاءگری رژیم ایران پرداخته و در خنثی کردن تبلیغات دروغین دولت آلمان، علیه خلق‌های عرب و ایران بکوشند. در بسیاری از شهرها، واحدهای فدراسیونی به تقویت این آکسیون‌ها پرداخته و همان‌طور که از متن گزارش واحدها بر می‌آید موفقیت شایان توجهی نصیب جنبش مترقی دانشجویان ما گردید.

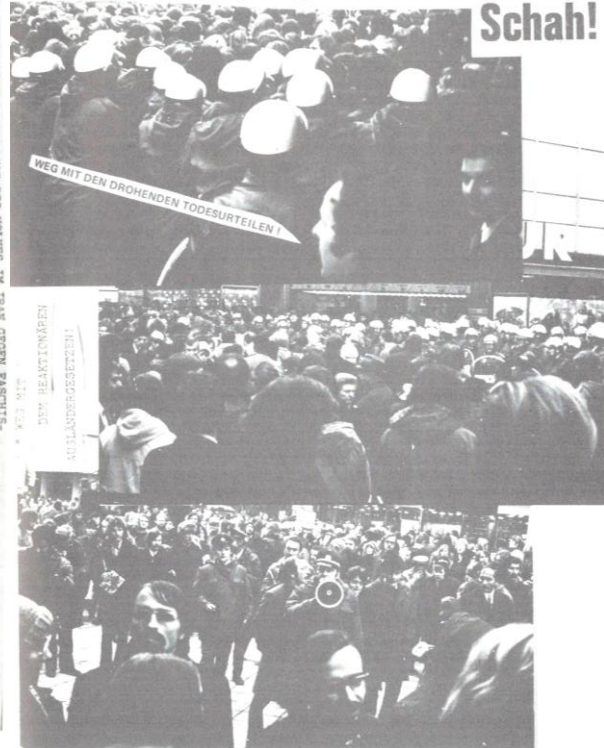
برقرار باد همبستگی رزمنده دانشجویان ایرانی و نیروهای مترقی خارجی.

پیروز باد مبارزات مردم ایران - درود به مبارزین دریند"



Köln, 1. 12. 1973: Trotz Verbot — Solidaritätsdemonstration für persische Patrioten!

SPD-Polizei prügelt für den Schah!



NIEDER MIT DEM SCHAH-REGIME!



سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (تشدید فضای مسموم موجود در دوران انشای در کنفدراسیون جهانی)

نامه‌ای در باره تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

نامه‌ای درباره

تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

"رفقای گرامی"

در این نامه درصدد هستم که راه حل جدید مبارزه را تا جایی که به فکر می‌رسد بیان کنم. سازمان مامدت بسیار طولانی است که در جریان‌های سیاسی قرار گرفته است. از همان اوایل کار خرد و طیفه، مبرم خود را که احیاء حزب، طبقه کارگر در ایران می‌باشد در دستور کار خود قرار داده است. سازمان ما سعی کرده است که افسران ایرانی مقیم خارج را به سازمان جلب کرده و آنها را تربیت سیاسی نموده و راهی ایران سازد. این یکی از طرق ایجاد هسته‌های سازمانی در ایران بوده است.

سپس این رفیق با توجه به بحران درون کنفدراسیون که با دست‌روزیونیست‌ها و جبهه ملی بوجود آمده، موضوع تلفیق کار سازمانی و کار کنفدراسیونی و شناخته شدن رفقای سازمانی را در نتیجه کار در کنفدراسیون مطرح ساخته و می‌نویسد: "حال اگر هم با زحمت فراوان چند تنی، آری فقط چند تنی از اینها (دانشجویان) را به مبارزه بکنانیم و سیاسی کردیم و از بین آنها چند تنی آن صداقت‌گفتار را داشته باشند که بروند در ایران مبارزه کنند شناخته شده هستند و رفتن آنها به ایران جایز نخواهد بود". از اینو رفیق اینطور ادامه می‌دهد:

"نظر من بر این است که فعالیت در کنفدراسیون را به حداقل برسانیم تا رفقای سازمانی به این طریق

شناخته نشوند. توسط کنفدراسیون میتوان چند کار مثبت انجام داد ولی این کارها مسئله عمده ما را غیرعقلی میکنند...."

"این نظر من در حوزه که من هستم قرائت میشود و بحث خواهیم کرد. گزارش رفیق رابط از بحث حوزه این نوشته را از نظر بیان مطلب غنی خواهد کرد. امیدوارم که سازمان این نظر را به بحث رفقای دیگر سازمانی بگذارد و خواهان نظر آنها نیز باشد. حتما پیشنهادات زیادی برای ادامه کار وجود خواهد داشت که در این مختصر نمیتوانم به آنها اشاره کنم. این نوشته بخاطر دامن زدن به یک بحثی خواهد بود که معتقد هستم رفقای زیادی به آن فکر میکنند و تاکنون به دلائلی همانند کم کمک کردن به نشریات داخلی سازمان و یا نوشتن نشریات خود که در نشریات داخلی همیشه انتقاد به این رفقا میشود نتوانسته‌اند تاکنون بآن اشاره کنند. باشد که این نظر در امر راجع به مبارزه‌ای سریعتر مفید قرار گیرد."

"زند هیاد سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان"

این نامه، رفیقی از سازمان است که نظر خود را درباره مشکلات کار سازمان در کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویی از لحاظ امر پنهانکاری و بازگشت رفقا به ایران برای کار سازمانی در آن طرح کرده و از سازمان خواسته است که نظر او به اطلاع رفقای سازمانی و اظهار نظر آنها رسانیده شود. ما نظر این رفیق را در اینجا آوردیم و از همه حوزه‌ها و رفقای سازمانی می‌طلبیم که این موضوع را هم‌جانبه مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را برای درج در نشریه، وحدت اندیشه و عمل ارسال دارند.

ما یقین داریم رفقا در این بحث شرکت خواهند جست و با ارسال نظریات خود به ارائه راجع و بالا بردن سطح آگاهی همه رفقای سازمانی یاری خواهند رسانید.

سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

متدرج در بخش: (تشدید فضای مسموم موجود در دوران انشأ در کنفدراسیون جهانی)

نامه‌ای در باره تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

"نامه‌ای در باره"

تلفیق کار سازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

"رفقای گرامی

در این نامه درصدد هستیم که راه حل جدید مبارزه را تا جایی که به فکر می‌رسد بیان کنیم. سازمان ما مدت بسیار طولانی است که در جریان سیاستی قرار گرفته است. از همان اوایل کار خود وظیفه‌ی مبرم خود را که احیاء حزب طبقه کارگر در ایران می‌باشد در دستور کار خود قرار داده است. سازمان ما سعی کرده است که افراد ایرانی مقیم خارج را به سازمان جلب کرده و آنها را تربیت سیاسی نموده و راهی ایران سازد. این یکی از طرق ایجاد هسته‌های سازمانی در ایران بوده است. " سپس این رفیق با توجه به بحران درون کنفدراسیون که با دست رویزیونیست‌ها و جبهه ملی به وجود آمده، موضوع تلفیق کار سازمانی و کار کنفدراسیونی و شناخته شدن رفقای سازمانی را در نتیجه کار در کنفدراسیون مطرح ساخته و می‌نویسد: " حال اگر هم با زحمت فراوان چند تنی، آری فقط چند تنی از اینها (دانشجویان) را به مبارزه کشانیدیم و سیاسی کردیم و از بین آنها چند تنی آن صداقت گفتار را داشته باشند که بروند در ایران مبارزه کنند شناخته شده هستند و رفتن آنها به ایران جایز نخواهد بود". از اینرو رفیق اینطور ادامه می‌دهد:

"نظر من بر این است که فعالیت در کنفدراسیون را به حداقل برسانیم تا رفقای سازمانی به این طریق شناخته نشوند. توسط کنفدراسیون می‌توان چند کار مثبت انجام داد ولی این کارها مسئله عمده ما را غیر عملی می‌کنند..."

"این نظر من در حوزه که من هستم قرائت می‌شود و بحث خواهیم کرد. گزارش رفیق رابط از بحث حوزه این نوشته را از نظر بیان مطلب غنی خواهد کرد. امیدوارم که سازمان این نظر را به بحث رفقای دیگر سازمانی بگذارد و خواهان نظر آنها نیز باشد. حتماً پیشنهادات زیادی برای ادامه کار وجود خواهد داشت که در این مختصر نمی‌توانم به آنها اشاره کنم. این نوشته به خاطر دامن زدن به یک بحثی خواهد بود که معتقد هستم رفقای زیادی به آن فکر می‌کنند و تاکنون به دلائلی همانند کم کمک کردن به نشریات داخلی سازمان و یا نوشتن نظریات خود که در نشریات داخلی همیشه انتقاد به این رفقا می‌شود نتوانسته‌اند تاکنون به آن اشاره کنند. باشد که این نظر در امر راه‌جویی برای مبارزه‌ای سریع‌تر مفید قرار گیرد."

زنده باد سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان "

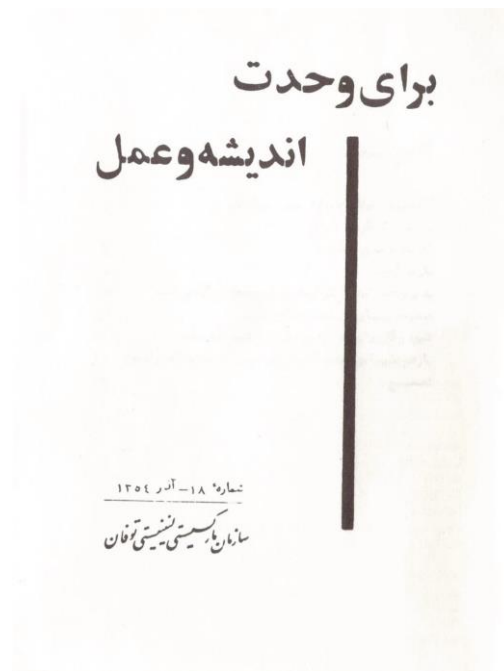
این نامه رفیقی از سازمان است که نظر خود را در باره مشکلات کار سازمان در کنفدراسیون و سازمان‌های دانشجویی از لحاظ پنهانکاری و بازگشت رفقا به ایران برای کار سازمانی در آن طرح کرده و از سازمان خواسته است که نظر او به اطلاع رفقای سازمانی و اظهار نظر آنها رسانیده شود. ما نظر این رفیق را در اینجا آوردیم و از همه حوزه‌ها و رفقای سازمانی می‌طلبیم که این موضوع را همه‌جانبه مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را برای درج در نشریه "وحدت اندیشه و عمل" ارسال دارند. ما یقین داریم رفقا در این بحث شرکت خواهند جست و با ارسال نظریات خود به ارائه راه حل و بالا بردن سطح آگاهی همه رفقای سازمانی یاری خواهند رسانید. "

نشریه داخلی "برای وحدت اندیشه و عمل"، شماره ۱۸ سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان
مورخ آذر ۱۳۵۴ برابر نوامبر ۱۹۷۵

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (تشدید فضای مسموم موجود در دوران انشاپ در کنفدراسیون جهانی)

بازهم در پیرامون تلفیق کارسازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون



در ماهیت خود امری تازه نیست، شرایط جدیدی نیست بلکه تشدید شرایط پلیسی و حفظان سابق است. در برابر این تشدید سیستم ترور و حفظان ما میبایستی هوشیاری بیشتر داشته باشیم، ابتکارات جدید برای خنثی کردن آن بخرج دهیم و تاکتیک های جدید مبارزه بکار ببریم، اما نمیتوان از تشدید شرایط ترور و حفظان که هر لحظه و زمانی امکان آن وجود دارد - کمان برد که گویا شرایط جدید بوجود آمده است.

ب: بنظر میاید که این تشدید شرایط ترور و حفظان و بسط روزافزون آن به خارج از کشور این سؤال را برای عدای مطرح ساخته است که برای حفظ نیروهای انقلابی و شرقی که در سطوح علنی مبارزاتی یعنی بطور عمده در کفدراسیون فعالیت دارند چگونه ابتکاراتی میتوان بکار برد. از اینجااست تشدید رفیق نگارنده در مورد ضرورت کفدراسیون بصورت کنونی آن. این تشدید از آنجا ناشی میشود که ما قدرت سازمان امنیت و دستگاه را در کنترل و شناختن فعالین خارج از کشور بالاتر از قدرت ابتکارات و نیروی مادر شرایط فعالیت خارج از کشور میدانیم. بزمان دیگر فعالیت در کفدراسیون ضرورتا و عمدتا منجر به لوغش و شناختن ما میگردد. ما معتقدیم که چنین نظریه های نادرست است، تئوری مبارزاتی و تحریر ما در سالهای اخیر نیز در این جهت بشمار میدهند. عواملی که باعث شناختن افراد ضد رژیم و انقلابی میگرددین همگی در نفس مبارزه علنی کفدراسیون خوابیده اند بلکه بطور عمده عواملی هستند مربوط به شیوه کار در آن، سیاست ما و غیره...

ج: پس از طرح استدلال فوق اکنون میردازیم به تحلیل این مسئله که چه عواملی باعث شناختن ما در کار کفدراسیون میگرددند و تا چه حدی ما قادریم با این عوامل مبارزه بپردازیم و آنرا نفعی کنیم:

۱- قبل از هر چیز تذکر این نکته ضروری است که در هر مبارزه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری که در شرایط خاصی بصورت علنی صورت میگیرد - مانند مبارزه کفدراسیون علیه رژیم دیکتاتوری شاه - نمیتوان از قبل انتظار داشت که آخر کسی از دید نامحرم رژیم در امان بماند. در چنین مبارزاتی بدیهی است که نام تعداد بیشماری - از آنجا که پلیس شیوه فاشیستی حفظان و تعقیب را در پیش دارد - بعنوان ضد استبداد در دهانر سیاه پلیس امنیتی نوشته خواهد شد. از این نکته این نتیجه را میگیریم که اگرچه حفظ انقلابیون وظیفه ماست اما همه انقلابیون نیز که وارد صحنه مبارزه میشوند نمیتوانند در شرایط حفظان فاشیستی مانند ایران انتظار آرا داشته باشند که پس از سالها مبارزه علیه این دستگاه بعنوان عضو نارامی ضد آن دستگاه - یعنی در سطح عام دموکراتیک و ضد فاشیستی آن - شناخته شوند. این امر طبیعت هر مبارزه ضد دستگاه فاشیستی و استبداد است. وظیفه ما آنست که هرچه کمتر قربانی دهیم، هرچه کمتر عناصر انقلابی افشا شوند و هرچه بیشتر ابتکارات و تدابیری بکار ببریم که عمده ما کمتر و موفقیت ما همچنان با برجا باشد.

۲- عمده ترین عاملی که باعث شناسائی مبارزین و انقلابیون در کار کفدراسیون میگردد فعالیت سیاه و موزیانه سازمان امنیت و دستگاه است. این فعالیت با صورت رسوخ در فعالیت های کفدراسیون و با محاصره جنسی، یا بشکل خریدن افراد مختلف و کار کردن آنان بکار جاسوسی و... است. نقش کیف سازمان امنیت در این زمینه بر کسی پوشیده نیست و سابقه آن نیز در کار مبارزه خارج از کشور شاید باید از «سابقه» فعالیت اپوزیسیون و کفدراسیون میماند. دفع این عامل در حال حاضر از عهده ما خارج است. آنچه ولی ما قادر بانجام آن هستیم خنثی کردن هرچه بیشتر فعالیت های آن است. یعنی یافتن تدابیر و اقدامات لازم امنیتی است در این زمینه. بنا براین میبینیم که این عامل عمده شناسائی انقلابیون پدیده تازه ای نیست.

همواره بوده است و همواره نیز با آن مبارزه وجود داشته است. وجود این عامل به هیچ عنوان ضرورت کفدراسیون و یا فعالیت علنی آرا نفعی نکرده و اکنون نیز نمیکند. نمیتوان به خاطر تشدید فعالیت خرابکارانه سازمان امنیت یک سنکر مبارزه، آنهم سنکر مبارزهای باین اهمیت مانند کفدراسیون را ترک کرد.

۳- در کار این عامل مهم عوامل با اهمیت دیگری نیز وجود دارند که بطور عمده در خود ما و در شیوه کار ما و در سیاست های ما نهفته اند (منظور از ما در اینجا اپوزیسیون در خارج از کشور در مجموع خود است). گوشش میگیریم بطور خلاصه اهم این عوامل را متذکر شویم:

اول: همانطور که سازمان ما بارها و بارها مطرح کرده است، کفدراسیون سازمانی است توده ای و هرچه بیشتر و بیشتر توده های داندنچودر آن شرکت نمایند از یکسو برد مبارزات آن بیشتر خواهد بود و از سوی دیگر

قدرت و امکانات سازمان امنیت در شناختن مبارزین در حقیقت و کمتر خواهد گشت. درست بهمین جهت بود که در سال ۱۹۷۰ که رژیم کفدراسیون را "منوعه" اعلام کرد و گروهی قلیل در کفدراسیون زیرم "مخفی کردن" کفدراسیون را شروع کرده بودند، شعاعده" ما جمع آوری وسیع ترین توده های دانشجو بر محور کار کفدراسیون بود تا بدین طریق هرچه کمتر ضربه پذیر گردیم.

کفدراسیون در مقابل این حمله وسیع رژیم سر بلند و موفق از گازار بیرون آمد. اکنون شرایط از آن زمان بدتر نیست. حمله رژیم به کفدراسیون بخیر عده در تشدید فعالیت های خرابکارانه سازمان امنیت تبلور دارد. آیا برای خنثی کردن فعالیت های سازمان امنیت و شعار درست این نیست که در جهت تودهای کردن و بسیج هرچه بیشتر توده های دانشجو بکنیم؟ آیا نادرست نیست که ما در فعال فعالیت سازمان امنیت از فعالیت علنی و بسیج توده ها و در واقع پیاده بردن به توده ها چشم پوشی کنیم و شعار فعالیت مخفی و یا چیزی شبیه آنرا بدهیم؟

دوم: حفظ نکردن چهارجوب کار کفدراسیون و طرح مسائل ایدئولوژیک و عقاید و گروهی در آن یکی از عوامل مهمی است که حداقل تجربه کفدراسیون در ظهور بودن آنرا نشان داده است. طرح اینگونه مسائل که فاعدا با کار عمومی کفدراسیون قریبی ندارند شرایط رشد افراد مشکوک و فعالیت های خرابکارانه را مساعد کرده باعث میگرد که افراد مبارز درون کفدراسیون بپسوده و بیجهت نه بعنوان صد رژیم بلکه بعنوان منتسب به این یا آن گروه شناخته گردند. ما همواره و حتی در ارگان سازمان این مطلب را گوشزد نموده ایم. مسافانه نیروهای دیگر به کار نادرست خود در این زمینه ادامه داده اند.

سوم: شیوه کار نادرست در درون کفدراسیون که با شکل گوناگون ظهور میکند یکی از بزرگترین عواملی است که فعالیت سازمان امنیت را جهت شناختن مبارزین ساده مینماید. این شیوه ها حتی در کار رفتاری ما نیز اینجا و آنجا - البته به ندرت ولی بهر حال - پدید میآیند. بعدا میتوان به نکات زیر اشاره کرد:

- ۱- انتخاب افراد درون کفدراسیون به این یا آن گروه، انجام زنی و برجسب های گوناگون بدن.
- ۲- بی پرده صحبت کردن در کفدراسیون، اشاره به مسائل خاص سیاسی که در صورت طرح نادرستی باعث شناسائی گوینده میگردد. عبارت ساده تر به زبان خود کفدراسیون صحبت نکردن بلکه زبان مشاعلا مارکسیست - لنینیست ها را بکار بردن.
- ۳- رفتارهای نامناسب با کار کفدراسیون. مثلا در معامع عمومی همواره با هم مسلکان نشستن و برخاستن و یا خود نمائی بیجا در کار های عمومی.

با اینگونه شیوه های غلط کار باید مبارزه کرد. باید شیوه نادرست در فعالیت های علنی، انطباق کار مخفی با علنی را فراگرفت و بتوده ها نیر آمیخت. این امر البته ساده نیست، مشکل است، صبر و حوصله میخواهد و زبان زیادی میطلبد. اما نمیتوان به بهانه اشکال آن، از آن صرف نظر کرد و ساده ترین راه و در عین حال غلط ترین راه یعنی چشم پوشی از فعالیت شونی و علنی کفدراسیون را پذیرفت.

ج- چنین است طرح واقعی مسئله شناختن مبارزین از طریق سازمان امنیت آنطور که به نظر این حوزه میآید هیچکدام از این عوامل مارا در مقابل آنچنان شرایطی قرار نمی دهد که از مبارزه دموکراتیک در سطح علنی چشم پوشی کنیم. چنین برداشتی، عجولانه، ذهنی و نادرست است و سود مبارزه خلق علیه رژیم، سود طبعی کارگر نخواهد بود. بدیهی است که برای مبارزه با این عوامل و رشد آن، برای حفظ بیشتر مبارزین و انقلابیون از دستور سازمان امنیت، همواره باید مشتر بود. ما در حمله اول باید فعالیت علنی کفدراسیون را با تودهای کردن هرچه بیشتر آن بهامیزیم. این ضامن اساسی حفظ ما از چشم ضرور سازمان امنیت است. ما باید شیوه نادرست و شیوه های انطباق کار علنی با مخفی را بهامیزیم و بکار ببریم. ما باید چهارجوب کار کفدراسیون را بشناسیم و از آن با فرائز نهیم. ما باید همواره در برابر سازمان امنیت هوشیار و منتظر باشیم. چنین است راه درست مبارزه با سازمان امنیت و چنین است راه درست حفظ مبارزین از دستور آن.

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل نوزدهم

مندرج در بخش: (تشدید فضای مسموم موجود در دوران انشای کنفدراسیون جهانی)

بازهم در پیرامون تلفیق کارسازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

نشریه داخلی "برای وحدت اندیشه و عمل"، شماره ۱۸ سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

مورخ آذر ۱۳۵۴ برابر نوامبر ۱۹۷۵

بازهم در پیرامون تلفیق کارسازمانی در شرایط جدید کنفدراسیون

"نامه مندرج در نشریه وحدت اندیشه و عمل شماره ۱۷ سبب گشت که حوزه ما در مورد محتوی آن به بحث پردازد. مطالب زیر جمع‌بندی این بحث در خطوط اصلی خود می‌باشد:

الف - نامه فوق پیشنهاداتی برای تغییر کار کنفدراسیون ارائه می‌دهد که طبع آن نامه گویا نتیجه منطقی تغییر "شرایط جدید" در کنفدراسیون می‌باشد. شرایط جدیدی که کنفدراسیون در حال حاضر در آن به سر می‌برد، شرایط تضعیف مبارزه مشترک از طریق انشعاب اخیر است. این تغییر شرایط ما را طبیعتاً به مبارزه با انشعاب، تقویت کنفدراسیون از همه جوانب و ابتکاراتی از این نظیر وا می‌دارد. تخفیف مبارزات کنفدراسیون و تبدیل آن به چیز دیگری، جواب‌گوی درست شرایط جدید نبوده، برعکس ما را تسلیم این شرایط، تسلیم انشعاب‌گران می‌سازد. پیشنهاد رفیق نگارنده مبنی بر "تخفیف فعالیت کنفدراسیون به حداقل خود" به نظر می‌آید که از این اندیشه برخاسته است که ترور رژیم و خفقان آن رشد یافته و در این اواخر به خصوص در خارج از کشور تشدید یافته است. این امر اگرچه برای همه ما مبارزان و به ویژه ما، حائز اهمیت است و باید بدان برخورد مناسب کرد، لیکن در ماهیت خود امری تازه نیست، شرایط جدیدی نیست، بلکه تشدید شرایط پلیسی و خفقان سابق است. در برابر این تشدید سیستم ترور و خفقان ما می‌بایستی هوشیاری بیش‌تر داشته باشیم، ابتکارات جدید برای خنثی کردن آن به خرج دهیم و تاکتیک‌های جدید مبارزه به کار ببریم، اما نمی‌توان از تشدید شرایط ترور و خفقان - که هر لحظه و زمانی امکان آن وجود دارد - گمان برد که گویا شرایط جدید به وجود آمده است.

ب - به نظر می‌آید که این تشدید شرایط ترور و خفقان و بسط روز افزون آن به خارج از کشور این سوال را برای عده‌ای مطرح ساخته است که برای حفظ نیروهای انقلابی و مترقی که در سطوح علنی مبارزاتی یعنی به طور عمده در کنفدراسیون فعالیت دارند، چگونه ابتکاراتی می‌توان به کار برد. از اینجاست تردید رفیق نگارنده در مورد ضرورت کنفدراسیون به صورت کنونی آن. این تردید از آنجا ناشی می‌شود که ما قدرت سازمان امنیت و دستگاه را در کنترل و شناختن فعالین خارج از کشور بالاتر از قدرت ابتکارات و نیروی ما در شرایط فعالیت خارج از کشور می‌دانیم. به زبان دیگر فعالیت در کنفدراسیون ضرورتاً و عمدتاً منجر به لو رفتن و شناختن ما می‌گردد. ما معتقدیم که چنین نظریه‌ای نادرست است. تئوری مبارزاتی و تجربه ما در سال‌های اخیر نیز در این جهت نظر می‌دهند. عواملی که باعث شناختن افراد ضد رژیم و انقلابی می‌گردند، همگی در نفس مبارزه علنی کنفدراسیون نخواهی‌اند، بلکه به طور عمده عواملی هستند مربوط به شیوه کار در آن، سیاست ما و غیره ...

ج - پس از طرح استدلال‌ات فوق اکنون می‌پردازیم به تحلیل این مسئله که چه عواملی باعث شناختن ما در کار کنفدراسیون می‌گردند و تا چه حدی ما قادریم با این عوامل به مبارزه بپردازیم و آنان را نفی کنیم:

۱- قبل از هر چیز تذکر این نکته ضروری است که در هر مبارزه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری که در شرایط خاصی به صورت علنی صورت می‌پذیرد - مانند مبارزه کنفدراسیون علیه رژیم دیکتاتوری شاه - نمی‌توان از قبل انتظار داشت که کم‌تر کسی از دید نامحرم رژیم درامان بماند. در چنین مبارزاتی بدیهی است که نام تعداد بی‌شماری - از آنجا که پلیس شیوه فاشیستی خفقان و تعقیب را در پیش دارد - به عنوان ضد استبداد در دفاتر سپاه پلیس امنیتی نوشته خواهد شد. از این نکته این نتیجه را می‌گیریم که اگرچه حفظ انقلابیون و وظیفه ماست، اما همه انقلابیون نیز که وارد صحنه مبارزه می‌شوند، نمی‌توانند در شرایط خفقان فاشیستی مانند ایران انتظار آن را داشته باشند که پس از سال‌ها مبارزه علیه این دستگاه به عنوان عنصر ناراضی ضد آن دستگاه - یعنی در سطح عام دموکراتیک و ضد فاشیستی آن - شناخته نشوند. این امر طبیعتاً هر مبارزه ضد دستگاه فاشیستی و استبداد است. وظیفه ما آن است که هرچه کم‌تر قربانی دهیم، هرچه کم‌تر عناصر انقلابی افشاء شوند و هر چه بیش‌تر ابتکارات و تدابیری بکار ببریم که صدمه ما کم‌تر و موفقیت ما همچنان پابرجا بماند.

۲- عمده‌ترین عاملی که باعث شناسائی مبارزین و انقلابیون در کار کنفدراسیون می‌گردد، فعالیت سیاه و مودیانه سازمان امنیت و دستگاه است. این فعالیت یا به صورت رسوخ در فعالیت‌های کنفدراسیون و یا مجامع جنبی، یا به شکل خریدن افراد مختلف و گماردن آنان به کار جاسوسی و... است. نقش کثیف سازمان امنیت در این زمینه بر کسی پوشیده نیست و سابقه آن نیز در کار مبارزه خارج از کشور شاید به اندازه سابقه فعالیت اپوزیسیون و کنفدراسیون می‌باشد. دفع این عامل در حال حاضر از عهده ما خارج است. آنچه ولی ما قادر به انجام آن هستیم خنثی کردن هرچه بیش‌تر فعالیت‌های آن است. یعنی یافتن تدابیر و اقدامات لازم امنیتی است در این زمینه. بنابراین می‌بینیم که این عامل عمده شناسائی انقلابیون پدیده تازه‌ای نیست. همواره بوده است و همواره نیز با آن مبارزه وجود داشته است. وجود این عامل به هیچ عنوان ضرورت کنفدراسیون و یا فعالیت علنی آن را نفی نکرده و اکنون نیز نمی‌کند. نمی‌توان به خاطر تشدید فعالیت خرابکارانه سازمان امنیت یک سنگر مبارزه آن هم سنگر مبارزه‌ای به این اهمیت مانند کنفدراسیون را ترک کرد.

۳- در کنار این عامل مهم عوامل مهم با اهمیت دیگری نیز وجود دارند که به طور عمده در خود ما، در شیوه کار ما و در سیاست‌های ما نهفته‌اند (منظور از ما در اینجا، اپوزیسیون در خارج از کشور در مجموع خود است). ما کوشش می‌کنیم به طور خلاصه اعم این عوامل را متذکر شویم:

اول: همان‌طور که سازمان ما بارها و بارها مطرح کرده است، کنفدراسیون سازمانی است توده‌ای و هرچه بیش‌تر و بیش‌تر توده‌های دانشجو در آن شرکت نمایند از یک سو برد مبارزات آن بیش‌تر خواهد بود و از سوی دیگر قدرت و امکانات سازمان امنیت در شناختن مبارزین ضعیف‌تر و کم‌تر خواهد گشت. درست به همین جهت بود که در سال ۱۹۷۰ که رژیم کنفدراسیون را "ممنوعه" اعلام کرد و گروهی قلیل در کنفدراسیون زمزمه مخفی کردن "کنفدراسیون" را شروع کرده بودند، شعار عمده ما جمع آوری وسیع‌ترین توده‌های دانشجو بر محور کار کنفدراسیون بود تا بدین طریق هرچه کم‌تر ضربه پذیر گردیم.

کنفدراسیون در مقابل این حمله وسیع رژیم سربلند و موفق از کارزار بیرون آمد. اکنون شرایط از آن زمان بدتر نیست. حمله رژیم به کنفدراسیون به طور عمده در تشدید فعالیت‌های خرابکارانه سازمان امنیت تبلور دارد. آیا برای خنثی کردن فعالیت‌های سازمان امنیت، شعار درست این نیست که در جهت توده‌ای کردن و بسیج هرچه بیش‌تر توده‌های دانشجو بکوشیم؟ آیا نادرست نیست که ما در قبال فعالیت سازمان امنیت از فعالیت علنی، بسیج توده‌ها و در واقع پناه بردن به توده‌ها چشم پوشی کنیم و شعار فعالیت مخفی و یا چیزی شبیه آن را بدهیم؟

دوم: حفظ نکردن چهارچوب کار کنفدراسیون و طرح مسائل ایدئولوژیک، خاص و گروهی در آن یکی از عوامل مهمی است که حداقل تجربه کنفدراسیون مطرود بودن آن را نشان داده است. طرح این گونه مسائل که قاعدتا با کار عمومی کنفدراسیون قرابتی ندارند، شرایط رشد افراد مشکوک و فعالیت‌های خرابکارانه را مساعد کرده، باعث می‌گردد که افراد مبارز درون کنفدراسیون بیهوده و بی‌جهت نه به عنوان ضد رژیم، بلکه به عنوان منتسب به این یا آن گروه شناخته گردند. ما همواره و حتی در ارگان سازمان این مطلب را گوشزد نموده‌ایم. متأسفانه نیروهای دیگر به کار نادرست خود در این زمینه ادامه داده‌اند.

سوم: شیوه کار نادرست در درون کنفدراسیون که به اشکال گوناگون ظهور می‌کند، یکی از بزرگ‌ترین عواملی است که فعالیت سازمان امنیت را جهت شناختن مبارزین، ساده می‌نماید. این شیوه‌ها حتی در کار رفقای ما نیز اینجا و آنجا - البته به ندرت ولی به هر حال - پدید می‌آیند. عمدتاً می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- انتساب افراد درون کنفدراسیون به این گروه یا آن گروه، اتهام زنی و برچسب‌های گوناگون زدن.

۲- بی‌پرده صحبت کردن در کنفدراسیون، اشاره به مسائل خاص سیاسی که ضرورت طرح ندارد ولی باعث شناسائی گوینده می‌گردد. به عبارت ساده‌تر به زبان خود کنفدراسیون صحبت نکردن، بلکه زبان مثلاً مارکسیست-لنینیست‌ها را به کار بردن.

۳- رفتارهای نامتناسب با کار کنفدراسیون. مثلاً در مجامع عمومی همواره با هم مسلکان نشستن و برخاستن و یا خودنمایی بی‌جا در کارهای عمومی.

با این گونه شیوه‌های غلط کار باید مبارزه کرد. باید شیوه کار درست در فعالیت‌های علنی، انطباق کار مخفی با علنی را فراگرفت و به توده‌ها نیز آموخت. این امر البته ساده نیست. مشکل است. صبر و حوصله می‌خواهد و زمان زیادی می‌طلبد اما نمی‌توان به بهانه اشکال آن، از آن صرف نظر کرد و ساده‌ترین راه و در عین حال غلط‌ترین راه یعنی چشم پوشی از فعالیت کنونی و علنی کنفدراسیون را پذیرفت.

ج - چنین است طرح واقعی مسئله شناختن مبارزین از طریق سازمان امنیت آن طور که به نظر این حوزه می‌آید. هیچ‌کدام از این عوامل ما را در مقابل آنچنان شرایطی قرار نمی‌دهد که از مبارزه دمکراتیک در سطح علنی چشم پوشی کنیم. چنین برداشتی، عجولانه، ذهنی و نادرست است به سود مبارزه خلق علیه رژیم، به سود طبقه کارگر نخواهد بود. بدیهی است که برای مبارزه با این عوامل و رشد آن، برای حفظ بیش‌تر مبارزین و انقلابیون از دست‌برد سازمان امنیت، همواره باید مبتکر بود. ما در وحله اول باید فعالیت علنی کنفدراسیون را با توده‌ای کردن هرچه بیش‌تر آن بیامیزیم. این ضامن اساسی حفظ ما از چشم شرور سازمان امنیت است. ما باید شیوه کار درست، شیوه‌های انطباق کار علنی با مخفی را بیاموزیم و به کار ببریم. ما باید چهارچوب کار کنفدراسیون را بشناسیم و از آن با فراتر ننهیم. ما باید همواره در برابر سازمان امنیت هوشیار و مبتکر باشیم. چنین است راه درست مبارزه با سازمان امنیت. چنین است راه درست حفظ مبارزین از دست‌برد آن."

